

را توشه

فصلنامه علمی - تخصصی ویژه مسلمانان
پاییز ۱۴۰۱ - شماره یازدهم
ویژه نامه فاطمیه



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی و تبلیغی
گروه تولید محتوا

- ◀ صاحب امتیاز: معاونت فرهنگی و تبلیغی
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- ◀ مدیر مسؤول: سعید روستا آزاد
- ◀ سردبیر: مصطفی آزادیان
- ◀ کارشناس اجرایی: اکبر اسماعیل پور

نشریه «ره توشه» بر اساس پروانه انتشار به شماره ثبت ۸۶۲۴۴ تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۵ معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان فصلنامه تخصصی منتشر می شود.

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی	◀ سید محمد اکبریان
استاد سطح عالی حوزه علمیه قم	◀ عبدالکریم پاک نیا تبریزی
استاد سطح عالی حوزه علمیه قم	◀ علی خادمی
عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه	◀ ناصر رفیعی محمدی
عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی	◀ سعید روستا آزاد
استاد سطح عالی حوزه علمیه قم	◀ میر تقی قادری
استاد سطح عالی حوزه علمیه قم	◀ علی نظری منفرد

ویراستار: زهرا رضائیان
صفحه آرا: اکبر اسماعیل پور
مسؤول چاپ و نشر: سید محمود کریمی
چاپ: مؤسسه بوستان کتاب

آدرس: قم، چهارراه شهدا، معاونت فرهنگی و تبلیغی، طبقه اول، گروه تولید محتوا
کد پستی: ۳۷۱۵۷۹۱۸۱۱
تلفن: ۰۲۵ - ۳۱۱۵۱۲۴۷
پایگاه اینترنتی: http://rahtoosheh.dte.ir
پست الکترونیک: tabligh@dte.ir
شمارگان: ۲۰۰ نسخه
قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان



امام خمینی (قدس سره):

«اگر یک روحانی پایش را کج بگذارد می گویند: «روحانیین این طورند»، نمی گویند فلان آدم... اگر یک روحانی خدای نخواستہ، یک خطایی بکند، این طور الآن وضع شده است که می گویند روحانیون این جوری اند. مسئولیت، یک مسئولیت بزرگی است که یکی اگر پایش را غلط بگذارد این طور نیست که پای خودش حساب بشود، پای روحانیت اسلام حساب می شود، شکست روحانیت اسلام است. از این جهت هر خطایی که از ما و شما آقایان خدای نخواستہ، تحقق پیدا بکند... پای همه حساب می شود؛ حتی آن طلبه ای که در مدرسه دارد درس می خواند، آن هم وقتی که یک خطایی بکند پای خودش حساب نمی شود، پای دیگران هم حساب می کنند. مسئولیت بسیار بزرگ است.»

بیانات در جمع علما جمع علما و روحانیون شیعه و سنی، ۱۳۶۴/۲/۱۶

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی):

«ما در محیط اجتماعی و محیط زندگی چطور می توانیم دل مردم را به منشأ گفتار خودمان مطمئن کنیم و اعتماد آنها را برانگیزیم؛ درحالیکه از مذمت شہوات دنیوی حرف می زنیم و در عمل خدای نکرده خودمان طور دیگری عمل می کنیم! از مذمت دل سپردن به پول و حرکت کردن و مجاهدت کردن در راه زیاده خواهی های دنیوی حرف می زنیم؛ اما عمل ما طور دیگری باشد! چطور چنین چیزی ممکن است اثر بکند؟! یا اثر اصلاً نمی کند، یا اثر زودگذر می کند، یا اثری می کند که بعد با کشف واقعیت کار ما، درست به ضد اثر تبدیل می شود. بنابراین، عمل بسیار مهم است.»

بیانات در دیدار روحانیان و مبلغان، ۱۳۸۴/۱۱/۵

فهرست مطالب

- بانوی جهاد..... ۵
حجت الاسلام والمسلمین علی خادمی
- فاطمه زهرا علیها السلام و جنگ روایت‌ها ۱۷
حجت الاسلام والمسلمین احمد فلاح‌زاده
- شکوه صدیقه طاهره علیها السلام در نگاهی به مُصَحَّف فاطمه علیها السلام ۲۹
حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا
- سیمای حضرت فاطمه علیها السلام در آئینه وحی ۳۷
حجت الاسلام والمسلمین محمد سبحانی‌نیا
- فلسفه عبادات و احکام الهی از منظر فاطمه زهرا علیها السلام ۴۷
حجت الاسلام والمسلمین کاظم دلیری
- فاطمه زهرا علیها السلام از منظر رسول اعظم صلی الله علیه و آله ۵۷
حجت الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری
- مروری بر وصیت‌نامه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ۶۷
حجت الاسلام والمسلمین حسن عاشوری لنگرودی
- تبیین حجاب و عفاف در سیره حضرت زهرا علیها السلام ۷۷
زهرا رضائیان

وظایف مسلمانان از نگاه حضرت زهرا علیها السلام ۸۷

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسین افشاری

جلوه‌های فاطمی در دفاع مقدس ۹۷

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدباقر نادم

مراسم فاطمیه و شیوه‌های خنثی‌سازی فتنه‌های دشمنان ۱۰۹

حجت‌الاسلام والمسلمین احمد فلاح‌زاده

بانوی جهاد

حجت‌الاسلام والمسلمین علی خادمی*

قال الله تعالى: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ...»^۱

مقدمه

اگر چه معنا و مفهوم برخی واژگان و موضوعاتی که به صورت روزمره در ادبیات گفتاری و نوشتاری ما کاربرد دارند، به صورت کلی و اجمالی برایمان روشن است؛ اما به معنای کامل و دقیق آن‌ها توجه نداریم؛ مانند واژه «جهاد». جهاد از ریشه «جهد» یا «جهد»، به هر گونه تلاشی گفته نمی‌شود؛ بلکه به تلاش همراه با سختی و مشقت اطلاق می‌گردد.^۲

این اصطلاح در قرآن نیز پرکاربرد است؛ به گونه‌ای که ۴۱ بار در آیات مختلف کتاب الهی مطرح شده است؛ چنانکه در سوره مبارکه حج فرموده است: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ...»؛ و در راه خدا جهاد کنید و حق جهادش را ادا نمایید». درباره این آیه شریفه، دو سؤال اساسی مطرح است: معنای حق جهاد چیست؟ راه عمل به آن کدام است؟ در این نوشتار، به دو سؤال فوق پاسخ می‌دهیم.

* دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم.

۱. حج: ۷۸.

۲. ر.ک: احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۴۸۶.

۱. حق جهاد

برای رسیدن به پاسخ پرسش اول، به گفته مفسران شهیری همچون مرحوم طبرسی رحمته الله علیه و علامه طباطبایی رحمته الله علیه بسنده می‌کنیم. مرحوم طبرسی رحمته الله علیه در مجمع البیان نوشته است: «بیشتر مفسران بر این باورند که مقصود از جهاد در این آیه شریفه، همه طاعات است (لذا به جهاد در میدان جنگ اختصاص ندارد)».^۱

علامه طباطبایی رحمته الله علیه نیز در المیزان نوشته است: «ظاهراً مراد از جهاد در این آیه، معنای عام آن است. مؤید این دیدگاه، آیه آخر سوره عنکبوت است که جهاد را در معنایی غیر از جهاد جنگی به کار برده است: "وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا...؛ و آن‌ها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود هدایت‌شان خواهیم کرد"».^۲

بنابراین جهاد، واژه‌ای عام است و به جهاد فیزیکی اختصاص ندارد. برای روشن‌تر شدن گستره معنایی جهاد، اقسام چهارگانه آن را بررسی می‌کنیم.

الف. جهاد کبیر

این تعبیر که تعبیری قرآنی است، در سوره فرقان ذکر شده است: «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَاداً كَبِيراً؛ بنابراین از کافران اطاعت مکن و به وسیله آن [قرآن] با آنان جهادی بزرگ بنما».^۳ بر پایه نظرات مفسران عالی‌قدر منظور از جهاد کبیر، جهاد علمی و فرهنگی است؛ زیرا سوره فرقان، سوره‌ای مکی است و در مکه هیچ‌گاه جنگی میان مسلمانان و مشرکان صورت نگرفت.^۴ ضمیر در «به» نیز به قرآن باز می‌گردد.^۵ مفسر شهیر شیعه، علامه طبرسی رحمته الله علیه با تعبیر لطیفی در این باره می‌نویسد: «از این آیه بر می‌آید که بهترین و بزرگ‌ترین جهاد در پیشگاه خدا، جهاد متکلمان است که شبهات دشمنان دین را پاسخ می‌دهند».^۶

منظور از «جهاد تبیین» که مطالبه جدی مقام معظم رهبری حفظه‌الله است، جهاد کبیر یعنی جهادی علمی - فرهنگی است که امروزه با گستردگی روزافزون جنگ رسانه‌ای دشمن، اهمیت و ضرورت آن بیشتر آشکار شده است.

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۱۵۴.

۲. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۴۱۲.

۳. فرقان: ۵۲.

۴. محمد بن عمر فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۲۴، ص ۴۷۴.

۵. محمدطاهر بن محمد ابن عاشور، التحریر و التنویر، ج ۱۹، ص ۷۵.

۶. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۲۷۳.

ب. جهاد افضل

جهاد افضل، اصطلاحی روایی است که در حدیثی معتبر (موثق) از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است: «إِنَّ أَفْضَلَ الْجِهَادِ كَلِمَةُ عَدْلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ؛^۱ به درستی که برترین جهادها، سخن عادلانه نزد حاکم ستمگر است». امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام نیز در سخنی مشابه این سخن رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَا يُتْرَكَانِ مِنْ أَجْلِ وَلَا يَنْقُصَانِ مِنْ رِزْقٍ وَ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ كَلِمَةُ عَدْلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ؛^۲ امر به معروف و نهی از منکر، نه اجلی را نزدیک می‌کند و نه از روزی می‌کاهد و بهتر از همه این‌ها، سخن عدل است در برابر حاکم ظالم».

ج. جهاد اکبر

این تعبیر نیز برگرفته از چندین روایت است. در روایتی از امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام این عبارت این‌گونه استفاده شده است: «وَ اعْلَمُوا أَنَّ الْجِهَادَ الْأَكْبَرَ جِهَادُ النَّفْسِ فَاشْتَغِلُوا بِجِهَادِ أَنْفُسِكُمْ تَسْعَدُوا؛^۳ بدانید که جهاد اکبر همان مجاهده با نفس است؛ پس به جهاد با نفس همت کنید تا سعادتمند شوید». همچنین در روایت دیگری از حضرت آمده است: «أَوَّلُ مَا تُنْكَرُونَ مِنَ الْجِهَادِ جِهَادُ أَنْفُسِكُمْ؛^۴ نخستین جهادی که آن را انکار می‌کنید (کنار می‌نهد)، جهاد با نفس‌هایتان است». این عبارت در حدیثی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نیز به کار رفته است. فضیل بن عیاض از آن حضرت پرسید: «جهاد واجب است یا مستحب؟». امام عَلَيْهِ السَّلَام در پاسخ جهاد را به چهار بخش تقسیم و دو مورد را واجب و دو مورد دیگر را مستحب دانسته و درباره جهاد واجب فرموده است: «فَأَمَّا أَحَدُ الْفَرَضَيْنِ فَمُجَاهَدَةُ الرَّجُلِ نَفْسَهُ عَنِ مَعْاصِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُوَ مِنْ أَعْظَمِ الْجِهَادِ وَ مُجَاهَدَةُ الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ فَرَضٌ؛^۵ یکی از دو جهاد واجب، جهاد انسان با نفس خویش برای دوری از گناهان است که از بزرگ‌ترین جهادهاست. جهاد دوم که واجب است، جهاد با کفار است».

د. جهاد اصغر

این تعبیر، تعبیر روایی مشهوری است. وقتی مجاهدان از یکی از جنگ‌ها برگشتند،

۱. محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج ۵، ص ۶۰.

۲. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، ص ۵۴۲، حکمت ۳۷۴.

۳. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۸۰۷.

۴. همان، ص ۲۱۴.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج ۵، ص ۹.

رسول خدا ﷺ آنان را تکریم کرد و به آنان فرمود: «آفرین بر شما که از میدان نبرد اصغر پیروزمندانه برگشتید».^۱ منظور از «اصغر» در این اصطلاح، صغیر و کوچک نیست و نبرد با دشمن، به هیچ عنوان کوچک و راحت نمی‌باشد. در واقع این جهاد، مصداق و نمونه‌ای از جهاد اکبر و مبارزه با نفس است و تا مبارز بر نفس خویش چیره نشده باشد، نمی‌تواند افزون بر دل کندن از زن و فرزند و زندگی، جان خود را کف دست بگیرد و به مقابله فیزیکی با دشمن برود. در طول تاریخ می‌توان افراد شاخصی را دید که ضمن دارا بودن موقعیت علمی و فرهنگی، اهل جهاد فیزیکی نبودند.^۲ بنابراین راز تعبیر به اصغر درباره این جهاد، کوچک‌تر بودن آن نسبت به جهاد اکبر از یک زاویه خاص است. مجاهده با نفس از آن جهت که محدود به زمان و مکان خاصی نیست و تا آخرین لحظه عمر لازم است، اکبر از مبارزه با دشمن ظاهری است که در مقطع یا مقاطعی خاص به نبرد با انسان می‌آید.

نکته دیگر درباره این جهاد، این است که چون جهاد فیزیکی بر زنان لازم نیست، تلاش زن برای استحکام نظام خانواده به عنوان جایگزین برای آن معرفی شده است. در جهان‌بینی اسلام، زحمات زن در رسیدگی به شوهر و فرزندان و گرم نگه داشتن کانون خانواده، معادل جهاد مردان در میدان نبرد با دشمن است. ماجرای تأمل‌برانگیزی که جریان مراجعه أسماء بنت یزید انصاری به رسول خدا ﷺ و پاسخ آن حضرت، مبنی بر معادله خوب شوهرداری زنان با جهاد مردان را روایت می‌کند؛ شاهد روشنی برای این موضوع است.^۳

۲. راه عملی کردن حق جهاد

بهترین راه عملی کردن اقسام گوناگون جهاد، الگوپذیری از اسوه‌های الهی یعنی انبیا و اولیاست که دو اثر مهم را به دنبال دارد:

- داشتن الگو، سختی‌های رسیدن به یک فضیلت را آسان می‌کند؛

- به سبب پیوند عاطفی میان انسان و آن الگوی الهی، رسیدن به آن فضیلت سرعت می‌گیرد.

از این رو قرآن، بخش‌هایی از زندگی حدود ۳۰ پیامبر الهی را ذکر کرده است. در سوره انعام پس

۱. همان، ص ۱۲؛ «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَعَثَ بِسَرِيَّةٍ فَلَمَّا رَجَعُوا قَالَ مَرْحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَوِّبْ مَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قَالَ الْجِهَادُ النَّفْسِ».

۲. ماجرای ترسیدن شاعر معروف، حسان بن ثابت در جنگ احزاب و پناه بردنش به قلعه زنان را در صفحه ۴۸۴ از جلد اول أسدالغابة بخوانید.

۳. جلال‌الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۵۳.

از نام بردن از چند نفر از پیامبران، فرموده است: «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدِهِ...»^۱ آن‌ها کسانی هستند که خداوند هدایت‌شان کرده است؛ پس به هدایت آنان اقتدا کن». در زیارت‌نامه‌های حضرات معصومین علیهم‌السلام نیز می‌خوانیم: «وَجَاهِدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ»^۲. در میان پیامبران و دیگر اولیای الهی، حضرت صدیقه طاهره علیها‌السلام الگوی بی‌نظیری برای عملیاتی کردن اقسام گوناگون جهاد است؛ زیرا نمونه‌های زیادی از هر چهار نوع جهاد، در زندگانی کوتاه ایشان وجود دارد که برخی از آن‌ها از نظر می‌گذرانیم:

۱. فاطمه علیها‌السلام و جهاد کبیر

نمونه‌های جهاد علمی و فرهنگی در زندگانی کوتاه بانوی بزرگ اسلام بسیار است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

الف: تعلّم

بانوی بزرگ اسلام ضمن دارا بودن مقام علمی موهبتی الهی، همواره می‌کوشید از شهر علم نبوی بهره‌مند شود؛ چنانکه در روایتی آمده است:

از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چند روزی نگذشته بود که شخصی به خانه فاطمه علیها‌السلام آمد و عرض کرد: «ایا رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چیزی نزد شما یادگار گذاشته است تا مرا از آن بهره‌مند سازی؟». حضرت فاطمه علیها‌السلام به یاد حدیثی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم افتاد و به کنیز خود فرمود: «هَاتِ تِلْكَ الْجَرِيدَةَ؛ آن صفحه نوشته شده را بیاور». کنیز به جستجو پرداخت و آن را نیافت و بازگشت و به حضرت گفت: «آن را نیافتم». حضرت فاطمه علیها‌السلام به او فرمود: «وَيَحْكُ أَطْبِيبُهَا فَإِنَّهَا تَعْدِلُ عِنْدِي حَسَنًا وَحُسَيْنًا؛ وای بر تو! برو آن را پیدا کن؛ زیرا ارزش آن نزد من هم‌طراز ارزش حسن و حسین علیهما‌السلام است». کنیز رفت و به جستجوی دقیق پرداخت و سرانجام آن نوشته را پیدا کرد. حضرت فاطمه علیها‌السلام آن نوشته را برای فرد خواند که در آن چنین نوشته شده بود:

– «لَيْسَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ لَمْ يَأْمَنْ جَارَةَ بَوَائِقِهِ؛ از مؤمنان نیست آن کسی که همسایه‌اش از آزار او در امان نیست»؛
– «وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُؤْذِي جَارَةَ؛ و کسی که ایمان به خدا و روز جزا دارد،

۱. انعامک ۹۰.

۲. محمد بن علی صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۲.

به همسایه اش آسیب نمی‌رساند»؛

- «وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكَلِّمْ خَيْرًا أَوْ يَسْكُتْ؛ و کسی که به خدا و روز قیامت

اعتقاد دارد، یا سخن نیک می‌گوید و یا سکوت می‌کند»؛

- «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْخَيْرَ الْحَلِيمَ الْمُتَعَفِّفَ وَيُبْغِضُ الْفَاحِشَ الضَّيِّنَ السَّئِلَ الْمُلْحِفَ؛ خداوند انسان

خیرخواه، بردبار و پاکدامن را دوست دارد و انسان بدزبان و کینه‌توز و بسیار سؤال‌کننده را دشمن

دارد»؛

- «إِنَّ الْحَيَاءَ مِنَ الْإِيمَانِ وَالْإِيمَانُ فِي الْجَنَّةِ؛ بدان که حیاء از ایمان است و ایمان، موجب ورود

به بهشت می‌شود»؛

- «وَإِنَّ الْفُحْشَ مِنَ الْبَدَاءِ وَالْبَدَاءُ فِي النَّارِ؛ و بدان که ناسزاگویی از بی‌شرمی است و بی‌شرمی،

موجب ورود به آتش دوزخ است».^۱

ب: تعلیم

حدود صد حدیثی که حضرت زهرا ع از رسول خدا ص نقل کرده است، نمونه‌ای از تلاش

ایشان برای آموزش معارف الهی به جامعه است. احادیث گوناگون دیگری که آن حضرت

مستقیماً بیان کرده است، از دیگر جلوه‌های آموزش محسوب می‌شود؛ چنانکه فرموده است:

«مَنْ أَضْعَدَ إِلَيَّ اللَّهُ خَالِصَ عِبَادَتِهِ أَهْبَطَ اللَّهُ عَرًّا وَ جَلَّ لَهُ أَفْضَلَ مَضْلَحَتِهِ؛^۲ کسی که عبادت پاک

و خالص خود را به بالا بفرستد، خداوند بهترین مصالحش را بر او نازل می‌کند».

دعاهای متعددی همچون تعقیباتی که از آن بانو نقل شده است، منبع بی‌نظیری برای آشنا کردن

مردم با نیازهای اخلاقی اجتماعی به شمار می‌آید؛^۳ از جمله دعای مشهور به دعای جامعه.^۴

محورهای هفتگانه خطبه آن حضرت نیز کلاس دیگری از دانشگاه آموزشی حضرت فاطمه ع

است: توحید، نبوت عامه، قرآن، اسرار احکام الهی، نبوت خاصه، نفاق و منافقان، کودتای

سقیفه.

صبر و حوصله حضرت صدیقه طاهره ع در برابر سؤالات زیاد بانوی پرسشگر، نمونه دیگری از

۱. محمد بن جریر طبری شیعی، دلائل الإمامه، ص ۶۵؛ ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۶۷.

۲. ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۰۸.

۳. ر.ک: معهد باقر العلوم ع، موسوعة کلمات فاطمة الزهراء ع، ص ۵۹۷ به بعد.

۴. ر.ک: علی بن موسی ابن طاووس، مهج الدعوات و منهج العبادات، ص ۱۴۱؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۴۰۶.

زحمات آن حضرت در عرصه جهاد کبیر به شمار می‌رود.^۱

۲. فاطمه علیها السلام و جهاد افضل

تنها یادگار رسول خدا صلی الله علیه و آله که در غم جانکاه رحلت پدر بود، جهاد افضل و ایستادن در برابر ظالمان را به گونه‌ای بی نظیر به نمایش گذاشت و در این راه، خود و فرزندش را نیز فدا کرد. بانوی هجده ساله، در برابر خلیفه شصت ساله با شجاعتی شگفت‌انگیز فرمود:

يَا ابْنَ أَبِي قُحَافَةَ! أَفِي كِتَابِ اللَّهِ أَنْ تَرِثَ أَبَاكَ وَ لَا أَرِثَ أَبِي لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا فَرِيًّا
فَدُونَكهَا مَوْحُوْلَةٌ مَحْطُوْمَةٌ تَلْقَاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ وَ تَشْرِكُ فَنِعْمَ الْحَكْمُ اللَّهُ وَ الْعَرِيْمُ مُحَمَّدٌ
وَ الْمُوعِدُ الْقِيَامَةُ وَ عِنْدَ السَّاعَةِ يَحْسُرُ الْمُبْطِلُونَ؛^۲ ای فرزند ابي قحافه! آیا در قرآن است
که تو از پدرت ارث ببری، ولی من از پدرم ارث نبرم؟ چه سخن ناروایی گفתי! (حال که
چنین است) پس بگیر آن (ارث من) را که همچون مرکب آماده و مهار شده، آماده
بهره‌برداری است؛ ولی بدان در قیامت تو را دیدار و بازخواست می‌کنیم و در آن روز، داور
خدا و مدعی تو محمد صلی الله علیه و آله و موعِدِ داوری، رستاخیز است و در آن روز، باطلان زیان
خواهند دید.

خطبه در مسجد نبوی، تنها میدان جهاد افضل حضرت فاطمه علیها السلام نبود. آن حضرت در جمع زنان مدینه نیز دست به مقابله با ظلم و ظالم زد و فرمود:

وَيَحْتَمُّمُ أُمَّي زَحْرُ حَوْهَا عَنْ رَوَاسِي الرِّسَالَةِ وَ قَوَاعِدِ التَّنْبُوَّةِ وَ مَهْبِطِ الْوَحْيِ الْأَمِينِ وَ
الطَّيْبِينَ بِأَقْرَبِ الدُّنْيَا وَ الدِّينِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ؛^۳ وای به حال‌شان! چگونه
خلافت را جابه‌جا کردند و آن را از بنیان استوار کوه‌های ثابت خاندان رسالت، برگردانیده و
دور ساختند و از پایه‌های استوار نبوت و منزلگاه وحی و جبرئیل امین جدا کردند و آن کس
(علی علیه السلام) را که در امر دنیا و دین متخصص بود، کنار زدند و از حقش محروم نمودند؟!
آگاه باشید این کار زبانی است آشکار.

سخنان زهرای مرضیه علیها السلام با أم سلمه^۴ و محمود بن لبید^۵ و رفتن شبانه به در خانه انصار^۶ نیز در

۱. ر.ک: محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۳.

۲. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۱، ص ۱۰۲.

۳. محمد بن علی صدوق، معانی الأخبار، ص ۳۵۵.

۴. ر.ک: محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابیطالب علیهم السلام، ج ۲، ص ۲۰۵.

۵. ر.ک: علی بن محمد خزاز قمی، کفایة الأثر، ص ۱۹۹.

۶. ر.ک: عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۱۳.

راستای ظلم‌ستیزی آن بزرگ بانوی عالم بود. چه زیبا گفت شاعر: «ذوالفقار علی علیه السلام و تیغ زبان تو یکی است».

۳. فاطمه علیها السلام و جهاد اکبر

زهرای مرضیه علیها السلام که در سنین جوانی و اوج نیازهای مادی و علایق بشری قرار داشت، در مقاطع گوناگون به گونه‌ای با نفس خود مخالفت کرد که تاریخ نمی‌تواند به سادگی از کنار آن عبور کند. ایثار همه در آمد فدک، جلوه روشنی از جهاد اکبر فاطمه علیها السلام است. حداقل در آمد فدک را که دو سال در اختیار آن بانو بود، ۲۴ هزار دینار نقل کرده‌اند.^۱ در ماجرای معروف شب عروسی که لباس خود را به سائل داد نیز نکته ظریفی است که حاکی از اوج تسلط آن بانو بر نفس خود است:

فاطمه علیها السلام هنگام عروسی، پیراهنی کهنه داشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن جهیزیه آن حضرت، پیراهنی تازه تهیه نمود تا فاطمه علیها السلام آن را در شب عروسی بپوشد. وقتی فاطمه علیها السلام با لباس نو به منزل علی علیه السلام رسید و مراسم جشن و اطعام پایان یافت و فاطمه علیها السلام و همسرش تنها شدند، فقیری در خانه آمد و اظهار نیاز نمود و گفت: «ای اهل خانه! گرسنه و عریانم! به من غذا داده و لباسی برای پوشیدن به من بدهید». فاطمه علیها السلام از غذای عروسی برای آن فقیر کنار گذاشت و لباس جدید خود را از تن بیرون آورد و همان لباس قدیمی را بر تن کرد و غذا و لباس را به فقیر بخشید. آن‌گاه این آیه را تلاوت کرد: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»^۲ به نیکی (کامل) نمی‌رسید، مگر زمانی که از آنچه دوست دارید انفاق کنید».^۳

بانوی بزرگ اسلام می‌توانست همان پیراهن قدیمی را به سائل بدهد، اما ضمن خواندن آیه فوق ایثار کرد و بهترین لباس خود را در راه خدا بخشید!

۴. فاطمه علیها السلام و جهاد اصغر

گفتگویی که در واپسین روزهای حیات زهرای مرضیه علیها السلام با امیر مؤمنان علی علیه السلام صورت گرفت، بیانگر اوج جهاد آن بانو در خوب شوهرداری و حفظ کانون خانواده است:

۱. ر.ک: علی بن موسی ابن طاووس، کشف المحجّة، ص ۱۸۲.

۲. آل عمران: ۹۲.

۳. سید نورالله شوشتری، إحقاق الحق، ج ۳۳، ص ۳۴۶.

فاطمه علیها السلام فرمود: «يَا ابْنَ عَمٍّ! مَا عَهَدْتَنِي كَاذِبَةً وَلَا خَائِنَةً وَلَا خَالِفُكَ مُنْذُ عَاشَرْتَنِي؛ اى پسرعمو! در طول مدتی که با من زندگی کردی، مرا دروغگو و خائن نیافتی و هرگز با تو مخالفتی نداشتم». امام علی علیه السلام در پاسخ فرمود: «مَعَادَ اللَّهِ أَنْتِ أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَ أَبُؤُ وِ أَتَقِي وَ أَكْرَمُ وَ أَشَدُّ خَوْفًا مِنَ اللَّهِ أَنْ أُؤَيِّدَكَ عَدَاً بِمُخَالَفَتِي؛ ا پناه بر خدا (که تو با من بدرفتاری کرده باشی). تو خداشناس تر و نیکوکارتر و باتقواتر و شرافتمندتر و خداترس تر از آن هستی که فردا (ی قیامت) نسبت به مخالفت با من، تویبخت کنم».

امیرمؤمنان علی علیه السلام در سخن دیگری اوج رضایت خود از زهرای مرضیه علیها السلام را این گونه بازگو کرده است:

فَوَ اللَّهُ مَا أَغْضَبْتَهَا وَلَا أَكْرَهْتَهَا عَلَيَّ أَمْرٍ حَتَّى قَبَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ وَلَا أَغْضَبْتَنِي وَلَا عَصَتْ لِي أَمْرًا وَ لَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنْكَشِفُ عَنِّي الْهُمُومُ وَ الْأَحْزَانُ؛^۲ به خداوند سوگند! من هیچ گاه فاطمه علیها السلام را خشمگین و ناراحت نکردم تا از دنیا رحلت کرد. فاطمه علیها السلام هم مرا خشمناک نکرد و از من نافرمانی نمود. هر گاه به چهره فاطمه علیها السلام نگاه می کردم، غم و غصه هایم از بین می رفت.

فهرست منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، چاپ اول، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن اثیر جزری، عزالدین، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، چاپ اول، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل أیطالب علیهم السلام، چاپ اول، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، کشف المحجبة لثمره المهجبة، چاپ اول، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۱۲ق.
۵. _____، مهج الدعوات و منهج العبادات، چاپ اول، قم: دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.
۶. ابن عاشور، محمد طاهر بن محمد، التحریر و التنویر، چاپ اول، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.

۱. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۵۱.

۲. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۶۳.

۷. ابن فارس، احمد، معجم مقاييس اللغة، چاپ اول، قم: دفتر تبليغات، ۱۴۰۴ق.
۸. اربلي، على بن عيسى، كشف الغمة في معرفة الأئمة عليهم السلام، چاپ اول، تبريز: بني هاشمي، ۱۳۸۱ق.
۹. تميمي آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحكم و درر الكلم، چاپ دوم، قم: دار الكتاب الإسلامي، ۱۴۱۰ق.
۱۰. خزاز قمی، على بن محمد، كفاية الأثر في النصّ على الأئمة الإثني عشر عليهم السلام، چاپ اول، قم: بيدار، ۱۴۰۱ق.
۱۱. سيوطی، جلال الدين، الدر المثور في التفسير بالمأثور، چاپ اول، قم: كتابخانه آيت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۱۲. شريف الرضى، محمد بن حسين، نهج البلاغه، تحقيق صبحي صالح، چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۱۳. طباطبائی، سيد محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، چاپ دوم، بيروت: الأعلمی، ۱۳۹۰ق.
۱۴. طبري، محمد بن جرير، دلائل الإمامه، چاپ اول، قم: بعثت، ۱۴۱۳ق.
۱۵. صدوق، محمد بن على، من لا يحضره الفقيه، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسين، ۱۴۱۳ق.
۱۶. _____، معانى الأخبار، چاپ اول، قم: جامعه مدرسين، ۱۴۰۳ق.
۱۷. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۸. طبرسى، احمد بن على، الإحتجاج على أهل اللجاج، چاپ اول، مشهد: نشر مرتضى، ۱۴۰۳ق.
۱۹. فتال نيشابورى، محمد بن احمد، روضة الواعظين و بصيرة المتعظين، چاپ اول، قم: رضى، ۱۳۷۵ش.
۲۰. فخر رازى، محمد بن عمر، مفاتيح الغيب (التفسير الكبير)، چاپ سوم، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ۱۴۲۰ق.
۲۱. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافي، چاپ چهارم، تهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۲۲. مجلسى، محمدباقر، بحار الأنوار، چاپ دوم، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ۱۴۰۳ق.
۲۳. المرعشى التستري، سيد نورالله، احقاق الحق و ازهاق الباطل، چاپ اول، قم: مكتبة آية الله المرعشى النجفى، ۱۴۰۹ق.

بانوى جهاد ■ ١٥

٢٤. معهد باقر العلوم عليه السلام، موسوعة كلمات فاطمة الزهراء عليها السلام، چاپ اول، قم: معهد باقر العلوم عليه السلام، ١٣٩٣ش.

٢٥. مفيد، محمد بن محمد، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، چاپ اول، قم: كنگره شيخ مفيد، ١٤١٣ق.

٢٦. ورام بن أبى فراس، مسعود بن عيسى، تنبيه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعة ورام، چاپ اول، قم: مكتبة فقيه، ١٤١٠ق.

فاطمه زهرا علیها السلام و جنگ روایت‌ها

حجت‌الاسلام والمسلمین احمد فلاح‌زاده*

مقدمه

رخدادهای پس از رحلت رسول‌خدا صلی الله علیه و آله و نوع نگاه طبقات مختلف جامعه مسلمانان آن دوره به موضوع خلافت، به یکی از کشمکش‌های بزرگ سیاسی تبدیل شد که آثارش همچنان تا به امروز ادامه یافته است. در آن زمان، میان طبقات گوناگون اجتماعی، روایت‌های مختلفی از امامت شکل گرفت تا زمینه را برای انتقال خلافت به دیگران مهیا شود. به دنبال این رخداد، فاطمه زهرا علیها السلام به جنگ این روایت‌ها رفت و کوشید تا روایت برآمده از گفتار نبوی و بیت وحی را تثبیت کند. آن حضرت در این باره از راهبردهای مختلفی بهره گرفت تا سرانجام توانست روایت خود را در سطح جامعه به عنوان گفتمان امامت در تاریخ ثبت نماید. گرچه نوع عملکرد دستگاه خلافت و سکوت و گاهی همراهی همراهی مهاجرین و انصار با حکومت، موجب نادیده گرفته شدن روایت حضرت زهرا علیها السلام در میان غیر شیعیان شد؛ اما روایت ایشان از سقیفه هنوز هم در کتب تاریخی، حدیثی و اخلاقی دیده می‌شود. برای شناخت زمینه‌های شکل‌گیری سقیفه، بیش از هر چیز می‌بایست به زمانه‌شناسی پرداخت و جامعه عصر نبوی به‌ویژه سال‌های آخر حیات ایشان را یک بار دیگر بازکاوی کرد. در این میان قرآن در برخی سوره‌ها، به وضعیت اجتماعی مسلمانان در سال‌های آخر زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره‌های گویایی دارد. آنچه در ادامه می‌آید، تصویری است که قرآن از جامعه اسلامی در سال‌های آخر رسول‌خدا صلی الله علیه و آله به دست می‌دهد.

طبقات اجتماعی جامعه اسلامی در اواخر عمر رسول‌خدا صلی الله علیه و آله

برای آشنایی با طبقات اجتماعی عصر نبوی «سوره توبه» که در سال نهم نازل شد، یکی از بهترین سندهای قرآنی و حاوی پیام مهم مبارزه با شرک و لغو پیمان‌های گذشته است. در این

* دکتری تاریخ اسلام.

سوره طبقات جامعه اسلامی در مدینه و سایر شهرهای اطراف به صورت ده طبقه یاد شده‌اند:

۱. مؤمنان راستین شامل بعضی از مهاجران و انصار نخستین (اهل بدر) و مؤمنانی که به نیکویی از ایشان پیروی کردند: «وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ»^۱ و آنان که سبقت به ایمان گرفتند از مهاجر و انصار (و در دین ثابت ماندند) و آنان که به نیکویی پیروی آنان کردند، خدا از آن‌ها خشنود است و آن‌ها از خدا خشنودند».

۲. مؤمنان در معرض لغزش که نزدیک بود دل‌های آن‌ها (از رنج و سختی‌های جنگ تبوک و غیره) بلغزد: «الَّذِينَ ... مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِنْهُمْ»^۲ دل‌های گروهی از مسلمانان (از رنج و تعب در سختی‌های جنگ تبوک و ...) نزدیک بود بلغزد».

۳. خسته‌شدگان از همراهی پیامبر ﷺ، گروهی از مسلمانان با آنکه سابقه بسیاری در جنگ و همراهی پیامبر ﷺ داشتند، اما در اواخر عمر پیامبر ﷺ رفته رفته از فعالیت‌های سیاسی و نظامی و کارهایی که به هر دلیلی نیازمند فعالیت دشوار بود؛ خسته شده بودند. قرآن به روشنی به این طیف اشاره می‌کند: «وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ»^۳ و بر آن سه تن که (از جنگ تبوک) باز ایستادند (و مردم به دستور پیامبر ﷺ از آنان بریدند) تا آنکه زمین با همه پهناوری بر آن‌ها تنگ شد و بلکه از خود دلتنگ شدند و دانستند که از (غضب) خدا جز به (لطف) او ملجأ و پناهی نیست». اگر چه این آیه به سه نفر به نام‌های مرارة بن ربیع و هلال بن امیه و کعب بن مالک اشاره دارد که به دلیل سختی جنگ و گرمای هوا از رفتن به جنگ در تبوک خودداری کردند و در حضور پیامبر ﷺ عذر حضور خواستند، اما حاکی از زمینه چنین رفتاری در میان صحابه است.

۴. مسلمانانی که اهل گناه بودند و به گناهان خود اعتراف کردند. آن‌ها کار نیک و بد هر دو را انجام داده بودند، اما امید بود که خدا توبه آنان را بپذیرد: «أَخْرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا»^۴ گروهی دیگر از آن‌ها به گناهان خود اعتراف کردند که عمل صالح و فعل قبیح هر دو به جای آوردند، امید باشد که خداوند توبه آنان بپذیرد».

۵. طیف خطاکاران که حال و روزشان از طیف قبلی خراب‌تر و کارشان بر مشیت خدا موقوف

۱. توبه: ۱۰۰.

۲. توبه: ۱۱۷.

۳. توبه: ۱۱۸.

۴. توبه: ۱۰۲.

است یا آنان را عذاب کند و یا از گناهشان درگذرد و خدا دانا و حکیم است: «وَأَخْرَجُوا مُرَجُومًا لِّأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ»^۱ و برخی دیگر (از گناهکاران) آن‌هایی هستند که کارشان به خدا سپرده شده است که یا آنان را عذاب کند و یا از گناهشان درگذرد».

۶. کافران اهل تردید و آن‌هایی که به خدا و روز قیامت ایمان نیاورده و دل‌هاشان در شک و دودلی ماند: «الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَآزْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ»^۲ آن‌هایی که ایمان به خدا و روز قیامت نیاورده و دل‌هاشان در شک و ریب است، از تو اجازه معافی از جهاد می‌خواهند و آن منافقان پیوسته در شک و تردید مانده و سرگردانند».

۷. جمع زیادی (اعراب اطراف مدینه) که به فراخوان پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ ندادند و در جنگ شرکت نکردند و از نظر قرآن، خدا و رسول صلی الله علیه و آله را تکذیب کرده (و بدون هیچ عذری) از جهاد بازنشدند: «وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»^۳ گروهی از اعراب بادیه (نزد تو) آمده و عذر می‌آورند که اجازه معافی از جهاد یابند و نیز گروهی که خدا و رسول را تکذیب کرده (و بدون هیچ عذری) از جهاد بازنشدند، به زودی کافران از این دو طایفه را عذابی دردناک خواهد رسید».

۸. کافران بیمار دل و آنان که دل‌هاشان به مرض (شک و نفاق) مبتلاست که خدا هم بر خباثت درونی آن‌ها خباثتی افزود: «الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ»^۴ آنان که دل‌هاشان به مرض (شک و نفاق) مبتلاست هم بر خبث ذاتی آن‌ها خباثتی افزود».

۹. قاعدین (اهل مدینه) که از جهاد به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله کنار نهاده شدند، از این بازماندن‌شان خوشحال شدند و جهاد با مال و جان‌شان در راه خدا را خوش نداشتند و (مؤمنان را هم از جهاد منع کرده و به آن‌ها) گفتند: شما در این هوای سوزان از سرزمین خود بیرون نروید: «فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ»^۵ آن‌هایی که از جهاد در رکاب رسول خدا باز نهاده شدند، از این بازماندن‌شان خوشحالند و مجاهده به مال و جان‌شان در راه خدا را خوش نداشتند و (مؤمنان را هم از جهاد منع کرده و به آن‌ها) گفتند: شما در این هوای سوزان از وطن خود بیرون نروید».

۱. توبه: ۱۰۶.

۲. توبه: ۴۵.

۳. توبه: ۹۰.

۴. توبه: ۱۲۵.

۵. توبه: ۸۱.

طبق روایت جابر بن عبدالله این طیف که در جنگ حاضر نشدند، در میان مردم شایعه کردند که محمد ﷺ و یارانش در جنگ با وجود کوشش زیادشان، نابود شدند.

۱۰. منافقانی که به نفاق خو کرده بودند و بعضی از اعراب بادیه‌نشین (اطراف مدینه) که منافق بودند و بعضی اهل شهر مدینه هم منافق و بر نفاق ثابت قدم ماندند که به سخن قرآن، پیامبر ﷺ هم آن‌ها را نمی‌شناخت: «وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ، وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ، مَرَدُوا عَلَى النَّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ»^۱ بعضی از اعراب بادیه‌نشین اطراف شما (اطراف مدینه) منافقند و بعضی اهل شهر مدینه هم بر نفاق ثابت‌قدمند که تو از آن‌ها آگاه نیستی، ولی ما از آن‌ها آگاهیم».

تأملی در این گروه‌های ده‌گانه، هم‌گویای وضعیت اجتماعی مسلمانان است و هم‌لحن تهدیدآمیز آیات قرآن نسبت به مردم در آن دوره، از احتمال انحراف عمومی حکایت دارد. در حقیقت جز یک گروه، بقیه گروه‌ها یا کاملاً در مسیر اشتباه و خطا قرار گرفته‌اند یا احتمال انحراف آنان بسیار زیاد است. در چنین شرایطی جامعه اسلامی در آستانه ورود به روزهای رحلت رسول خدا ﷺ است که قطعاً وقتی با وجود آن حضرت وضعیت جامعه اسلامی این چنین بود، پس از رحلت و با سر باز کردن عقده‌های قبیله‌ای و خصومت‌های شخصی در کنار تلاش قبایل برای کسب قدرت، اوضاع بسیار آشفته‌تر می‌شد. با این مقدمه هنگامی که خبر رحلت رسول خدا ﷺ در شهر پیچید، عملاً دیگر جامعه آستان رخدادهای خطرناکی شده بود و یکی از اصلی‌ترین این مسائل، موضوع سقیفه بود.

مؤلفه‌های روایت سقیفه از سوی دستگاه خلافت

۱. عادی جلوه دادن جریان سقیفه

دستگاه خلافت در گام نخست این روایت را مطرح کرد که آنچه که در سقیفه روی داده است، یک امر عادی و طبیعی و متناسب با اصل شایستگی بود. آن‌ها از زبان خلیفه نقل می‌کردند که «ما برتریم؛ چون از مهاجرین و نخستین کسانی هستیم که مسلمان شدیم و از جهت خویشاوندی نیز از شما (انصار) به پیامبر ﷺ نزدیک‌تر هستیم و قرآن نیز ما را بر شما مقدم فرمود (اشاره به آیه ۱۰۰ سوره توبه)؛^۲ پس خلافت حق ماست».^۳ حتی در این باره نقل می‌کردند

۱. توبه: ۱۰۱.

۲. عبدالله بن مسلم ابن قتیبه، عیون الأخبار، ج ۲، ص ۲۵۴.

۳. احمد بن محمد ابن عبدربه، العقد الفرید، ج ۵، ص ۱۲.

که اعتراض علی علیه السلام این بود که چرا با ما هم مشورت نکردید، والا ما هم قبول داریم که ابوبکر از همه برتر است؛ چون هنگام حیات پیامبر صلی الله علیه و آله، امام جماعت صحابه بود؛^۱ در حالی که حضرت زهرا علیها السلام در سخنرانی‌اش این ادعا را به صورت کامل رد کرد و خلافت را حق پروردگار برای علی علیه السلام دانست.

۲. توجیه سقیفه با ادعای ترس از فتنه

به فاصله کوتاهی از زمان انتقال خلافت به خلیفه نخست، هواداران وی تلاش کردند روایت دیگری را ترویج کنند که در آن شرایط چاره‌ای جز این نبود که این کار را انجام دهند؛ و گرنه اسلام دچار فتنه خطر بزرگ‌تری می‌شد.^۲ در همین باره تأکید می‌کردند که خلافت خلیفه اول یک امر ناگهانی و ناخواسته بود که روی داد و دیگر بحث درباره آن گذشته است.^۳ آن‌ها می‌گفتند خلیفه نخست برای دور کردن دست دیگران و ناهلان از خلافت^۴ برخاست و گفت: «ای مردم! من از شما بهتر نیستم؛ پس شما خلافت مرا بپذیرید و مرا در این امر یاری کنید و اگر اشتباه کردم، اصلاح کنید. اگر هم من از راه خدا برگشتم، شما هم از من برگردید». این در حالی بود که تجربه روزگار نشان داد هم ناهلان وارد ساختار خلافت شدند و هم ایشان هرگز مخالفان را برتافت و تا جایی که ممکن بود، آن‌ها را به شدت سرکوب کرد.

۳. ادعای بیعت همگانی با خلیفه نخست

یکی دیگر از روایت‌ها از سقیفه، ادعای قبول همگانی نسبت به خلیفه نخست بود. در این روایت چنین می‌آمد که همه در کمال آرامش با وی بیعت کردند و این امر هم در مسجد و بر سر منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله روی داد. ابن کثیر تحت تأثیر جریان اهل حدیث در این باره گفته است: یک روز پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله یعنی سه‌شنبه صبح، صحابه همگی در مسجد جمع شدند و انصار و مهاجر یکایکشان با خلیفه بیعت کردند. این زمانی بود که هنوز رسول خدا صلی الله علیه و آله را دفن هم نکرده بودند. در این زمان عمر بن خطاب اعلام کرد پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفت و ما دوست داشتیم که او می‌بود و ما را هدایت می‌کرد، اما اکنون ابوبکر که یار غار رسول خدا صلی الله علیه و آله

۱. محمد بن یوسف صالحی شامی، سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد، ج ۱۲، ص ۳۱۷.

۲. محمد بن محمد مفید، الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره، ص ۱۱۵.

۳. احمد بن یحیی بلاذری، کتاب جمل من انساب الأشراف، ج ۲، ص ۲۶۴.

۴. محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۶۷.

۵. اسماعیل بن عمر ابن کثیر دمشقی، البدایة و النهایة، ج ۵، ص ۲۴۸.

بود، می‌تواند این امر را پیش ببرد و شما هم بر او همگام شوید. همگی برخاستند و با او بیعت کردند.^۱ این در حالی بود که بزرگانی از صحابه مانند علی علیه السلام، زبیر، عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله، سعد بن عباد و دیگران مخالف بودند.^۲

۳. اتهام قدرت‌طلبی به علی علیه السلام

از دیگر روایت‌های معروف از سقیفه، جابه‌جا کردن جای ظالم و مظلوم بود. آن‌ها می‌گفتند که علی علیه السلام و بنی‌هاشم همواره دنبال قدرت بودند و خلافت را حق خود می‌دانستند؛ از این‌رو حاضر نشدند با خلیفه نخست بیعت کنند. زُهری، از بزرگان اهل حدیث در این باره از قول عمر بن خطاب نقل می‌کند: «علی و کسانی که با او در منزلش هستند و مدتی است که بیعت نکرده‌اند، با ما بیعت نمی‌کنند و [حکومت را برای خودشان می‌خواهند]». ^۳ حتی برخی مدعی شدند که آن حضرت در پافشاری برای رسیدن به قدرت آنقدر تلاش کرد تا عمر در هنگام مرگ به کنایه به او گفت: «آخرش کار خودت را کردی و مرا کشتی؟». امام علیه السلام هم فرمود: «نه! کار مردان من نبود و به این کار هم راضی نبودم»،^۴ اما این اتهام همچنان ماند تا آنکه کار به جایی کشید که در مدتی که حضرت علی علیه السلام بیعت نکرد، متهم شد که طمع خلافت دارد؛ به همین دلیل بیعت نمی‌کند.^۵ بعدها پیرو همین نگاه، معاویه آن حضرت را متهم کرد که برای رسیدن به قدرت، به قتل عثمان یاری رسانده است. البته این دیدگاه کاملاً از سوی بزرگان صحابه مانند سلمان، حضرت زهرا علیها السلام و افراد دیگر رد شد. سلمان به آن‌ها گفت: «کاری کردید که نباید می‌کردید. خیر در این بود که با علی علیه السلام بیعت می‌کردید».^۶

مؤلفه‌های روایت حضرت زهرا علیها السلام

مؤلفه‌های رفتاری حضرت زهرا علیها السلام در جنگ روایت‌ها به شرح ذیل است:

۱. بیان سریع روایت خود از امامت

یکی از اصلی‌ترین کارهای حضرت زهرا علیها السلام، واکنش سریع به رخداد سقیفه بود؛ زیرا حضرت

۱. همان.

۲. احمد بن یحیی بلاذری، کتاب جمل من انساب الأشراف، ج ۲، ص ۲۶۰.

۳. شمس‌الدین محمد بن احمد ذهبی، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، ج ۳، ص ۱۱.

۴. عبدالله بن مسلم ابن قتیبه، الإمامة و السياسة المعروف بتاريخ الخلفاء، ج ۱، ص ۴۰.

۵. محمد بن یوسف صالحی شامی، سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد، ج ۱۲، ص ۳۱۷.

۶. احمد بن یحیی بلاذری، کتاب جمل من انساب الأشراف، ج ۲، ص ۲۷۴.

معتقد بود هر کسی روایتش را زودتر و مستدل‌تر ارائه دهد، پیروز است. در منابع نقل شده است ایشان بلافاصله پس از ماجرای سقیفه به همراه جمعی از زنان خویشاوندش به مسجد رفت که خلیفه و گروهی از مهاجران و انصار در مسجد نشسته بود. میان فاطمه علیها السلام و حاضران چادری آویختند. دختر پیامبر صلی الله علیه و آله نخست ناله‌ای کرد که حاضران به گریه افتادند، سپس قدری خاموش ماند تا مردم آرام گرفتند و آن‌گاه دفاعیه خود را ایراد کرد.^۱

۲. برجسته‌سازی روایت حق با زبان هنر^۲

از آنجا که زبان هنر روایتگر را ماندگارتر می‌کند، حضرت زهرا علیها السلام تلاش کرد روایت خود از خلافت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله را در قالب یکی از هنرهای گفتاری، یعنی خطابه ارائه دهد. ایشان با هدف برجسته‌سازی باور به امامت در امتداد نبوت به عنوان شرط مسلمانی و نقش پیامبر صلی الله علیه و آله را مورد اشاره قرار داد و در واقع به نقش امام علی علیه السلام به عنوان پیشوا توجه داشت و فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ! اِعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَ أَبِي مُحَمَّدٌ، ... لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ. فَإِنْ تَعَرَّوْهُ وَ تَعَرَّفُوهُ تَجِدُوهُ أَسَى دُونَ نِسَائِكُمْ وَ أَخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ رِجَالِكُمْ، وَ لَنِعْمَ الْمَعْزَى إِلَيْهِ صلی الله علیه و آله؛^۳ ای مردم! بدانید که من فاطمه و پدرم محمد است ... پیامبری از میان شما برانگیخته شد که رنج‌های شما بر او گران آمده و دلسوز بر شماست و بر مؤمنان مهربان و عطوف است. پس اگر او را بشناسید، می‌دانید که او در میان زنان‌تان، پدر من بوده و در میان مردان‌تان، برادر پسر عموی من (شوهرم) است [اشاره به ماجرای عقد اخوت]؛ چه نیکو بزرگواری است آنکه من این نسبت را به او دارم.

آن حضرت در همان روزها به نشانه اعتراض بر سر مزار شهدای احد می‌رفت و می‌فرمود: «أَمَّا وَ اللَّهُ لَوْ تَرَكُوا الْحَقَّ عَلَى أَهْلِهِ، وَ اتَّبَعُوا عِثْرَةَ نَبِيِّهِ، لَمَا اخْتَلَفَ فِي اللَّهِ اثْنَانِ؛^۴ به خدا سوگند که اگر امامت به اهله سپرده می‌شد، حتی دو نفر هم نمی‌ماندند که پرستش خدا نکنند؛ زیرا امامت مانند کعبه است که باید به سویش بروند، نه اینکه به سوی شما بیاید.

۱. احمد بن ابی‌طاهر ابن‌طیفور، بلاغات النساء، ص ۱۶.

۲. ر. ک: مصطفی مهرآیین و دیگران، «تحلیل‌گفتمان خطبه فدکیه حضرت زهرا علیها السلام»، فصلنامه علمی - پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ص ۱۷.

۳. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۱، ص ۱۰۰.

۴. علی بن حسین ابن‌بابویه، الإمامة و التبصرة من الحيرة، ص ۱.

حُبّ علی نتیجه احسان فاطمه است او هل اتای فاطمه، قرآن فاطمه است
اسباب شادی لب خندان فاطمه است این مرد مهربان به خدا جان فاطمه است

۳. واژه‌سازی و هویت‌سازی

آن حضرت برخی واژه‌ها را به مخاطب القا می‌کند که حاوی هویت است؛ واژگانی مانند «پدرم، محمد بنده خدا»، «برادر پیامبر، علی علیه السلام»، «گرگ‌های عرب»، «سرکشان اهل کتاب». همچنین آن حضرت با نقل گذرای تاریخ از زندگی عربان از جاهلیت تا دوره اسلامی، بار دیگر هویت اسلامی را به رخ مسلمانان کشید و فرمود:

وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ، مُدَقِّقَةَ الشَّرَابِ، وَ نُهْرَةَ الطَّامِعِ، وَ قُبْسَةَ الْعِجْلَانِ، وَ مَوْطِيءَ الْأَقْدَامِ، تَشْرَبُونَ الطَّرْقَ، وَ تَقْتَاتُونَ الْقَدَّ، أَدِلَّةَ خَاسِيَيْنِ، تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمْ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ، فَاتَّقُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آتَى وَ بَعَدَ أَنْ مُنِيَ بِهِمُ الرَّجَالِ، وَ دُؤْبَانِ الْعَرَبِ، وَ مَرْدَةِ أَهْلِ الْكِتَابِ؛ شما بر کناره پرتگاهی از آتش قرار داشته و مانند جرعه‌ای آب بوده و در معرض طمع طماعان قرار داشتید، همچون آتش‌زنه‌ای بودید که بلافاصله خاموش می‌گردید، لگدکوب روندگان بودید، از آبی می‌نوشیدید که شتران آن را آلوده کرده بودند و از پوست درختان به عنوان غذا استفاده می‌کردید، خوار و مطرود بودید، می‌ترسیدید که مردمانی که در اطراف شما بودند، شما را بربایند تا خدای تعالی بعد از چنین حالاتی شما را به دست رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آتَى وَ بَعَدَ نجات داد، بعد از آنکه از دست قدرتمندان و گرگ‌های عرب و سرکشان اهل کتاب ناراحتی‌ها کشیدید.

۴. معرفی عناصر اصلی گمراهی

ویژگی آن حضرت، ارائه گفتاری مستند و روشنگر بود. نکته فراموش شده‌ای که حضرت فاطمه علیها السلام به معرفی آشکار او در جریان سقیفه پرداخت، شیطان بود که ایشان در این باره فرمود:

طَلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ، هَاتِفًا بِكُمْ، فَأَلْفَاكُمْ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ، وَ لِلْغَرَّةِ فِيهِ مَلَا حِطِينَ، ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ فَوَجَدَكُمْ خِفَافًا، وَ أَحْمَشَكُمْ فَأَلْفَاكُمْ غَضَابًا، فَوَسَّمْتُمْ غَيْرَ إِبِلِكُمْ، وَ وَرَدْتُمْ غَيْرَ مَشْرَبِكُمْ؛ شیطان سر خویش را از مخفیگاه خود بیرون آورد و شما را فراخواند و دید شما دعوت او را پذیرفتید و برای فریب خوردن آماده‌اید، آن‌گاه از شما خواست که قیام کنید و مشاهده کرد که به آسانی این کار را انجام می‌دهید، شما را به

۱. احمد بن ابی طاهر ابن طیفور، بلاغات النساء، ص ۲۵.

غضب واداشت و دید خشمناکید و بر چیزی که سهم شما نبود، وارد شدید.

شایان اشاره است که در آیه ۵۴ سوره زخرف نیز درباره فرعون آمده است: «فَأَسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ؛ او قومش را خوار یافت و آن‌ها را مطیع خودش کرد».

۵. پاسخ به برجسب قدرت طلبی علی عليه السلام

به نظر می‌رسد آن بخشی که از روایت دیگران نسبت به سقیفه که وی را بسیار آزرده کرد، همین بود؛ از این رو در بخشی از کلام خود به مقوله قدرت طلبی ناحق قریش اشاره کرد:

تَأْمُرُكُمْ فَتَأْتِمُرُونَ، حَتَّى إِذَا دَارَتْ بِنَا رَحَى الْإِسْلَامِ وَ دَرَّ حَلْبُ الْإِيَامِ وَ حَضَعَتْ نُعْرَةَ الشُّرُوكِ وَ سَكَنْتْ فَوْزَةَ الْإِفْكَ، وَ حَمَدَتْ نِيرَانُ الْكُفْرِ، وَ هَدَّأَتْ دَعْوَةَ الْهَرَجِ، وَ اسْتَوْسَقَ نِظَامُ الدِّينِ، فَأَتَى حِزْبُكُمْ بَعْدَ الْبَيَانِ، وَأَسْرَزْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ، وَ نَكَضْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ، وَأَسْرَزْتُمْ بَعْدَ الْإِيْمَانِ؟^۱ [یادتان نرود که] ما در اسلام فرمانده بودیم و شما فرمانبردار، تا اینکه آسیای اسلام به گردش افتاد، روزگار به نفع اسلام چرخید و نعره‌های شرک آمیز خاموش شد و دیگ طمع و تهمت از جوشش افتاد و آتش کفر خاموش و هرج و مرج آرام گرفت و نظام دین استوار شد؛ پس چرا بعد از اقرارتان به ایمان، سرگردان شده و پس از آشکاری خود را مخفی گردانیدید و بعد از پیش قدمی، عقب نشستید و بعد ایمان، شرک آوردید؟

۶. پاسخ به ادعای فتنه‌گریزی

حضرت فاطمه عليها السلام در پاسخ به ادعای شورای سقیفه برای دوری از افتادن در فتنه، فرمود: «الْعَهْدُ قَرِيبٌ، وَ الْكَلِمُ رَحِيبٌ وَ الْجُرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ وَ الرَّسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَّا يَتَّبَعُ، إِيْتِدَاراً رَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ، أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا، وَ إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ؛^۲ هنوز چیزی نگذشته و جراحت التیام نیافته و پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به قبر سپرده نشده بود، بهانه آوردید که از فتنه می‌هراسید [و خلافت را گرفتید]؛ آگاه باشید که اکنون در فتنه فرو رفته‌اید و به راستی جهنم کافران را احاطه نموده است».

ای زبانت ذوالفقارِ حیدر بی‌ذوالفقار! بت‌شکن! برخیز بسته دست او را روزگار
عالمی در حیرت از این آسیا چرخاندنت با تبسم خستگی را از علی پوشاندنت

۱. احمد بن عبدالعزیز جوهری بصری، السقیفة و فذک، ص ۱۴۴.

۲. نعمان بن محمد ابن حیون (قاضی نعمان)، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، ج ۳، ص ۳۶.

در عجب روح الامین از طرز قرآن خواندنت پیش نابینا میان حصن چادر ماندنت^۱

۷. استفاده از ابزار بشارت و تنذیر

بیم‌دادن و مژده دادن که در قرآن نیز بسیار به کار رفته است، در کلام آن حضرت هم جایگاه ویژه‌ای دارد تا روایت خود را تثبیت نماید. ایشان با توجه به این مؤلفه می‌فرماید:

فَنِعْمَ الْحَكْمُ لِلَّهِ، وَ الرَّعِيمُ مُحَمَّدٌ، وَ الْمَوْعِدُ الْقِيَامَةَ، وَ عِنْدَ السَّاعَةِ يَحْسِرُ الْمُبْطِلُونَ،
وَ لَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَنْدِمُونَ، وَ لِكُلِّ نَبِيٍّ مُسْتَقَرٌّ، وَ لَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ،
وَ يَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ؛^۲ چه نیک داوری است خداوند و نیکو دادخواهی است
پیامبر ﷺ، و چه نیکو وعده‌گاهی است قیامت و در آن ساعت و آن روز اهل باطل زیان
می‌برند و پشیمانی به شما سودی نمی‌رساند و برای هر خبری قرارگاهی است؛ پس خواهید
دانست که عذاب خوارکننده بر سر چه کسی فرود خواهد آمد، و عذاب جاودانه که را شامل
می‌شود.

نتیجه‌گیری

جنگ روایت‌ها، یکی از ارکان جنگ نرم است که در ماجرای سقیفه، حضرت فاطمه عليها السلام با شناخت ابعاد آن، با استفاده از ابزارهای گوناگون تلاش کردند روایت‌های چندگانه دستگاه خلافت را کنار زند و روایت خود را تثبیت نماید. سرانجام با توجه به این فعالیت، روایت آن حضرت به عنوان روایت شیعه و برخی فرقه‌های اسلامی از امامت در تاریخ ثبت شد و از دریچه کتب تاریخی، حدیثی و حتی کتب ادبی مختلفی که شماری از آن‌ها را نویسندگان اهل سنت نیز نوشته بودند، مانند کتاب السقیفه و الفدک، به نسل‌های بعدی رسید.

۱. شعر از قاسم صرافان.

۲. تقی‌الدین بن نجم‌الدین ابوصلاح حلبی، تقریب المعارف، صص ۳۴۳-۳۴۱.

فهرست منابع

کتاب

۱. ابن بابویه، علی بن حسین، الإمامة و التبصرة من الحيرة، چاپ اول، قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن حیون (قاضی نعمان)، نعمان بن محمد، شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، تحقيق محمد حسين حسيني جلالی، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ق.
۳. ابن طيفور، احمد بن ابی طاهر، بلاغات النساء، قم: الشريف الرضي، [بی تا].
۴. ابن عبدربه، احمد بن محمد، العقد الفريد، بیروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۰۷ق.
۵. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، عيون الأخبار، شرح يوسف علی طویل، بیروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۸ق.
۶. _____، الإمامة و السياسة المعروف بتاريخ الخلفاء، تحقيق علی شیری، چاپ اول، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۱۰ق.
۷. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، البداية و النهاية، بیروت: دارالفکر، [بی تا].
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۳۷۴ق.
۹. ابوصلاح حلبی، تقی الدین بن نجم الدین، تقریب المعارف، تحقيق فارس تبریزیان (الحسون)، چاپ اول، قم: الهادی، ۱۴۰۴ق.
۱۰. بلاذری، احمد بن یحیی، کتاب جمل من انساب الأشراف، تحقيق سهیل زکار و ریاض زرکلی، چاپ اول، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
۱۱. جوهری بصری، احمد بن عبدالعزیز، السقیفة و فذک، تحقيق محمد هادی امینی، تهران: مکتبة نینوی الحدیثة، [بی تا].
۱۲. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقيق عمر عبدالسلام تدمری، چاپ دوم، بیروت: دار الكتاب العربی، ۱۴۱۳ق.
۱۳. صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد، تحقيق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، چاپ اول، بیروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۴ق.
۱۴. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ترجمه جعفری، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱ش.

۱۵. مفید، محمد بن محمد، الجمل و النصره لسيد العترة في حرب البصرة، چاپ اول، قم: کنگره شیخ، ۱۴۱۳ق.

مقالات

۱. مهر آیین، مصطفی و دیگران، «تحلیل گفتمان خطبه فدکیه حضرت زهرا علیها السلام»، فصلنامه علمی - پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، سال دهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، ص ۲۲-۱.

شکوه صدیقه طاهره علیها السلام در نگاهی به مُصَحَف فاطمه علیها السلام

حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا*

مقدمه

دوره بسیار کوتاه عمر شریف حضرت زهرا علیها السلام بعد از رحلت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، نقطه عطفی در تاریخ صدر اسلام به شمار می‌رود که برکات فراوانی از وجود مقدس این بانوی بزرگ بر امت اسلام افاضه شده است. شاخص‌ترین این آثار، پدید آمدن کتاب ارزشمند «مصحف حضرت فاطمه علیها السلام» است که افزون بر زمینه‌سازی تحمل بر مصائب و صبر و استقامت آن گرامی در حمایت از جانشین رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، یک رخداد مهم غیبی است و از شخصیتی همانند حضرت صدیقه طاهره علیها السلام، بانوی بانوان جهان و پاره‌ای از روح پیامبر صلی الله علیه و آله پدید می‌آید. امام خمینی رحمته الله علیه درباره این مجموعه مهم که از افتخارات مکتب شیعه به شمار می‌آید، فرموده است: «ما مفتخریم که ... صحیفه فاطمیه^۱ که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است، از ماست». ^۲ در این فرصت، در مورد این اثر علمی و فرهنگی و شبّهات مطرح درباره آن، در دو بخش سخن خواهیم گفت.

آشنایی با مصحف فاطمه علیها السلام

کلمه «مُصَحَف» امروزه به معنای «قرآن» به کار می‌رود، اما در لغت به مجموعه برگه‌هایی که میان دو جلد جمع‌آوری شده و مطلق «کتاب» را می‌گویند. ^۳ مصحف فاطمه زهرا علیها السلام نیز از این معنا مستثنی نیست و به مجموعه‌ای گفته می‌شود که توسط جبرئیل امین علیه السلام به فاطمه زهرا علیها السلام

* استاد سطح عالی حوزه علمیه قم و مبلغ نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. منظور از کلمه صحیفه فاطمیه، همان مصحف فاطمه علیها السلام است.

۲. سید روح‌الله موسوی خمینی، وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی رحمته الله علیه، ص ۷.

۳. سید محمدرضا حسینی جلالی، تدوین السنة الشریفه، ص ۷۶.

الهام شده است. امام صادق علیه السلام در معرفی این اثر معنوی و آسمانی فرموده است:
فاطمه علیها السلام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله، هفتاد و پنج روز حیات داشت و بر اثر رحلت پدرش
اندوه فراوان بر او وارد شد. جبرئیل - فرشته وحی - پیوسته بر او فرود می آمد و ناگواری ها و
اندوه جدایی پدر را به خوبی ها جلوه می داد و به جانش آرامش می بخشید. به او از پدر و
جایگاه بلندش در نزد پروردگار خیر می رساند و نیز از حوادث آینده که بعد از فاطمه علیها السلام
نسبت به فرزندانش واقع خواهد شد، گزارش می داد. علی علیه السلام تمام آن گزارش ها و اخبار را
می نوشت که مجموعه این گزارش ها در مصحف فاطمه علیها السلام قرار داده شد.^۱
آقابزرگ تهرانی در مجموعه ارزشمند الذریعه می نویسد: «مصحف فاطمه علیها السلام، از امانات امامت
است که در نزد امام و مولایمان صاحب الزمان علیه السلام موجود است».^۲

برکات مصحف فاطمه زهرا علیها السلام

مصحف حضرت زهرا علیها السلام برکات فراوانی برای امت اسلام داشته است که به برخی از آنان اشاره
می شود.

۱. برترین دلیل بر عظمت حضرت زهرا علیها السلام

یکی از فضائل فاطمه زهرا علیها السلام بلکه برترین فضیلت آن گرامی که اهل بیت علیهم السلام نیز بارها آن را مورد
توجه و اشاره قرار داده اند و نیز فضیلت و منشأ علم و دلیل امامت برای اهل بیت علیهم السلام، وجود
مصحف فاطمه علیها السلام است. بزرگترین فضیلت حضرت زهرا علیها السلام، مکالمه با فرشته وحی و ثمره آن
یعنی کتاب مصحف فاطمه علیها السلام است. امام خمینی رحمته الله علیه در این زمینه فرموده است:

من راجع به حضرت صدیقه علیها السلام خودم را قاصر می دانم که ذکری بکنم ... من این
شرافت و فضیلت را از همه فضایلی که برای حضرت زهرا علیها السلام ذکر کرده اند - با اینکه
آن ها هم فضایل بزرگی است - این فضیلت را من بالاتر از همه می دانم که برای غیر
انبیاء علیهم السلام آن هم نه همه انبیا، برای طبقه بالای انبیا علیهم السلام و بعضی از اولیایی که در رتبه
آن ها هست، برای کس دیگر حاصل نشده و با این تعبیری که مراد داشته است
جبرئیل در این هفتاد و چند روز، برای هیچ کس تا کنون واقع نشده و این از فضایلی

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۴۰.

۲. محمد محسن بن علی منزوی تهرانی (آقابزرگ تهرانی)، الذریعه، ج ۲۱، رقم ۴۲۴۸.

است که از مختصات حضرت صدیقه علیها السلام است.^۱

۲. منبعی برای علم اهل بیت علیهم السلام

مصحف فاطمه علیها السلام، یکی از منابع علم اهل بیت علیهم السلام است که بارها به آن احتجاج کرده و حقانیت بیان خویش را به آن مستند نموده است. استناد مکرر ائمه علیهم السلام به مصحف فاطمه علیها السلام،^۲ از دیگر امتیازات این اثر علمی و الهامی است. کلینی در الکافی چنین نقل کرده است:

أَنَّ الْمَنْصُورَ كَتَبَ يَسْأَلُ فَهَاءَ أَهْلِ الْمَدِينَةِ عَنْ مَسْأَلَةِ الزَّكَاةِ، فَمَا أَجَابَهُ عَنْهَا إِلَّا الْإِمَامُ الصَّادِقُ عليه السلام وَلَمَّا سُئِلَ عَنْ أَيْنَ أَخَذَ هَذَا؟ قَالَ: مِنْ كِتَابِ فَاطِمَةَ عليها السلام؛^۳ مَنْصُورٌ بِهِ فَهَيَّاهُ مَدِينَةَ نَامَهُ نُوشت و از مسئله‌ای خاص در باب زکات پرسید. به غیر از امام صادق علیه السلام از هیچ کدام پاسخی دریافت نکرد. وقتی منبع پاسخ را از امام صادق علیه السلام جویا شد، حضرت فرمود: «از مصحف فاطمه علیها السلام این پاسخ را دادم».

۳. نشانه امامت

امام رضا علیه السلام در روایتی طولانی، نشانه‌های امام را برشمرده و فرموده است: «وَيَكُونُ عِنْدَهُ مُصْحَفُ فَاطِمَةَ عليها السلام؛^۴ یکی از علامت‌های امام معصوم علیه السلام این است که مصحف فاطمه علیها السلام نزد اوست». بنا بر نقل‌های فراوان، مصحف فاطمه علیها السلام چونان میراثی در نزد امامان شیعه بوده است و آنان در پایان عمرشان، آن را به امام بعدی تحویل می‌دادند.

۴. تجلای محدثه بودن حضرت زهرا علیها السلام

یکی از نام‌های معروف فاطمه زهرا علیها السلام، محدثه است که امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است: «إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ عليها السلام مُحَدَّثَةً لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَهْبِطُ مِنَ السَّمَاءِ فَتُنَادِيهَا كَمَا تُنَادِي مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ؛^۵ اینکه فاطمه علیها السلام به محدثه نامگذاری شد، چون فرشتگان پیوسته از آسمان

۱. سید روح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴.

۲. همانند استناد امام صادق علیه السلام که در حوادث تاریخی را پیشگویی کرده و گفتارش را به مصحف حضرت زهرا علیها السلام مستند دانسته است. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۴۰.

۳. سید محسن امین، أعيان الشيعة، ج ۱، ص ۲۴۸؛ محمدجواد مغنیه، الشيعة في الميزان، ص ۶۱؛ جعفر مرتضی عاملی، مأساة الزهراء عليها السلام، ج ۱، ص ۱۱۲.

۴. محمد بن علی صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۱۹.

۵. عبدالله بحرانی، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال، ص ۳۶.

فرود می‌آمدند و به فاطمه علیها السلام خیر می‌دادند؛ همان‌طور که به مریم دختر عمران علیها السلام خیر می‌دادند».

سخن گفتن حضرت زهرا علیها السلام با فرشته الهی در ماجرای مصحف، یکی از جلوه‌های محدثه بودن حضرت است.

۵. تصریح به نام ائمه اطهار علیهم السلام

در صحیفه‌ای که قسمتی از مصحف فاطمه زهرا علیها السلام است و توسط جابر بن عبدالله انصاری در اختیار همگان قرار گرفته است، نام‌های مبارک ائمه معصومین علیهم السلام یکی پس از دیگری ذکر شده است. این صحیفه با نقل‌های دیگری نیز رسیده است که در یکی از نقل‌ها افزون بر اسامی ائمه معصومین علیهم السلام، نام مادر هر یک از امامان نیز ذکر شده است.^۱ امروزه بخشی از مصحف فاطمه علیها السلام که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در اختیار جابر بن عبدالله انصاری قرار گرفته بود، در جوامع حدیثی شیعی در دسترس علاقمندان است. جابر بن عبدالله انصاری لوحی از صحیفه فاطمه علیها السلام را در اختیار داشت و با صحیفه امام باقر علیه السلام مطابقت داد و حضرت آن را تأیید فرمود. حضرت به جابر فرمود: «ای جابر! نگاه کن در نوشته خودت تا من برایت بخوانم». جابر نیز در نوشته خودش نگاه کرد و پیشوای پنجم علیه السلام از روی نوشته‌ای که داشت، خواند تا جایی که این دو نوشته حتی در یک حرف هم با یکدیگر تفاوت نداشتند.^۲

۶. وصیت فاطمه علیها السلام

امام صادق علیه السلام در برابر کسانی که حرف‌هایی بی‌ربط می‌زدند، می‌فرمود: «وَأَلْيُخْرِجُوا مُصْحَفَ فَاطِمَةَ علیها السلام فَإِنَّ فِيهِ وَصِيَّةَ فَاطِمَةَ علیها السلام؛ اگر راست می‌گویند مصحف فاطمه علیها السلام را در بیاورند و نشان دهند؛ مصحفی که در آن وصیت فاطمه علیها السلام موجود است».^۳

۷. پاسخ نیازهای جامعه

از روایات معلوم می‌شود که ائمه معصومین علیهم السلام نیازهای جامعه را از مصحف فاطمه علیها السلام استخراج می‌کردند و در رهبری جامعه از آن بهره می‌بردند. امام صادق علیه السلام در این باره فرموده

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۲۷؛ محمد بن محمد مفید، الاختصاص، ص ۲۱۰، عزیرالله عطاردی، مسند فاطمة الزهراء علیها السلام، ص ۲۸۶.

۲. همان.

۳. همان، ص ۲۴۱؛ محمد بن حسن صفار، بصائر الدرجات، ص ۱۷۷.

است: «مصحف فاطمه علیها السلام، نمی‌گویم در آن چیزی از قرآن هست؛ (بلکه) در آن اموری هست که مردم را نیازمند ما می‌کند و ما به کسی نیازی نداریم؛ حتی در آن (مجازات) یک تازیانه و نیم تازیانه و یک چهارم تازیانه و دیه کوچک‌ترین خراش وجود دارد».^۱

شبهات اهل سنت در باره مصحف فاطمه علیها السلام

شبهه اول: شیعیان قرآن دیگری به نام مصحف فاطمه علیها السلام دارند

افرادی همچون «ایجی» در مواقف و «جرجانی» در شرح مواقف و ابوزهره در کتاب امام صادق علیه السلام مدعی شده‌اند که شیعیان به قرآنی منسوب به فاطمه علیها السلام که غیر از قرآن رایج میان مسلمانان است، اعتقاد دارند.^۲

پاسخ: این شبهه ناشی از عدم رجوع به روایات شیعه و عدم دقت در معنای مصحف است. در حقیقت برداشت غرضمندانه از واژه مصحف، بهانه طرح این شبهه شده است. از آنجا که نام کتاب فاطمه علیها السلام، مصحف است و برخی از مسلمانان در صدر اسلام قرآن را مصحف می‌نامیدند، این اشتباه رخ داده است.^۳ در قرآن واژه «صحف» به معنای مطلق نوشته و کتاب آمده است: «وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ؛^۴ آن‌گاه که نامه‌های اعمال منتشر گردد».

افزون بر آن، روایات متعددی درباره این مصحف وجود دارد که این مصحف، قرآن نیست و نه حضرت فاطمه علیها السلام و نه دیگری ادعا نکرده‌اند که این مصحف در برابر قرآن معروف است؛ بلکه این مصحف، کتابی مانند کتاب‌های دیگر است با این تفاوت که در این کتاب مطالبی همانند وصیت فاطمه علیها السلام و علم آنچه که در آینده رخ می‌دهد، وجود دارد.^۵ حضرات معصومین علیهم السلام نیز به شدت وجود هر گونه آیات قرآن در این مصحف را انکار کرده‌اند؛ چنانکه امام صادق علیه السلام فرموده است: «به خدا سوگند! از قرآن شما یک حرف هم در مصحف فاطمه علیها السلام نیست».^۶

بنابراین جنجال بیهوده‌ای که به نام «قرآن شیعه» بر پا کرده‌اند، از کمترین پایه علمی و استدلال

۱. همان، ص ۲۴۰؛ همان، ص ۱۷۰.

۲. سید هاشم معروف الحسنی، سیرة الائمة الاثني عشر علیهم السلام، ج ۱، ص ۹۸ و ۹۹.

۳. مرتضی عسکری، معالم المدرستین، ج ۲، ص ۳۴.

۴. تکویر: ۱۰.

۵. سید جعفر مرتضی عاملی، حقایقی مهم پیرامون قرآن کریم، ص ۱۳۲.

۶. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۳۹، ح ۱.

منطقی برخوردار نیست. افزون بر اینکه ائمه اطهار علیهم‌السلام و تمامی علمای شیعه به اتفاق اعلام نموده‌اند: «این کتاب به اعتقاد همه شیعیان از کتاب مقدس قرآن متفاوت است و قرآن دیگری در کنار آن به شمار نمی‌رود».

چون غرض آمد، هنر پوشیده شد صد حجاب از دل به روی دیده شد

شبهه دوم: اعتقاد به مصحف فاطمه علیها‌السلام با اعتقاد به خاتمیت سازگار نیست

اهل سنت اعتقاد به مصحف فاطمه علیها‌السلام را با خاتمیت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و قطع نزول وحی بعد از رحلت آن حضرت، مغایر دانسته‌اند.^۱ برای مثال دکتر ناصر قفاری، از علمای وهابی معاصر مدعی شده است که شیعیان با اعتقاد به آمدن وحی بر اهل بیت علیهم‌السلام «در واقع ادعای نبوت بر امامان خود کرده است... مانند مصحف فاطمه...».^۲

پاسخ: ختم پیامبری به معنای انقطاع نزول فرشته وحی نیست. طبق نص صریح قرآن، هر سال و در شب قدر فرشته وحی نزول می‌یابد: «تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ».^۳ اساساً شیعیان معتقدند الهامی که به معصومین علیهم‌السلام می‌رسد، با وحی قرآنی تفاوت دارد و به معنای نبوت آنان نیست. شیعیان برای تبیین این مفهوم از اصطلاح «مُحَدَّث» برای ائمه علیهم‌السلام و اصطلاح «مُحَدَّثَه» برای حضرت زهرا علیها‌السلام استفاده می‌کنند. در برخی روایات اهل سنت نیز آمده است بعد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، افرادی هستند که با فرشته سخن خواهند گفت؛ همان‌طور که در بنی اسرائیل این‌گونه بود و این افراد از انبیاء نبوده‌اند.^۴

برخی علمای اهل سنت نیز به این شبهه جواب داده‌اند. سید محمود آلوسی، مفسر بزرگ اهل سنت، بعد از نقل روایتی در این باره می‌گوید:

روایات بسیاری وارد شده است که صحابه ملائکه را می‌دیدند و سخن آنان را می‌شنیدند.

برای اثبات آن، این دلیل کافی است که خداوند کریم فرموده است: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا

اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي

۱. اسلام وب، «قله أحاديث فاطمة رضي الله عنها»، ۱۵ رجب ۱۴۲۸.

<https://www.islamweb.net/ar/fatwa/97960>

۲. مهدی کیانی، کدامین راه؟، ص ۵.

۳. قدر: ۴.

۴. محمدعلی مهدوی‌راد، پژوهش گونه‌ای در باره مصحف فاطمه علیها‌السلام، ص ۷۹.

شکوه صدیقه طاهره علیها السلام در نگاهی به مُصَحَف فاطمه علیها السلام ■ ۳۵

كُنْتُمْ تُوعَدُونَ؛^۱ بی تردید کسانی که گفتند پروردگار ما خداست، سپس [در میدان عمل بر این حقیقت] استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند [و می‌گویند:] مترسید و اندوهگین نباشید. شما را به بهشتی که وعده داده شده‌اید، بشارت باد). این آیه ثابت می‌کند که ملائکه بر غیر انبیا در دنیا نازل می‌شوند و با آن‌ها سخن می‌گویند و کسی هم نگفته است که این سخن گفتن مستلزم نبوت است.^۲

مطمئناً فرشتگان الهی با کسی جز انبیای الهی گفتگو داشتند که چهار بانوی بزرگ در تاریخ انبیا، از شاخص‌ترین آن‌ها هستند و قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام از مکالمات‌شان خبر داده است: مریم علیها السلام مادر حضرت عیسی علیه السلام، همسر عمران علیه السلام مادر حضرت موسی علیه السلام، ساره علیها السلام مادر حضرت اسحاق و یعقوب علیهم السلام و فاطمه زهرا علیها السلام دختر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله.^۳

فهرست منابع

کتاب

۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابیطالب علیهم السلام، قم: نشر علامه، ۱۳۷۹ق.
۲. امین، سید محسن، أعيان الشيعة، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
۳. آلوسی بغدادی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۴. بحرانی، عبدالله، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال، چاپ اول، قم: تحقیق و نشر مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۳۶۵ش.
۵. حسینی جلالی، سید محمدرضا، تدوین السنة الشریفه، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۹ش.
۶. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۳ق.
۷. صفار قمی، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.

۱. فصلت: ۳۰.

۲. محمود بن عبدالله آلوسی بغدادی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۲۲، ص ۴۰.

۳. «مریم علیها السلام و لم تكن نبیة و كانت محدثة، و أم موسی و لم تكن نبیة و كانت محدثة، و سارة و قد عاينت الملائكة فیبشروها بإسحاق و من وراء إسحاق یعقوب و لم تكن نبیة، و فاطمة علیها السلام كانت محدثة و لم تكن نبیة». محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابیطالب علیهم السلام، ج ۳، ص ۱۱۵.

۸. عاملی، جعفر مرتضی، حقایق مهم پیرامون قرآن کریم، قم: دفتر نشر اسلامی، [بی تا].
۹. _____، ماساه الزهر عليها السلام، بیروت: دارالسیرة، ۱۴۱۸ ق.
۱۰. عسکری، مرتضی، معالم المدرستین، تهران: مجمع علمی اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۱۱. عطاردی، عزیزالله، مسند فاطمة الزهراء عليها السلام، قم: نشر انصاریان، ۱۳۸۶ ش.
۱۲. کیانی، مهدی، کدامین راه؟، قم: نشر معصومین عليهم السلام، ۱۳۸۵ ش.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
۱۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ ق.
۱۵. معروف الحسنی، سید هاشم، سیرة الائمة الاثني عشر عليهم السلام، قم: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۳۳ ق.
۱۶. مغنیه محمد جواد، الشيعة في الميزان، قم: دارالکتب الاسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۱۷. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، قم: المؤتمر العالمي لالفية الشيخ المفيد، ۱۴۱۳ ق.
۱۸. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله، ۱۳۸۹ ش.
۱۹. _____، وصیت نامه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله، ۱۳۸۷ ش.
۲۰. مهدوی راد، محمدعلی، پژوهش گونه ای درباره مصحف فاطمه عليها السلام، قم: نشر مشعر، ۱۳۹۱ ش.

سایتها

۱. اسلام وب، «قله احادیث فاطمه رضی الله عنها»، ۱۵ رجب ۱۴۲۸

سیمای حضرت فاطمه علیها السلام در آئینه وحی

حجت الاسلام والمسلمین محمد سبحانی نیا *

مقدمه

در رابطه با شخصیت نگین جهان و جنان حضرت فاطمه علیها السلام، پژوهش‌های مختلفی با رویکردهای تاریخی، حدیثی، کلامی و قرآنی از سوی محققان صورت گرفته است. در آیات متعددی از قرآن، به حضرت فاطمه علیها السلام اشاره شده است. درباره شمارگان آیات مربوط به حضرت فاطمه علیها السلام، نظرات متفاوتی ارائه شده است. گاهی از ۶۰ آیه در ۴۱ سوره قرآن،^۱ و گاهی از ۱۳۵ آیه در ۶۷ سوره نام برده‌اند.^۲ عبدالحسین بن محمد علی خوشنویس اصفهانی، در کتاب خود ۱۰ آیه قرآن را درباره حضرت فاطمه علیها السلام مورد بحث قرار داده است.^۳ ابوالفضل واصف نیز در کتاب فاطمه زهرا علیها السلام از نظر آیات قرآن، ۳۰ آیه را منطبق با شأن حضرت فاطمه علیها السلام می‌داند که بر آن حضرت تأویل یا تطبیق شده‌اند.^۴ کم یا زیاد بودن تعداد آیات مربوط به حضرت فاطمه علیها السلام به خاطر نوع انتخاب و گزینش نویسندگان است. گاهی شأن نزول آیات مربوط به ایشان بوده و گاهی تأویل و بطن آیه مربوط به حضرت فاطمه علیها السلام است و گاهی نیز آیه به ایشان تفسیر شده یا حضرت فاطمه علیها السلام از مصادیق آن شمرده و به اصطلاح تطبیق شده است. بعضی از آیات تنها بر شخصیت حضرت زهرا علیها السلام دلالت دارد.

از آنجا که بررسی همه آیات از حوصله این نوشتار خارج است، به مهم‌ترین آن‌ها که در کتب اهل سنت نیز بیان شده است، می‌پردازیم.

* عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان، گروه معارف.

۱. محمد علی حلو، ما نزل من القرآن فی شأن فاطمه الزهرا علیها السلام.

۲. علی حیدر مؤید، فضائل فاطمه الزهرا علیها السلام فی الذکر الحکیم.

۳. عبدالحسین قدسی خوشنویس و سید جواد میر شفیعی، سیمای حضرت فاطمه علیها السلام در قرآن کریم.

۴. محمد واصف، فاطمه زهرا علیها السلام از نظر آیات قرآن.

۱. آیه مباحله

یکی از آیاتی که شأن نزول آن مربوط به حضرت فاطمه علیها السلام است، آیه ۶۱ آل عمران یا همان آیه «مباحله» است:

فَمَنْ حَاكَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ؛ هر گاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجّه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: بیاید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود؛ آن گاه مباحله کنیم؛ و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

واژه «مباحله» در اصل به معنای تضرع و زاری، و در اصطلاح به معنای آن است که دو نفر همدیگر را لعن و نفرین و درخواست عذاب و بلا کنند و از خداوند بخواهند دروغگو را رسوا نماید.^۱ درباره شأن نزول آیه گفته شده است:

گروهی از مسیحیان نجران خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و درباره حضرت عیسی علیه السلام گفت و گو کردند. آنان حضرت عیسی علیه السلام را فرزند خدا می دانستند و تولد فرزندی بدون پدر را باور نمی کردند و به سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله درباره تولد حضرت عیسی علیه السلام اعتراض می کردند. پس از لجاجت و نپذیرفتن استدلال پیامبر صلی الله علیه و آله و به قول فخر رازی، پس از به پایان رسیدن مرحله سخن، دستور مباحله نازل^۲ و قرار شد فردا با هم مباحله کنند. پیامبر صلی الله علیه و آله به مسیحیان نجران فرمود: «طرفین دست به سوی آسمان بلند کنیم و از خداوند بخواهیم که جبهه حق را پیروز گرداند و جبهه باطل و دروغگو را ریشه کن نماید». فخر رازی در تفسیر معروف خود روایتی آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله از منزل خارج شد و بر شانه مبارکش جامه ای از موی سیاه بود. حسین علیه السلام را بر دوش (یا در آغوش) خود داشت و دست حسن علیه السلام را گرفته بود و فاطمه علیه السلام پشت سر ایشان و علی علیه السلام، پشت سر فاطمه علیه السلام به طرف محل مباحله به راه افتادند. پیامبر صلی الله علیه و آله به عزیزانش فرمود: «هر گاه من دعا کردم، شما آمین بگویید». ^۳ پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: «اللَّهُمَّ

۱. احمد ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۳۱۱.

۲. فخرالدین محمد بن عمر رازی، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، ج ۸، ص ۲۴۶.

۳. همان، ص ۲۴۷.

هُؤْلَاءِ أَهْلِی؛ پروردگارا اینان اهل بیت من هستند». پس رو به آنان کرد و فرمود: «چون من دعا کردم، شما آمین بگویید». ^۲ در روز مورد توافق طرفین که مشهور مورخان این رویداد را در سال دهم و برخی در سال نهم ذکر کرده‌اند، وقتی اسقف مسیحیان پیامبر صلی الله علیه و آله را دید که با بهترین عزیزانش پا در میدان گذاشته است، ترس او را فراگرفت و گفت: «ای گروه نصارا! من چهره‌هایی را می‌بینم که اگر از خدا بخواهند کوهی را از جایش بر کنند، خدا به حرمت آن‌ها آن کوه را از جا بر می‌کند. پس با او مباحله نکنید که نابود می‌شوید و تا روز قیامت، یک نصرانی بر روی زمین باقی نمی‌ماند». ^۳ به همین دلیل آن‌ها از مباحله منصرف شدند و با قبول تعهداتی با پیامبر صلی الله علیه و آله مصالحه کردند.

اصل شأن نزول فوق بیش از ۵۱ طریق و از ۳۹ نفر از اهل بیت علیهم السلام، صحابیان و تابعان حکایت شده است. ^۴ زمخشری این آیه را قوی‌ترین دلیل برتری اصحاب کساء بر دیگران دانسته است. ^۵ آلوسی می‌گوید: «دلالت آیه بر فضیلت آل پیامبر صلی الله علیه و آله برای هر مؤمنی بی‌تردید است». ^۶ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جای «نساءنا» (که کلمه جمع، و حداقل آن سه نفر است) تنها حضرت فاطمه علیها السلام را برای مباحله همراه برد و حال آن‌که در آن زمان چندین نفر از امهات المؤمنین حضور داشتند، ولی آن حضرت هیچ کدام از همسران خود را برای مباحله نبرد؛ زیرا او باید کسانی را به همراه می‌برد که اگر نبی نباشند، شریک کار رسالت و نبوت او باشند و حضرت فاطمه علیها السلام چنین بود. در مباحله باید دروغ‌گویان رسوا شوند؛ بنابراین اگر پیامبر صلی الله علیه و آله کسی را می‌برد که در عمر خود دروغ گفته باشد، دیگر او نمی‌توانست بر دروغ‌گویان لعنت بفرستد؛ زیرا خودش از اول دروغ گفته است.

نکته مهم دیگر آنکه آیه فوق، نمودار هم‌طرازی فاطمه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سایر معصومین علیهم السلام است؛ زیرا به نظر علامه طباطبایی رحمته الله علیه در جریان مباحله، حضرت با همسر و فرزندانش هم در اصل مدعا (اینکه حق با آنان است) و هم در دعوت به حق، با پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام شریک بوده‌اند؛

۱. سید هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۶۳۰.

۲. جلال‌الدین عبدالرحمان بن کمال‌الدین سیوطی و محمد بن احمد محلی، تفسیر الجلالین، ص ۶۱.

۳. فخرالدین محمد بن عمر رازی، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، ج ۸، ص ۲۴۷.

۴. علی بن موسی ابن طاووس، سعد السعود، ص ۹۱.

۵. محمود بن عمر زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۱، ص ۳۷۰.

۶. محمود بن عبدالله آلوسی، روح المعانی، ج ۲، ص ۱۸۱.

زیرا کلمه «الکاذبین» به صورت جمع آمده است و اگر طرف دعوا و دعوت تنها شخص پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می بود، چنین تعبیری آورده نمی شد.^۱ بنابراین گرچه نبوت و دریافت وحی تشریحی مختص به وجود حضرت ختمی مرتبت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، اما ولایت - که یکی از شئون آن، دعوت به حقایق الهی است - در اهل بیت آن حضرت از جمله حضرت فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام نیز وجود دارد.

۲. آیه تطهیر

یکی دیگر از آیات قرآن که ناظر به فضیلت حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام است، آیه تطهیر است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»^۲ خدا فقط می خواهد پلیدی و [گناه] را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد».

لفظ «إِنَّمَا» در زبان عربی، بیان کننده حصر و انحصار مطلبی است. به گفته علامه طباطبایی رحمته الله، آیه شریف تطهیر دارای دو انحصار است که عبارتند از: انحصار اراده و خواست خداوند متعال در تطهیر و دور کردن پلیدی و انحصار این عصمت و دوری از پلیدی ها و عیوب در اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام.^۳

راغب اصفهانی درباره معنای «رجس» می نویسد: «رجس، چیز پلید است و آن بر چهارگونه است: رجس طبیعی، رجس عقلی، رجس شرعی و رجسی که جامع همه این ها است؛ مانند میته».^۴

«اهل البیت»، اصطلاحی ترکیب یافته از دو کلمه «اهل» و «بیت» است. اگر چه «اهل البیت» در لغت و در عرف قرآن، بر همه کسانی که با صاحب بیت ارتباط دارند و از نظر عرف اهل آن خانه محسوب می شوند مانند همسر انسان اطلاق می شود؛ چنانکه بر همسر حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام اطلاق شده است،^۵ اما «اهل البیت» در آیه تطهیر به دلالت روایات متواتر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و نیز دلایلی که در متن آیه تطهیر وجود دارد، معنای لغوی و عرفی آن مراد نبوده؛ بلکه مقصود پنج تن آل عبا هستند. سیوطی در کتاب خود که از معروف ترین کتب احادیث تفسیر قرآن

۱. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۲۵.

۲. احزاب: ۳۳.

۳. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۳۰۹.

۴. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۴۲.

۵. هود: ۷۳.

اهل سنت است، حدود ۲۰ حدیث در ذیل این آیه نقل کرده است که در ۱۵ حدیث از آن‌ها آمده است که آیه فوق درباره پنج تن مقدس، یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است.^۱

روایات فراوانی درباره «حدیث کساء» به طور اجمال وارد شده است که از همه آن‌ها چنین استفاده می‌شود که پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن و حسین علیهم السلام را فرا خواند - و یا به خدمت او آمدند - و عباپی بر آن‌ها افکند و گفت: «اللَّهُمَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ أَهْلًا وَ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلِي؛ خداوند! هر پیامبری خاندانی دارد و این‌ها خاندان منند.» در این هنگام آیه فوق نازل شد. دانشمند معروف، حاکم حسکانی نیشابوری در شواهد التنزیل این روایات را به طرق متعدد از راویان مختلفی گردآوری کرده است.^۲

برخی با توجه به اینکه ابتدا و انتهای آیات درباره زنان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است، گمان کرده‌اند که شأن نزول این آیه نیز همسران نبی اکرم صلی الله علیه و آله است؛^۳ اما قرائنی نشان می‌دهد که این ادعا تنها اجتهادی بی دلیل در برابر نص است که اعتباری ندارد. این قرائن عبارتند از:

۱. قرآن کریم در مواردی به نحو خاصی و با عتاب با زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سخن گفته است.^۴ در نتیجه آن‌ها نمی‌توانند «مطهرون» باشند.

۲. در این آیات بعد از ۲۰ ضمیر جمع مؤنث، لحن خداوند عوض و به جای آن ضمیر مذکر آورده شده است و این، بزرگ‌ترین قرینه است که باید از ظهور سیاق ادعا شده، دست برداشت و نباید آیه تطهیر را خطاب به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله دانست.

۳. پیامبر صلی الله علیه و آله به مدت شش ماه یا بیشتر هر روز صبح برای اقامه نماز به مسجد مشرف می‌شد، بر در منزل فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام می‌ایستاد و می‌فرمود: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا».^۵

۴. هیچ یک از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله ادعا نکرده‌اند که آیه تطهیر شامل ما نیز می‌شود، بلکه خلاف آن را نقل کرده‌اند.

۵. الف و لام در کلمه «اهل البيت»، برای عهد است و به حادثه‌ای که اتفاق افتاده است، اشاره

۱. جلال‌الدین عبدالرحمان بن کمال‌الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۹۸.

۲. عبیدالله بن احمد حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۸.

۳. اسماعیل بن عمر ابن‌کثیر دمشقی، تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن‌کثیر)، ج ۶، ص ۳۷۰.

۴. احزاب: ۳۳ - ۲۸.

۵. عبیدالله بن احمد حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۱۸.

دارد؛ یعنی کلمه «اهل البیت» مانند کلمه «یوم الدار» است. هم‌چنانکه «یوم الدار» عنوان مشخص برای روزی است که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عده‌ای را در خانه ابوطالب جمع کرد و نبوتش را اعلام فرمود، «اهل البیت» نیز عنوان خاصی است که از کسانی حکایت می‌کند که در خانه معین و در روز معینی زیر عبا پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده‌اند.

۳. سوره کوثر

سوره کوثر کوچک‌ترین سوره قرآن و جزء پر بارترین و پر برکت‌ترین سوره‌های قرآن است. کلمات این سوره، یعنی «اعطینا»، «کوثر»، «صلِّ لربک وانحر» در هیچ جای دیگر قرآن بیان نشده است. در حقیقت این سوره دربرگیرنده سه پیشگویی بزرگ است:

۱. از یک سو اعطای خیر کثیر را به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نوید می‌دهد؛
۲. از سوی دیگر خبر می‌دهد که نسل و دودمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به طور فراوان در جهان وجود خواهند داشت.

۳. از سوی دیگر خبر می‌دهد که دشمنان او ابتر خواهند بود.

در باره شأن نزول این سوره گفته‌اند زمانی که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دو فرزندش «عبدالله» و «قاسم» را از دست داد و دشمنان آن حضرت برای تضعیف روحیه او زبان به طعن و شماتتش گشودند، عاص بن وائل او را ابتر خواند^۱ که در لغت عرب به معنی دم‌بریده است و به شخصی که نسلش منقطع شده باشد، اطلاق می‌شود.^۲ خدای سبحان با نزول این سوره پیامبرش را خشنود کرد و فرمود: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ؛ ما کوثر را به تو عطا کردیم، پس به شکرانه این نعمت، برای پروردگارت نماز بگذار و شتر قربانی کن؛ همانا که دشمن تو ابتر و مقطوع‌النسل است».

کوثر از ریشه کثرت، و مراد از آن خیر فراوان است.^۳ صاحب‌نظران درباره مصداق «کوثر»، دیدگاه‌های متعددی را بیان کرده‌اند تا جایی که فخر رازی در تفسیر کبیر ۱۵ مصداق برای آن شمرده است؛^۴ مانند نبوت، قرآن، کثرت اصحاب و یاران و نهری در بهشت. برخی مفسران، ۲۶

۱. جلال‌الدین عبدالرحمان بن کمال‌الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۰۱.

۲. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۶.

۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۸۳۶.

۴. فخرالدین محمد بن عمر رازی، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، ج ۳۲، ص ۳۱۷-۳۱۳.

قول نقل کرده‌اند که مرحوم علامه طباطبایی رحمته الله در المیزان نیز به آن اشاره کرده است.^۱ توجه به خصوصیت‌های واژه «کوثر» و «ابتر» ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که تمام مصادیق ارائه شده، یا از جهت جری و تطبیق و یا بیان مصداق اخروی آن است؛ در حالی که سؤال این است که در زمان نزول سوره، چه چیزی مصداق کوثر است که همه بدگویی‌هایی را که مشرکان به پیامبر صلی الله علیه و آله داده بودند، پاسخ دهد، قابلیت دوام داشته باشد و از او چیزهای زیادی منشعب شود و در عین حال جنبه منت‌گذاری خداوند بر پیامبرش را با خود همراه داشته باشد؟ تمام این موارد فقط در وجود حضرت فاطمه زهرا علیها السلام جمع می‌شود که خداوند نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را از طریق ایشان تداوم بخشید و نسل خلافت از رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز از فرزندان ایشان ادامه پیدا کرده است.^۲

به نظر علامه طباطبایی رحمته الله با در نظر گرفتن اینکه کلمه «ابتر» در ظاهر به معنای مقطوع‌النسل است، چنین به دست می‌آید که منظور از کوثر، تنها و تنها کثرت ذریه‌ای است که خدای تعالی به آن جناب ارزانی داشته است. شاهد دیگر علامه بر این معنا، روایاتی است که بیان می‌دارد سوره مورد بحث در پاسخ کسی نازل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را به نسل نداشتن زخم‌زبان زد و این زخم‌زبان هنگامی بود که قاسم و عبدالله دو فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفتند.^۳ فخر رازی، مفسر بنام و متعصب اهل سنت، بر این واقعیت به عنوان یکی از معانی احتمالی کوثر معترف است و می‌گوید:

مراد از کوثر، فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ چون این سوره در ردّ کسی که بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله طعن زد که فرزند ندارد، نازل شد؛ لذا معنای کوثر آن است که خداوند نسلی را به او عطا فرمود که در گذر زمان باقی ماندند. ملاحظه کن! چقدر از اهل بیت به قتل رسیدند، در عین حال جهان پر از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله است، در حالی که از بنی امیه فرد قابل اعتنایی باقی نمانده است. ببین که چه میزان در میان آنان از علمای بزرگ به چشم می‌خورد، مثل باقر و صادق و کاظم و رضا علیهم السلام و نفس زکیه و امثال آنان.^۴

۱. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۳۷۰.

۲. محمدرضا قضایی و دیگران، «بررسی مصداق کوثر در سوره کوثر در تفاسیر روایی شیعه و سنی»، ص ۱۵۰ - ۱۲۷.

۳. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۳۷۰.

۴. فخرالدین محمد بن عمر رازی، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، ج ۳۲، ص ۳۱۳.

فهرست منابع

کتاب

۱. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم: دارالفکر، ۱۳۹۹ق.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی، سعد السعود، قم: دارالذخائر، [بی تا].
۳. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن کثیر)، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
۴. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۵. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۶. حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۷. حلو، محمدعلی، ما نزل من القرآن فی شأن فاطمه الزهراء علیها السلام، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب الاسلامی، ۱۳۸۵ق.
۸. رازی، فخرالدین محمد بن عمر، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، چاپ چهارم، دمشق: دارالقلم، ۱۴۱۶ق.
۱۰. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۱. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن کمال الدین و محمد بن احمد محلی، تفسیر الجلالین، چاپ اول، بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات، ۱۴۱۶ق.
۱۲. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۴. قدسی خوشنویس، عبدالحسین و سید جواد میرشفیعی، سیمای حضرت فاطمه علیها السلام در قرآن کریم، چاپ دوم، تهران: نورالاصفیاء، ۱۳۸۲ش.

سیمای حضرت فاطمه علیها السلام در آئینه وحی ■ ۴۵

۱۵. مؤید، علی حیدر، فضائل فاطمه الزهراء علیها السلام فی الذکر الحکیم، قم: مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۰ ش.

۱۶. واصف، محمد، فاطمه زهرا علیها السلام از نظر آیات قرآن، قم: دارالنشر، ۱۳۵۱ ش.

مقالات

۱. قضایی، محمدرضا، «بررسی مصداق کوثر در سوره کوثر در تفاسیر روائی شیعه و سنی»، دوفصلنامه پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، شماره دهم، دوره پنجم، ۱۳۹۸، ص ۱۵۰_۱۲۷.

فلسفه عبادات و احکام الهی از منظر فاطمه زهرا علیها السلام

حجت الاسلام والمسلمین کاظم دلیری *

مقدمه

خطبه فدک، سخنرانی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است که ایشان پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافت امام علی علیه السلام، در مسجد مدینه ایراد فرمود. هدف حضرت زهرا علیها السلام از ایراد این خطبه باز پس گرفتن «فدک» - هدیه و ارث پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان - بود، حضرت در خطبه فدک به تبیین بسیاری از حقایق و معارف ناب الهی پرداخت. این نوشتار به شرح فرازهایی از خطبه فدکیه^۱ حضرت زهرا علیها السلام می‌پردازد. موضوع این فرازها بیان فلسفه عبادات و اوامر و نواهی خداوند در دین مبین اسلام است.

ایمان

حضرت زهرا علیها السلام در تبیین علت واجبات الهی پیش از هر چیز سراغ ایمان به خدا می‌رود و می‌فرماید: «فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشُّرْكِ؛ خداوند ایمان را برای پاک کردن شما از شرک واجب کرد». ذکر کردن ایمان در صدر واجبات الهی به دلیل اهمیت آن است؛ زیرا تا ایمان به خدا نباشد، اعمال دیگر انسان نیز در درگاه خدا پذیرفته نیست و او را به سعادت و نجات نمی‌رساند.

استفاده از تعبیر تطهیر (یعنی پاک کردن) نسبت به شرک به خدا، به سبب آن است که شرک، آلودگی و پلیدی روح و باطن انسان است و باید از آن اجتناب کرد؛ چنانکه در سوره مبارکه حج

* کارشناسی ارشد تربیت اخلاقی مؤسسه اخلاق و تربیت.

۱. این خطبه به خطبه فدکیه مشهور است و با قدری اختلاف در منابع متعدد شیعه و اهل سنت مانند «کتاب من لایحضره الفقیه» شیخ صدوق، (ج ۳، ص ۵۶۸) «علل الشرایع» (ج ۱، ص ۲۴۸)؛ «السقیفة و فدک عبدالعزیز» جوهری (ص ۱۳۹)، «بلاغات النساء» ابن طیفور (ص ۲۸) و «دلایل الامامة» طبری (ص ۱۱۳) آمده است که ما متن دلایل الامامة را انتخاب کرده‌ایم.

می فرماید: «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ»^۱ از پلیدی پرهیزید که از جمله آن بت هاست» و در سوره انعام نیز می فرماید: «كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ»^۲ اینچنین خداوند پلیدی را قرار می دهد بر کسانی که ایمان نمی آورند». بنابراین هم چنانکه باید از پلیدی های ظاهری مثل سگ و خوک و خون اجتناب کرد، باید از پلیدی های باطنی نیز اجتناب کرد که در رأس آن ها شرک به خداوند است.

نماز

بعد از ایمان به خداوند، حضرت صدیقه علیها السلام از علت و وجوب نماز یاد می کند؛ زیرا نماز مهم ترین وظیفه عملی دین است؛ هم چنانکه ایمان، مهم ترین وظیفه اعتقادی دین است و بر طبق روایات معتبر نخستین عملی که در قیامت مورد محاسبه قرار می گیرد، نماز است.^۳ بانوی دو عالم می فرماید: «وَ الصَّلَاةُ تَنْزِيهَا لَكُمْ عَنِ الْكِبَرِ؛ [خداوند] نماز را برای دور شدن شما از کبر واجب کرد». نماز اهداف و فواید متعددی مانند یاد خدا و دور شدن از فحشا و منکر دارد، ولی حضرت زهرا علیها السلام از میان آن ها به ذکر یک اثر بسنده می کند که همان دور شدن از تکبر است. کبر و تکبر، نوعی حالت خودپسندی است که در آن حال، فرد خود را بزرگ تر از دیگران می بیند. بزرگ ترین تکبر نیز، تکبر بر خداست به اینکه از پذیرش حق و اذعان به عبادت او خودداری کند؛^۴ زیرا در این حال انسان حتی خود را از خدا نیز بالاتر می پندارد و از ایمان به خدا و اطاعت او سرپیچی می کند.

پیوند نماز و ترک تکبر، شواهد قرآنی متعددی دارد؛ از جمله خداوند متعال در سوره مبارکه بقره می فرماید: «وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ»^۵ و از صبر (روزه) و نماز کمک بجوید و به درستی که نماز کار سنگینی است جز بر فروتنان». خاشع در روایتی از ابن عباس به کسی تفسیر شده است که در نمازش در برابر خداوند اظهار ذلت می کند و با حضور قلب نماز می خواند.^۶ در سوره مبارکه قیامت نیز در توصیف انسان های متکبر و زیانکار

۱. حج: ۳۰.

۲. انعام: ۱۲۵.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۶۸.

۴. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۶۹۷.

۵. بقره: ۴۵.

۶. عبیدالله بن عبدالله حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۱۱۵.

در روز قیامت می‌فرماید: «فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى * وَ لَكِنْ كَذَّبَ وَ تَوَلَّى * ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّى»^۱؛ نه تصدیق کرد و نه نماز خواند [یعنی در دنیا نه به خدا و دین حق ایمان آورد و نه عمل صالحی انجام داد که نماز اهم آن‌هاست] بلکه تکذیب کرد و روی گرداند، سپس متکبرانه به سوی خانواده‌اش رفت». در این آیات نیز رابطه معناداری میان ترک نماز و تکبرورزی پس از آن ترسیم شده است. پس اصل این مطلب در منابع دینی مسلم است که نماز سبب پاکی انسان از تکبر می‌شود و ترک نماز روحیه تکبر را در انسان می‌پروراند.

حال این سؤال مطرح می‌شود که چرا نماز چنین تأثیری دارد و چه رابطه‌ای میان نماز و ترک تکبر برقرار است؟

هر یک از حالت‌های نماز به نوعی با تکبر منافات دارد و تمرین عملی ترک تکبر است؛ برای مثال

- ایستادن در نماز با تکبر منافات دارد؛ چرا که تواضع انسان در حالت ایستاده بیش از حالت نشسته و تواضع انسان در حال نشسته بیش از حالت خوابیده است،

- نمازگزار در حالت تکبیره الاحرام که دست‌ها را بالا می‌آورد، شبیه کسی است که دستانش را به حالت تسلیم در برابر بزرگی بالا می‌آورد،

- در حالت رکوع نیز آنچنان در برابر خدا خم می‌شود که گویی خود را تسلیم هر نوع فرمان خدا کرده است و در این راه حتی از جدا شدن سرش در برابر او نیز ابایی ندارد،

- در حالت سجده نیز پیشانی‌اش را که بالاترین عضو اوست، به همراه اعضای دیگرش بر خاک می‌نهد که فروترین چیزهاست و با این کار نهایت خواری و خاکساری خود را در برابر خداوند به تصویر می‌کشد.^۲

البته این‌ها تنها بخشی از حالات تواضع‌آمیز نماز است و اجزا و شرایط و آداب دیگر نماز نیز هر یک به‌گونه‌ای تنظیم شده است که تمرین تواضع در برابر خداوند باشد. طبیعی است تکرار این حالات به تدریج حالت فروتنی و خشوع را در انسان می‌پروراند و دل او نیز در برابر خداوند خاضع می‌شود.

تأثیر نماز در اجتناب از کبر آنچنان محسوس و ملموس است که برخی از متکبران تنها به سبب حالت خاکساری در نماز از خواندن آن امتناع می‌کنند. برای مثال در منابع تاریخی آمده است

۱. قیامت: ۳۳-۳۱.

۲. ر.ک: عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۸۶-۸۷.

که وقتی قبیله ثقیف (اهل طائف) برای اسلام آوردن نزد رسول خدا ﷺ آمدند و معاهده‌ای با آن حضرت نوشتند، در ضمن معاهده دو خواسته از پیامبر ﷺ مطرح کردند. نخست اینکه بت لات تا سه سال دیگر نابود نشود که پیامبر ﷺ این شرط آنان را نپذیرفت و عده‌ای را برای انهدام آن فرستاد. خواسته دیگرشان این بود که آنان را از نماز خواندن معاف دارد. پیامبر ﷺ این شرطشان را نیز نپذیرفت و فرمود: «إِنَّهُ لَا خَيْرَ فِي دِينٍ لَا صَلَاةَ فِيهِ؛ در دینی که نماز در آن نباشد، هیچ خیری نیست». آنان گفتند: «ای محمد! به این خواسته تو تن می‌دهیم؛ گرچه در آن پستی است». ^۱ مراد آنان از پستی، اظهار ذلت و خاکساری در برابر خدا بود و به روشنی درک می‌کردند که نماز با روحیه خودبرتربینی آنان سازگار نیست. در روایت مشابه دیگری آمده است که پیامبر ﷺ در پاسخ درخواست قبیله ثقیف برای حذف نماز از دینشان فرمود: «إِنَّهُ لَا خَيْرَ فِي دِينٍ لَا يَكُونُ فِيهِ رُكُوعٌ وَلَا سُجُودٌ؛^۲ در دینی که در آن رکوع و سجود نیست، هیچ خیری نیست». در این نقل، نماز رکوع و سجود نامیده شده است که نشانه اهمیت رکوع و سجود در نماز و تأثیر آن در ایجاد تواضع در انسان است.^۳

زکات

حضرت زهرا عليها السلام پس از بیان علت تشریح نماز در اسلام، علت تشریح زکات را بیان می‌دارد و می‌فرماید: «وَالزَّكَاةُ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ؛ و خداوند زکات را برای افزایش روزی واجب کرد». ذکر زکات بعد از نماز به دلیل اهمیت این فریضه در دین مبین اسلام است؛ هم‌چنانکه در کتاب خدا در موارد متعدد بلافاصله پس از ذکر اقامه نماز سخن از اعطای زکات آمده است؛ از این رو حضرت زهرا عليها السلام نیز به عنوان مفسر قرآن، پس از بیان علت وجوب نماز علت وجوب زکات را بیان می‌کند. نماز از شعائر عبادی و زکات، از احکام اقتصادی اسلام است و نشان می‌دهد که اسلام در کنار عبادت و اصلاح رابطه خاص انسان با خدا بر اصلاح اقتصادی و ایجاد عدالت و رفاه و پر کردن شکاف‌های طبقاتی در جامعه اسلامی تأکید دارد. تأثیر پرداخت زکات در افزایش روزی در برخی روایات نیز آمده است؛ از جمله امام موسی

۱. ر.ک: علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول ﷺ، ج ۳، ص ۷۱.

۲. محمد بن علی کراجکی، الرسالة العلوية في فضل أمير المؤمنين عليه السلام، علی سائر البرية، ص ۱۳؛ محمد بن حسن طوسی، الأمالی، ص ۵۰۴.

۳. مبارک بن محمد ابن اثیر جرجزی، النهاية في غريب الحديث و الأثر، ج ۱، ص ۲۳۸.

کاظم علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَصَعَ الزَّكَاةَ قُوْتًا لِلْفُقَرَاءِ وَ تَوْفِيرًا لِأَمْوَالِكُمْ؛^۱ خداوند عزوجل زکات را برای قوت فقرا و افزایش اموال تان وضع کرده است». امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «مَا مِنْ رَجُلٍ أَدَّى الزَّكَاةَ فَتَنَقَّصَتْ مِنْ مَالِهِ وَلَا مَنَعَهَا أَحَدٌ فَزَادَتْ فِي مَالِهِ؛^۲ چنین نیست که اگر فردی زکات بدهد، مالش کم شود یا اگر کسی منع زکات کند، مالش زیاد شود». از سوی دیگر در روایات ما آمده است که منع زکات سبب کاهش مال و منع برکات زمین می‌شود؛ چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود: «وَمَا مِنْ مَالٍ يُصَابُ إِلَّا بِتَرْكِ الزَّكَاةِ؛^۳ هر مالی که به آن آسیبی می‌رسد، به سبب ترک زکات است». رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز فرمود: «إِذَا مَنَعْتَ الزَّكَاةَ مَنَعْتَ الْأَرْضَ بَرَكَاتِهَا؛^۴ هنگامی که از پرداخت زکات ممانعت شود، زمین نیز برکاتش را منع می‌کند». برکات زمین، مثل زراعت و میوه‌ها و انواع معادن است.^۵

روزه

چهارمین فریضه‌ای که حضرت زهرا علیها السلام بر آن دست می‌گذارد و هدف تشریح آن را بیان می‌کند، روزه است. آن حضرت در این باره می‌فرماید: «وَالصَّيَامُ إِثْبَاتٌ لِلْإِخْلَاصِ؛ خداوند روزه را برای اثبات اخلاص واجب کرد».

روزه، از فرائض اصلی اسلام است؛ چنانکه امام باقر علیه السلام فرمود: «اسلام بر پنج پایه بنا شده است: نماز و زکات و حج و روزه و ولایت و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: روزه، سپری است از آتش».^۶ از این رو حضرت زهرا علیها السلام نیز آن را در زمره نخستین واجبات ذکر کرده است.

شاید این سؤال مطرح شود که روزه و اخلاص چه رابطه‌ای با یکدیگر دارند که در میان عبادات گوناگون، آزمون اخلاص به آن اختصاص داده شده است؟ علمای اسلام در پاسخ به این پرسش بیان‌های زیبایی دارند، برای مثال ابن ابی‌الحدید معتزلی می‌گوید: «روزه، مایه امتحان اخلاص است؛ زیرا هیچ کس [حقیقتاً] از آن مطلع نمی‌شود و کسی جز بندگان مخلص خدا آن را به

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۹۸.

۲. همان، ص ۵۰۴.

۳. همان، ص ۵۰۵.

۴. همان.

۵. همان، ج ۲، ص ۳۷۴.

۶. همان، ج ۴، ص ۶۲.

صورت درست انجام نمی‌دهد».^۱ شاید مراد از صورتِ درست روزه، روزه گرفتن با همه آداب و شرایطش باشد که از جمله آن‌ها مراقبت از چشم و گوش و زبان و دل و اعضای دیگر است. در حدیثی از امام صادق علیه السلام چنین آمده است: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَقُولُ الصُّومُ لِي وَ أَنَا أَجْزِي عَلَيْهِ؛^۲ خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: روزه برای من است و من بر آن جزا می‌دهم». با اینکه همه عبادات برای خداست، ولی در این روایت تنها روزه به عنوان عبادت اختصاصی خداوند معرفی شده است و اجر آن نیز اختصاصی است. در تفسیر این روایت وجوهی گفته شده است که نخستین آن‌ها جنبه اخلاص در روزه است؛ زیرا فقط خداوند می‌داند چه کسی واقعاً روزه‌دار است.^۳ برخی دیگر تفسیر بهتری ذکر می‌کنند و می‌گویند:

همه انواع عباداتی که بندگان برای تقرب به خداوند انجام می‌دهند از نماز و حج و صدقه و اعتکاف و دعا و قربانی و جز آن، اموری هستند که مشرکان نیز همواره برای بت‌های دست‌سازشان انجام می‌داده‌اند و با آن‌ها به سوی بت‌ها تقرب می‌جسته‌اند، ولی هرگز شنیده نشده است که فرقه یا طایفه‌ای از مشرکان، با روزه به سوی بت‌ها تقرب بجویند و لذا خداوند فرموده است: روزه برای من است و من بر آن پاداش می‌دهم؛ یعنی احدی جز من در روزه شریک نیست و جز من با روزه عبادت نشده است. لذا من پاداشش را می‌دهم و خودم متولی آن هستم و حتی پاداش آن را به فرشته مقرب یا جز آن نیز واگذار نمی‌کنم.^۴ حقیقت این است که اعمال عبادی دیگر از قبیل شعائر ظاهری است که با اعمال نمادین نیز آمیخته است و ولی روزه هیچ‌گونه عمل نمادین ندارد و همه حقیقت آن پنهان است؛^۵ لذا در اعمال دیگر امکان ریا وجود دارد، ولی در روزه امکان ریا نیست.^۶

۱. عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۱۹، ص ۸۷.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۶۳؛ محمد بن علی صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۵.

۳. محمدتقی مجلسی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۲۶.

۴. مبارک بن محمد ابن اثیر جرزی، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۱، ص ۲۷۰.

۵. ر.ک: ملا محسن فیض کاشانی، الوافی، ج ۱۱، ص ۲۶.

۶. محمد هادی بن محمد صالح مازندرانی، شرح فروع الکافی، ج ۴، ص ۱۱.

حج

فریضه دیگری که حضرت زهرا علیها السلام از آن سخن می‌گوید، حج است. آن حضرت در این باره می‌فرماید: «وَالْحَجَّ تَشْبِيحاً لِلدِّينِ؛ خداوند حج را برای تحکیم و ترفیع بنای دین واجب کرد». واژه تشبید در زبان عربی در مورد ساختمان‌سازی به کار می‌رود و به معنای تحکیم و بالا بردن (ساختمان) است. حضرت با بهره‌گیری از این واژه، دین را به بنایی تشبیه می‌کند که حج آن را تحکیم و تقویت می‌نماید و بنای آن را باشکوه و مجلل می‌سازد؛ زیرا حج مظهر وحدت اسلام و شکوه اسلام است؛ چنانکه نماز ستون دین است و با اقامه نماز پایه‌های دین مستحکم می‌شود، با حج نیز بنای روین دین استوار و مرتفع می‌شود. اینکه مسلمانان از اقصای نقاط جهان به سوی مکه می‌شتابند و در ایام خاص در آنجا جمع می‌شوند و هم‌شکل و هم‌نوا با یکدیگر ندای «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» سر می‌دهند و مناسک عبادی خاصی را انجام می‌دهند، شکوه و عظمت اسلام را به رخ جهانیان می‌کشند و سبب تقویت دین می‌شود. در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وقتی مسلمانان حج به جا می‌آوردند، مشرکان می‌گفتند: «اصحاب محمد [ص] فراوان و نیرومند هستند، و گر نه حج به جا نمی‌آوردند»؛ زیرا لشکر ضعیف از به جا آوردن حج از مکان دور عاجز است.^۱

پیروی از اهل بیت علیهم السلام

یکی از فرائض دیگری که حضرت زهرا علیها السلام در خطبه خود برمی‌شمارد، فریضه اطاعت از اهل بیت علیهم السلام است. تعبیر حضرت چنین است: «وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمَلَّةِ، وَ إِمَامَتَنَا لَمَّا لِلْفُرْقَةِ؛ خداوند اطاعت ما را مایه نظام دین و امامت ما را مایه جمع شدن از تفرقه قرار داد». در این عبارت شریف نیز حضرت زهرا علیها السلام اولاً بیان می‌کند که اطاعت از اهل بیت علیهم السلام، فریضه الهی است؛ زیرا در قرآن کریم بعد از امر به اطاعت خدا و رسول صلی الله علیه و آله، به اطاعت از اولی الامر شده است^۲ و اولی الامر، کسی جز ائمه اهل بیت علیهم السلام نیست.^۳ ثانیاً فایده اطاعت از ائمه علیهم السلام، پیدایش نظم در دین و اتحاد امت اسلام است. امام همچون رشته تسبیحی است که دانه‌های تسبیح را جمع می‌کند و اگر نباشد، هر مهره‌ای به سویی پراکنده می‌شود. اگر از رهبران الهی پیروی نشود، بدون شک جامعه دچار تفرقه و تشتت خواهد شد. متأسفانه به

۱. عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۱۹، ص ۸۷.

۲. نساء: ۵۹.

۳. ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۸۷.

سبب تمرد از ائمه علیهم السلام و سرپیچی از اوامر آنان و شکستن بیعت با ائمه علیهم السلام، امت اسلام از همان ابتدا دچار تفرقه و تشتت آرا شد و با گذشت زمان نیز این تفرقه و اختلاف در میان امت نه تنها کمتر نشد؛ بلکه بیشتر شد. بنابراین برای حفظ وحدت حقیقی اسلامی و حفظ نظام اسلامی، چاره‌ای جز روی آوردن به اهل بیت علیهم السلام و پیروی از آنان نیست. حضرت زهرا علیها السلام در ادامه خطبه نیز بیش از ۱۵ مورد دیگر از فرایض الهی را برمی‌شمارد و علت تشریح آن‌ها را ذکر می‌کند که مجال شرح آن‌ها نیست.

فهرست منابع

۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله، شرح نهج البلاغة، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ اول، قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن‌اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، تحقیق: محمود محمد طناحی و طاهر احمد زاوی، چاپ چهارم، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش.
۳. ابن‌طیفور، احمد بن ابی‌طاهر، بلاغات النساء، چاپ اول، قم: شریف رضی، بی‌تا.
۴. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، چاپ اول، قم: دار الحدیث، ۱۴۱۹ق.
۵. جوهری بصری، احمد بن عبد‌لعزیز، السقیفة و فدک، تهران: مکتبه نینوی الحدیثه، ۱۴۰۱ق.
۶. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق محمدباقر محمودی، چاپ اول، تهران: مجمع‌احیاء الثقافة الإسلامية التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي، ۱۴۱۱ق.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ق.
۸. صدوق، محمد بن علی، علل الشرائع، چاپ اول، قم: کتاب‌فروشی داوری، ۱۳۸۵ش.
۹. _____ کتاب من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، تحقیق مؤسسة البعثة، چاپ اول، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۱۲. طبری آملی، محمد بن جریر، دلائل الإمامة، تحقیق قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة

- البعثة، چاپ اول، قم: بعثت، ۱۴۱۳ق.
۱۳. فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، چاپ اول، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۶ق.
۱۴. کراجکی، محمد بن علی، الرسالة العلویة فی فضل أمير المؤمنين علیه السلام علی سائر البریة، چاپ اول، قم: دلیل ما، ۱۴۲۷ق.
۱۵. مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح، شرح فروع الکافی، چاپ اول، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹ق.
۱۶. مجلسی، محمد تقی، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، تحقیق: حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهاردی، چاپ دوم، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، ۱۴۰۶ق.

فاطمه زهرا علیها السلام از منظر رسول اعظم صلی الله علیه و آله

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری *

مقدمه

برای شناخت شخصیت‌ها، روش و راه‌های متعدد وجود دارد. یکی از این روش‌ها، شناخت ابعاد یک شخصیت از منظر شخصیتی الهی است. بر این اساس شناخت فاطمه زهرا علیها السلام از منظر رسول اعظم صلی الله علیه و آله، یکی از بهترین گزینه‌ها برای شناخت ایشان است. بی‌تردید فاطمه زهرا علیها السلام در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله، جایگاه سترگ و خاص دارد و این امر در رفتار و گفتار با واژگانی همچون «ام ایها»، «نور چشم» و «پاره تن من» نمود پیدا نموده است. برای مثال رسول خدا صلی الله علیه و آله در سخنی بزرگ بانوی دو عالم را این‌گونه معرفی کرده است: «وَأَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَأَنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولِيِّينَ وَالْآخِرِينَ وَ هِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي وَ هِيَ نُورٌ عَيْنِي وَ هِيَ ثَمَرَةٌ فُؤَادِي وَ هِيَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبِي وَ هِيَ الْحُورَاءُ الْإِنْسِيَّةُ»^۱ دخترم فاطمه، سرور زنان جهان از آغاز تا پایان است. او پاره‌ای از تنم، نور چشمم، میوه دلم، روح و جانم و حوریه‌ای به صورت انسان است». امام خمینی رحمته الله علیه در باره شخصیت آن بانوی بزرگوار می‌فرماید:

تمام ابعادی که برای زن متصور است و برای یک انسان متصور است، در فاطمه زهرا علیها السلام جلوه کرده بود. یک زن معمولی نبوده است. یک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنا انسان، تمام نسخه انسانیت، تمام حقیقت زن، تمام حقیقت انسان... او موجود ملکوتی است که در عالم به صورت انسان ظاهر شده است؛ بلکه موجود الهی جبروتی در صورت یک زن ظاهر شده است...^۲

* کارشناس علمی گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی.

۱. محمد بن علی صدوق، الامالی، ص ۱۱۳.

۲. سید روح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۳۷.

عالم صدف است و فاطمه گوهر اوست گیتی عرض است و این گوهر جوهر اوست
در قدر و شرفش همین بس که ز خلق احمد پدر است و مرتضی شوهر اوست^۱
در این مقاله برخی عبارتهای خاصی که در گفتار رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام به کار رفته است و نیز برخی رفتارهای شاخص رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با آن حضرت، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. محبوب‌ترین مردم

یکی از عرصه‌های مهمی شناخت شخصیت حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام، محبت رسول اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به ساحت مقدس آن بانوی بزرگ است. از عایشه سؤال شد: «محبوب‌ترین مردم نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چه کسی است؟». گفت: «فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام». سپس سؤال شد: «محبوب‌ترین مردان چه کسی بود؟». گفت: «شوهرش، علی عَلَيْهِ السَّلَام». ^۲ در روایتی درباره محبت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام آمده است: «مَا كَانَ أَحَدٌ مِنَ الرِّجَالِ أَحَبَّ إِلَيَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَام وَلَا مِنَ النِّسَاءِ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَام؛ ^۳ احدی از مردان نزد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ محبوب‌تر از امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَام نبود و نه از زنان، محبوب‌تر از فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام».

علاقه‌مندی خاص پدران نسبت به دختران‌شان، امری طبیعی است. رسول اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز دخترش را به نوع خاصی دوست داشت، اما این علاقه تنها به خاطر رابطه پدری و فرزندی نبود؛ اگر چه این عاطفه در پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ موج می‌زد، اما تعبیرات و سخنانی که آن حضرت هنگام اظهار علاقه نسبت به دخترش فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام بیان می‌کرد، بیانگر دخیل بودن عوامل دیگری غیر از محبت پدری و فرزندی در ادای این کلمات و عبارات است. شاید منشأ این محبت را بتوان شناخت عمیق رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام دانست. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به خوبی می‌دانست که حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام مرکز نیروی ولایت و مادر امامان و پیشوایان دین و خیر کثیر است. اگر وجود آن بزرگوار نبود، نبوت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ولایت ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام آشکار نمی‌شد. در واقع پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در بهره‌گیری از این واژگان و عبارات در اظهار علاقه، از خداوند متعال متابعت می‌کرد و گویی

۱. احمد زمانی، فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام چشمه جوشان هستی، ص ۱۶۱.

۲. نعمان بن محمد ابن حیون مغربی، شرح الأخبار، ج ۱، ص ۴۱.

۳. محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام، ج ۳، ص ۳۳۲؛ یوسف بن عبدالله قرطبی، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۴، ص ۱۸۹۴.

وظیفه داشت موضع قرآن را بیان، و مردم را با این موضع گیری آشنا کند؛ چنانکه وقتی آیات تطهیر، مباحله، هل اتی و... در شأن صدیقه طاهره علیها السلام نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله خود را موظف می دانست که این آیات را برای مردم تفسیر کند؛ از همین روست که محبت به اهل بیت علیهم السلام (از جمله حضرت فاطمه زهرا علیها السلام) به عنوان وظیفه امت مطرح شده است: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى؛^۱ من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم، جز دوست داشتن نزدیکانم [اهل بیتم]».

۲. محور اهل بیت علیهم السلام

بی تردید تمامی اهل بیت علیهم السلام، نور واحد، و نزد خداوند از جایگاه بلندی برخوردار هستند، اما در این میان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نزد خداوند از مقام ویژه ای برخوردار است؛ زیرا در بیشتر دعاها یا متون معرفی اهل بیت علیهم السلام، حضرت صدیقه طاهره علیها السلام محور قرار گرفته است؛ چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

فَاطِمَةُ علیها السلام مُهَجَّتْ قَلْبِي وَ ابْنَاهَا ثَمَرَةُ فُوَادِي وَ بَعْلُهَا نُورُ بَصْرِي وَ الْأَيْمَةُ مِنْ وُلْدِهَا أُمَّتَاءُ رَبِّي وَ حَبْلٌ مَفْدُودٌ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَلْقِهِ مِنْ اغْتَضَمَ بِهِمْ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُمْ هَوَى؛^۲ فاطمه علیها السلام، جان من است و دو پسرانش، میوه دل من هستند و شوهرش، نور چشم من است و امامان از فرزندانش، امینان پروردگار من هستند که ریسمانی کشیده شده میان او و خلائقش می باشند. کسی که به آنان چنگ بزند و تمسک جوید، نجات می یابد و کسی که از آنان تخلف ورزد و اعراض کند، در دره هلاکت سقوط می کند.

در کلام رسول اکرم صلی الله علیه و آله، ارجاع سه ضمیر مفرد مؤنث (ها) وجود دارد که مرجع آن ها، حضرت صدیقه طاهره علیها السلام و بیانگر این مطلب است که در میان پنج تن علیهم السلام، فاطمه علیها السلام محور است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می توانست خود را محور قرار دهد، اما این تعبیرات و چینش ها دارای نکات ژرف و بیانگر این مسئله مهم و اساسی است که فاطمه علیها السلام محور اصلی در معرفی اهل بیت علیهم السلام است؛ پیامبر صلی الله علیه و آله، پدر آن بانو و علی علیه السلام شوهر آن حضرت و حسن و حسین علیهم السلام، دو فرزند آن مخدیره معرفی شده اند.^۳

۱. شوری: ۲۳.

۲. حسن بن یوسف حلی، نهج الحق و کشف الصدق، ص ۲۲۷.

۳. احمد زمانی، فاطمه علیها السلام چشمه جوشان هستی، ص ۱۴۰.

۳. برترین تکریم و احترام

تکریم و احترام به کرامت انسانی، امر عقلانی و شرعی است. از این رو انسان‌ها در روابط اجتماعی به انسان‌های دیگر احترام می‌گذارند و آنان را تکریم می‌کنند. نحوه و مرتبه تکریم، متفاوت است. رسول اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با توجه به شخصیت والای حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام، وی را تکریم و احترام می‌نمود و این مسئله نشانگر ارج و قرب حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام نزد رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است؛ زیرا پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به گونه‌ای حضرت فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام را تکریم می‌نمود که تعجب دیگران را بر می‌انگیخت؛ یعنی رفتار حضرت با آن بانوی بزرگوار فراتر از تکریم و برخورد‌های عادی بود و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عمیق‌ترین احساسات پدرانانه خویش را تقدیم دخترش می‌نمود و در منبر و محراب، نماز و دعا و مناجات، مکه و مدینه، داخل شهر و خارج آن، در هر کوی و برزن، در برابر آشنا و غریبه و در هر محفل و مجلسی، دختر گرامی‌اش را تکریم می‌کرد. از عایشه نقل شده است:

أَنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَام كَانَتْ إِذَا دَخَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَامَ لَهَا مِنْ مَجْلِسِهِ وَ قَبَّلَ رَأْسَهَا وَ أَجْلَسَهَا مَجْلِسَهُ وَ إِذَا جَاءَ إِلَيْهَا لَقِيَتْهُ وَ قَبَّلَ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا صَاحِبَةً وَ جَلَسَا مَعًا؛^۱ هر گاه فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام به حضور پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌آمد، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به احترام او می‌ایستاد و سرش را می‌بوسید و او را در جای خود می‌نشاند، و هر گاه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به دیدار فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام می‌رفت، حضرت به استقبال رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌شتافت و هر يك دیگری را می‌بوسید و با هم می‌نشستند.

در حدیث دیگری چنین آمده است: «پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنان مشتاق فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام بود که هر گاه به سفر می‌رفت، آخرین کسی را که با او وداع می‌کرد؛ حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام بود. هنگامی که از سفر نیز باز می‌گشت، نخستین کسی را که به دیدنش می‌شتافت؛ فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام بود».^۲

۴. برترین عبادت

یکی از زیباترین جلوه‌های روحی حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام، جلوه عبادت اوست که مصداق آیه: «إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا»^۳ می‌باشد. فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام، بانوی سحرخیز و شب‌زنده‌داری است که شب خود را با قیام و یاد خدا و تلاوت آیات به صبح می‌رساند. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این

۱. فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۱۵۲.

۲. مرتضی فیروزآبادی، فضایل الخمسه، ج ۳، ص ۱۳۲.

۳. انسان: ۱۰: «ما از پروردگارانمان خائفیم در آن روزی که عبوس و سخت است»

باره فرموده است:

(دخترم) فاطمه عليها السلام، هر گاه در محراب خود در برابر پروردگارش جل جلاله بایستد، نورش برای فرشتگان آسمان می درخشد؛ چنانکه نور ستارگان برای زمینیان می درخشد و خداوند عزوجل به فرشتگانش می فرماید: «ای فرشتگان من! به کنیز من فاطمه بنگرید. بانوی کنیزان من در برابر من ایستاده است و گوشت تنش از بیم من می لرزد. او با دل خویش به عبادت من روی آورده است. شما را گواه می گیرم که شیعیان او را از آتش ایمن کردم.^۱

حضرت فاطمه عليها السلام رابطه انس خود با خدا و عبادت و نیایش با تمام وجود را مهربون تربیت پیامبر صلى الله عليه وآله است. آن حضرت در خانه‌ای به دنیا آمد که همواره در آن خداند پرستش می شد. از خردسالی بانگ آسمانی تکبیر را می شنید و زمزمه‌های مناجات مادر و پدر را استماع می کرد. آن گاه که مادر را از دست داد، پدری بسان مادر او را در برگرفت و به تربیت او همت گماشت؛ همان پدری که ثلث آخر شب در حال احیا و عبادت بود و فاطمه عليها السلام خردسال گاهی تماشاگر پدر در عبادت بود و زمانی همپای پدر در عبادت می شد. طبیعی است در این بیداری و همگامی، با خلوت شب و روح سحر انس و آشنایی یافت. از سوی دیگر او توصیه‌های پدر را به یاد داشت که می فرمود: «جامه خوف از خدا را بر خود بپوشانید و آخرت خود را برای وجودتان آماده سازید و کوشش تان برای محل جاوید و مستقرتان باشد».^۲

حضرت زهرا عليها السلام در عبادت تا جایی پیش می رود که نوعی انقطاع الی الله برای او پدید می آید و در یکی از مناجات خود به خداوند عرض می کند: «وَأَلْهَمْنِي طَاعَتَكَ وَالْعَمَلَ بِمَا يُؤْزِئُكَ وَالتَّجَنُّبَ لِمَا يُشْخِطُكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»^۳ خداوند! مرا به آنچه که روزی ام نموده‌ای، قانع ساز و تا هنگامی که باقی نگاه می داری، [عیب] مرا بپوشان و سلامت بدار و هنگامی که میراندی، مرا پیامرز و رحمت نمای».

۵. برترین زنان عالم

در میان اولیا و صالحان، زنانی بودند که در طول تاریخ بشر در راه توحید و اهداف الهی فداکاری‌های زیادی کردند و همواره نام آن‌ها بر تارک تاریخ بشر می درخشد. در روایات اسلامی از چهار بانوی بزرگوار و با شرافت به عنوان برترین زنان عالم و برترین زنان بهشت یاد شده است:

۱. عمادالدین محمد بن عبدالله طبری، بشارة المصطفى، ص ۱۹۹؛ محمد بن علی صدوق، الامالی، ص ۱۱۳.

۲. حسن بن محمد دیلمی، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۳۴۱.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۴۰۷.

چنانکه رسول خدا ﷺ فرموده است: «خَيْرُ نِسَاءِ الْجَنَّةِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُرَّاحِمٍ امْرَأَةٌ فِرْعَوْنُ؛^۱ برترین زنان بهشتی مریم دختر عمران، خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد ﷺ و آسیه دختر مزاحم (زن فرعون) هستند». آن حضرت در سخن دیگری فرموده است: «برترین زنان بهشتی مریم دختر عمران، خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد ﷺ و آسیه دختر مزاحم (زن فرعون) هستند». ^۲ قرآن نیز از آنان به عنوان زنان الگو یاد کرده است. اگر چه حضرت زهرا عليها السلام به عنوان انسان کامل و حجت خداوند بر بندگان، یکی از زنان برتر جهان معرفی شده است؛ با سه زن دیگر یاد شده در این روایات تفاوت‌هایی دارد که بیانگر برتری ایشان نسبت به این زنان است. در ذیل به دو مورد از این تفاوت‌ها اشاره می‌شود:

• آسیه عليها السلام، مریم عليها السلام و خدیجه عليها السلام الگوهای زنان عصر خود هستند؛ اما حضرت زهرا عليها السلام الگوی زنان همه عصرهاست؛ چنانکه رسول خدا ﷺ فرموده است: «وَأَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَإِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولَىٰ وَ الْآخِرِينَ؛^۳ فاطمه دختر من، برترین زنان از اولین تا آخرین آنهاست». همچنین آن حضرت خطاب به حضرت زهرا عليها السلام فرموده است: «يَا فَاطِمَةُ أَلَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ؛^۴ ای فاطمه! آیا راضی نیستی که تو برترین بانوی زنان جهان و بانوی زنان این امت و بانوی زنان با ایمان باشی؟».

• آسیه عليها السلام، مریم عليها السلام و خدیجه عليها السلام بیشتر در یک بُعد زندگی موفق و الگو بودند؛ چنانکه آسیه عليها السلام در دفاع از دین خدا و پیامبر الهی و مبارزه با ظلم و ستم فرعون فعالیت نمود^۵ و سرانجام در راه حق به شهادت رسید.^۶ حضرت مریم عليها السلام نیز به عنوان مظهر عفاف و پاکدامنی شهرت داشت؛ چنانکه قرآن از ایشان به عنوان مظهر پاکدامنی یاد کرده است: «وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؛^۷ (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان

۱. اسماعیل بن عمر ابن‌کثیر دمشقی، البداية و النهاية، ج ۸، ص ۹۳؛ محمد بن علی صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۲۰۷.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸، ص ۱۷۹.

۳. محمد بن علی صدوق، الأمالی، ص ۱۱۳.

۴. مرتضی فیروزآبادی، فضایل الخمسه، ج ۳، ص ۱۴۱؛ ر.ک: قاضی نورالله المرعشی التستری، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، ص ۲۹۴.

۵. محمد مهدی اشتهااردی، زنان مردافرین تاریخ، ص ۵۷.

۶. علی دوانی، زن در قرآن، ص ۴۵.

۷. آل عمران: ۴۲.

گفتند: ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان برتری داده است». از حضرت خدیجه عليها السلام نیز به عنوان الگوی انفاق و بخشش یاد شده است و این بُعد شخصیتی ایشان به گونه‌ای پر رنگ است که رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده است: «هیچ مالی به من سود نبخشید، آن گونه که ثروت خدیجه عليها السلام به من سود بخشید».^۱ این در حالی است که وجود مقدس حضرت زهرا عليها السلام، واجد همه کمالات انسانی و الهی است؛ از این رو از ایشان به عنوان حجت امامان معصوم عليها السلام یاد شده است. امام عسکری عليه السلام فرموده است: «نحن حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ وَالْفَاطِمَةُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْنَا»^۲ ما حجت خدا بر مردم هستیم، اما فاطمه عليها السلام حجت خدا بر ماست». قرآن در آیه ۶۱ آل عمران و در جریان مباحله از وجود مقدس زهرا عليها السلام به عنوان «نساءنا» یاد کرده است^۳ که جایگاه آن حضرت را نشان می‌دهد. در آیه ۸ سوره انسان نیز به ایثار خانواده حضرت فاطمه زهرا عليها السلام اشاره و ایثار خانواده حضرت به نمایش گذاشته شده است. در روایات به دیگر ابعاد شخصیت صدیقه طاهره عليها السلام اشاره شده است که برتری ایشان به همه زنان برتر عالم را نشان می‌دهد؛ چنانکه رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده است: «إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي وَ هِيَ نُورٌ عَيْنِي وَ تَمْرَةٌ فُؤَادِي سَوْوَنِي مَا سَاءَهَا وَ يَسُرُّنِي مَا سَرَّهَا وَ إِنَّهَا أَوْلُ مَنْ يَلْحَقُنِي مِنْ أَهْلِ»؛ فاطمه پاره تن من و روشنی دیده و میوه دل من است. آنچه او را ناراحت کند، مرا ناراحت می‌کند و آنچه شادش کند، مرا شاد می‌کند. او نخستین کس از اهل بیت من است که به من می‌پیوندد».

۶. عصمت و پاکدامنی

یکی از فضایل حضرت زهرا عليها السلام، عصمت آن حضرت است. هنگامی که از عصمت و چرایی آن سخن به میان می‌آید، عصمت انبیا و امامان عليهم السلام به ذهن متبادر می‌شود؛ زیرا انبیا و ائمه عليهم السلام باید معصوم باشند تا در گفتار، رفتار و تبیین دین خطا نکنند، اما حضرت فاطمه عليها السلام نه پیامبر و نه امام است؛ در عین حال معصوم است و این مسئله، نقطه عطف و اوج طهارت عظمت و جایگاه وجود مقدس حضرت زهرا عليها السلام است؛ زیرا حضرت بدون سمت نبوت و امامت، معصوم است. آیات و روایات متعددی بر عصمت اهل بیت حضرت زهرا عليها السلام دلالت دارد که از جمله آن‌ها

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۶۳.

۲. عبدالحسین طیب، تفسیر اُطیب البیان، ج ۱۳، ص ۲۳۶.

۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۷۶۴.

۴. محمد بن احمد فتال النیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۳۴۵.

می توان به آیه تطهیر اشاره کرد: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^۱ خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد».

واژه «رجس» به معنی شیء ناپاک است، خواه ناپاک از نظر طبع آدمی باشد یا به حکم عقل یا شرع و یا هر دو. تفسیر «رجس» به معنی «گناه»، «شُرک»، «بخل و حسد»، «اعتقاد باطل» و مانند آن، در حقیقت بیان مصداق‌هایی از آن است؛ و گرنه مفهوم این کلمه، مفهومی عام و فراگیر است و همه انواع پلیدی‌ها را به حکم اینکه الف و لام در اینجا به اصطلاح «الف و لام جنس» است، شامل می شود. «تطهیر» به معنی پاک ساختن و در حقیقت تأکید بر مسئله «اذهاب رجس» و نفی پلیدی‌هاست و ذکر آن به صورت «مفعول مطلق» در اینجا نیز تأکید دیگری بر این معنی محسوب می شود.^۲ مفسران شیعی و برخی عالمان اهل سنت، این آیه را درباره اهل کسا (محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام، علی، حسن و حسین عَلَيْهِمُ السَّلَام) دانسته‌اند.^۳ پس از نزول آیه تطهیر، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که در خانه ام سلمه بود، علی عَلَيْهِ السَّلَام، فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام و حسنین عَلَيْهِمُ السَّلَام را نزد خود خواند و عباي خویش را روی آن‌ها کشید و فرمود: «اللَّهُمَّ هُوَ لَاءِ أَهْلِ بَيْتِي، فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا»^۴ خدایا! اینان اهل بیت من هستند، پس هر گونه پلیدی را از آن‌ها دور کن و کاملاً پاکشان گردان».

بنابراین حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام، جزو اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام است و خداوند آن حضرت را از هر گونه پلیدی و گناه دور کرده است. روایات متعددی درباره عصمت حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام وجود دارد که تنها به یک روایت اشاره می شود. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره دختر گرامی اش فرموده است: «أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَغْضَبُ لِعُضْبِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَام، وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا»^۵ همانا خداوند بلند مرتبه با غضب فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام غضبناک و با رضایت او خشنود می شود». نکته درخور توجه درباره این روایت، آن است که رضایت و نارضایتی فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام، محور خشنودی و ناخشنودی خداوند خوانده شده است. تفسیر این حقیقت، چیزی جز عصمت آن حضرت نیست. خداوند جز به اعمال صالح خشنود

۱. احزاب: ۳۳.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۹۳؛ ر.ک: سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۳۱۰.

۳. علی بن محمد ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه، ج ۱، ص ۱۱۳.

۴. علی بن محمد ابن اثیر جزری، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۱، ص ۴۹۰.

۵. محمد بن حسن طوسی، الأمالی، ص ۴۲۸.

نمی‌شود و هیچ‌گاه به گناه و سرپیچی از فرمانش رضایت نمی‌دهد. اگر حضرت زهرا عليها السلام به گناه آلوده می‌شد یا حتی فکر آن را در سر می‌پروراند، به چیزی خشنود شده بود که خدا از آن خشنود نیست.

فهرست منابع

۱. ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفة الصحابه، چاپ اول، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
۲. ابن حیون مغربی، نعمان بن محمد، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ ق.
۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابیطالب عليهم السلام، چاپ اول، قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.
۴. ابن صباغ مالکی، علی بن محمد، الفصول المهمه فی تعريف الأئمة عليهم السلام، تحقیق: سامی الغریری، قم: دارالحديث، ۱۴۲۲ ق.
۵. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، البداية و النهاية، بیروت: دارالفکر، [بی تا].
۶. اشتهازی، محمد مهدی، زنان مرد آفرین تاریخ، تهران: دفتر نشر اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۷. حلی، حسن بن یوسف، نهج الحق و كشف الصدق، چاپ اول، بیروت: دار الکتب اللبنانی، ۱۹۸۲ م.
۸. دیلمی، حسن بن محمد، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، تصحیح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ ق.
۹. دوانی، علی، زن در قرآن،
۱۰. زمانی، احمد، فاطمه عليها السلام چشمه جوشان هستی، قم: بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۹۹ ش.
۱۱. شوشتری، نورالله، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، قم: مکتبه آیه الله المرعشی العامه، ۱۴۰۴ ق.
۱۲. صدوق، محمد بن علی، الأمالی، چاپ ششم، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۱۳. _____، النخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.

۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، چاپ سوم، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۰ق.
۱۶. _____، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح: فضل الله یزدی طباطبائی، چاپ سوم، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۷. طبری آملی، عمادالدین محمد بن ابی القاسم، بشارة المصطفی لشیعة المرتضی، چاپ دوم، نجف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۳ق.
۱۸. طیب، عبدالحسین، تفسیر أئیب البیان، تهران: اسلام، چاپ دوم، ۱۳۶۹ش.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، الامالی، چاپ اول، قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
۲۰. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، چاپ اول، قم: انتشارات رضی، ۱۳۷۵ش.
۲۱. فیروزآبادی، سید مرتضی، فضائل الخمسة من الصحاح الستة، چاپ دوم، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۲ق.
۲۲. قرطبی، یوسف بن عبدالله، الاستعاب فی معرفه الصحاب، چاپ چهارم، بیروت: دارالجمیل، ۱۴۱۲ق.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تحقیق جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۲۵. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸ش.

مروری بر وصیت‌نامه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

حجت‌الاسلام والمسلمین حسن عاشوری لنگرودی**

مقدمه

واژه «وصیت» در آیات قرآنی و روایات اهل بیت علیهم السلام در دو معنا به کار رفته است. معنای اول در معنای اخلاقی که به معنای سفارش و موعظه است؛ مانند این آیه شریفه که می‌فرماید: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ وَلا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^۱ این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید و از راه‌های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید که شما را از طریق حق دور می‌کند. این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند شاید پرهیزگاری پیشه کنید». در معنای دوم، معنای فقهی است که عبارت است از سفارش فردی به وصی خودش برای رسیدگی به اموال و کارهای باقی مانده بعد از مرگ.^۲ به عبارتی، وصیت آن است که انسان سفارش کند بعد از مرگش کارهایی را انجام دهند؛ مانند وصیت‌هایی که برای کفن و دفن و مراسم دیگر می‌کنند یا بگویند بعد از مرگش چیزی از اموال او، ملک کسی باشد یا برای اولاد او قیم و سرپرستی معین کند. وصیت (به معنای فقهی) مستحب است و گاهی واجب می‌شود؛ برای مثال شخصی که حق‌الله یا حق‌الناس بر ذمه‌اش است و فرصت نکرده است تا آن را ادا کند یا عبادات واجبی مانند حج، روزه و نماز از او فوت شده است، باید وصیت کند تا بعد از وفاتش آن دین و حقوق را ادا کنند.^۳ قرآن کریم می‌فرماید: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا أَحْضَرَ

** عضو هیأت علمی دانشگاه خوارزمی.

۱. انعام: ۱۵۳.

۲. سید عبدالحسین طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۱۹، ذیل آیه ۱۸۰ سوره بقره.

۳. ر.ک: رساله عملیه مراجع تقلید، مسائل مربوط به وصیت.

أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ^۱؛ بر شما مقرر شده است که چون یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر مالی بر جای گذارد؛ برای پدر و مادر و خویشاوندان [خود] به طور پسندیده وصیت کند. [این کار] حقی است بر پرهیزگاران». در این نوشتار که سخن از وصیت نامه الهی - سیاسی حضرت فاطمه علیها السلام است،^۲ افزون بر وصیت مصطلح و فقهی، وصیت به معنای اخلاقی یعنی سفارش و موعظه نیز دنبال می شود.

وصایای حضرت فاطمه علیها السلام

از احادیث و اخبار اهل بیت علیهم السلام و راویان اهل سنت چنین بر می آید که وصیت نامه های حضرت فاطمه علیها السلام به صورت مکتوب و شفاهی، ناظر به امور مالی و امور الهی و سیاسی بود.

۱. وصیت نامه ناظر به امور مالی

حضرت فاطمه علیها السلام در روزهای پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره اموال موقوفه و شخصی خویش وصایایی داشت و بسیاری از اموالی را که از رسول خدا صلی الله علیه و آله به وی رسیده بود، مکتوب وصیت نمود که آن ها را در راه خدا وقف نموده است؛ از جمله:

۱/۱. حوائط سبعة برای امام علی علیه السلام و دیگر امامان علیهم السلام

حوائط سبعة، باغ های هفت گانه ای بود که اطراف آن دیوار کشیده شده بود. هفت مزرعه معروف متعلق به شخص یهودی به نام مُخیریق بود که آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله بخشیده بود^۳ و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز آن ها را در زمان حیات خود در اختیار حضرت فاطمه علیها السلام قرار داده بود [وقف فاطمه علیها السلام کرده بود].^۴ حضرت فاطمه علیها السلام مکتوب وصیت نمود که عایدی این باغ های هفت گانه برای امامان اهل بیت علیهم السلام باشد.

ابوبصیر می گوید: حضرت ابوجعفر امام باقر علیه السلام فرمود: «أَلَا أَقْرَبُكَ وَصِيَّةَ فَاطِمَةَ؟» آیا وصایای فاطمه علیها السلام را به تو بگویم؟». عرض کردم: آری. آن گاه حضرت بسته ای را بیرون آورد و از درون

۱. بقره: ۲۸۰.

۲. درباره وصیت نامه حضرت زهرا علیها السلام مقاله دیگری با عنوان «وصایای حضرت فاطمه علیها السلام» از آقای رجبعلی زمانی در مجله فرهنگ کوثر شماره ۶۹، قبلاً منتشر شده است که از جهت حجم و تنوع منابع و... با این مقاله تفاوت دارد.

۳. نورالدین علی بن احمد سمهودی، وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی، ج ۳، ص ۸۲۵ و ۹۹۰؛ حماد بن زید البغدادی، تركة النبی صلی الله علیه و آله، ص ۷۸.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۴۷ و ۴۸؛ عبدالله بن جعفر حمیری، قرب الاسناد، ص ۳۶۳.

آن نوشته‌ای را نشان داد و آن را به این صورت قرائت نکرد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا أَوْصَتْ بِهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوْصَتْ بِحَوَائِطِهَا السَّبْعَةِ الْعَوَافِ وَالذَّلَالِ وَالْبُرْقَةِ وَالْمَبِيتِ وَالْحَسَنِي وَالصَّافِيَةِ وَمَا لِأُمِّ إِبْرَاهِيمَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَام فَإِنْ مَضَى عَلِيٌّ فَإِلَى الْحَسَنِ فَإِنْ مَضَى الْحَسَنُ فَإِلَى الْحُسَيْنِ فَإِنْ مَضَى الْحُسَيْنُ فَإِلَى الْأَكْبَرِ مِنْ وُلْدِي شَهِدَ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ وَالْمُقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَالزُّبَيْرُ بْنُ الْعَوَّامِ وَكَتَبَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَام؛ این چیزی است که فاطمه دختر محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به آن وصیت کرده است. او به علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام وصیت کرد باغ‌های هفت‌گانه عواف، دلال، برقه، مبیث، حسنی، صافی و آنچه برای ام‌ابراهیم است؛ بعد از علی (حدائق هفت‌گانه) به [امام] حسن و بعد از او به [امام] حسین و بعد از حسین، به بزرگ‌ترین فرزندانم [خواهد رسید] و خداوند و مقداد بن اسود و زبیر بن عوام بر این امر گواهند و علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام آن را مکتوب کرد.

۱/۲. مقررری برای همسران پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و نیازمندان بنی هاشم

از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است که حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام برای برخی از املاکش این وصیت‌نامه را مکتوب نمود و تولیت آن را به امام علی عَلَيْهِ السَّلَام واگذار کرد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا كَتَبْتُ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ فِي مَالِهَا إِنْ حَدَثَ بِهَا حَادِثٌ تَصَدَّقْتُ بِثَمَانِينَ أَوْ قِيَّةً تُنْفَقُ عَنْهَا مِنْ ثِمَارِهَا الَّتِي لَهَا كُلُّ عَامٍ فِي كُلِّ رَجَبٍ بَعْدَ نَفَقَةِ السَّقِيِّ وَ نَفَقَةِ الْمَغْلِ [الْعَمَلِ] وَ أَنَّهَا أَنْفَقَتْ أَثْمَارَهَا الْعَامَ وَ أَثْمَارَ الْقَمَحِ عَامًا قَابِلًا فِي أَوَانِ غَلَّتِهَا وَ أَتَمَّا أَمْرَتْ لِنِسَاءِ مُحَمَّدٍ أَبِيهَا خَمْسَ [خَفْسًا] وَ أَرْبَعِينَ أَوْ قِيَّةً وَ أَمْرَتْ لِفُقَرَاءِ بَنِي هَاشِمٍ وَ بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ بِخَمْسِينَ أَوْ قِيَّةً...؛^۲ این [وصیت] نامه‌ای است که فاطمه دختر محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره مالش نوشته است. اگر حادثه‌ای برای او پیش آمد و از دنیا رفت، هشت اوقیه^۳ از آن‌ها را صدقه [وقف] قرار داد که از فایده و محصول آن هر سال بعد از هزینه آبیاری و هزینه‌های دیگر انفاق شود... و مقرر داشت که چهل و پنج اوقیه برای

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۴۸؛ نعمان بن محمد ابن حیون مغربی، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۳۴۴؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۳۵؛ محمد بن حسن طوسی، التهذیب، ج ۹، ص ۱۴۴ و ۱۴۵.

۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۸۴ و ۱۸۵.

۳. اوقیه معادل چهل درهم است. محمد بن مکرّم ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۴۰۴.

زنان پدرش، محمد علیه السلام و پنجاه اوقیه برای فقرا و نیازمندان بنی هاشم و بنی عبدالمطلب باشد ...

۱/۳. مقرری برای افراد خاص

امام علی علیه السلام از حضرت فاطمه علیها السلام خواست تولیت مالش را با اموال رسول خدا صلی الله علیه و آله جمع نماید و او تا زمانی که زنده است، متولی آن اموال باشد و اگر حادثه‌ای برای او رخ داد؛ آن را به دو فرزندش حسن و حسین علیهما السلام واگذار نماید تا آن دو متولی آن باشند و حضرت فاطمه علیها السلام در آن وصیت‌نامه مرقوم داشت:

من آن را به علی بن ابی طالب علیه السلام دادم؛ همان‌گونه که در آن اموال به او اجازه دادم، پس مال من [و نیز] مال محمد صلی الله علیه و آله را بدون اینکه از آن چیزی جدا سازم [در اختیارش قرار دادم تا] از محصول مال، آن طوری که من سفارش نمودم و آن مقدار که صدقه قرار دادم، پیردازد. پس اگر صدقه آن اموال و آنچه من به آن دستور دادم، قضای خداوند بر آن واقع شد [و حادثه‌ای پیش آمد، همچون خشکسالی و ...] پس اختیار آن به دست علی علیه السلام است که هر گونه بخواهد، صدقه دهد و هر گونه بخواهد، انفاق نماید و بر او حرجی نیست؛ و اگر برای علی علیه السلام حادثه‌ای پیش آمد، تمام اموال و مال محمد صلی الله علیه و آله را به فرزندانم حسن و حسین علیهما السلام واگذار نماید و آن دو نیز هر گونه که خواستند، انفاق و تصدق نمایند و بر آن‌ها حرجی نیست؛ و برای دختر جنذب (ابوذر غفاری) آن صندوق کوچک و مقداری از مال و اثاثیه را قرار دادم ... و پوشش‌های زنانه را به یکی از دو دخترم و علی علیه السلام واگذار نمودم. از آن پوشش‌ها اگر می‌خواهند تا زمانی که ازدواج نکرده‌اند، استفاده نمایند؛ و این نامه‌ای است که فاطمه در باب مال خود مرقوم داشت و به آن حکم نمود و خدا بر آن گواه است. مقداد بن اسود و زبیر بن عوام و علی بن ابی طالب [نیز بر آن گواهند و] آن را نوشتند.^۱

در روایت دیگری ابوجریح از امام باقر علیه السلام از پدرانش علیهما السلام نقل کرده است که فرمود: «فاطمه علیها السلام برای هر کدام از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله دوازده اوقیه وصیت کرد و برای زنان بنی هاشم نیز همان مقدار و برای امامه، دختر ابوالعاص نیز مقداری وصیت نمود».^۲

از زید بن علی علیه السلام نقل شده است که حضرت فاطمه علیها السلام مال خود را بر بنی هاشم و بنی عبدالمطلب صدقه [وقف] قرار داد و علی علیه السلام هم همه اموال خود را برای ایشان وقف نمود و

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۸۴ و ۱۸۵.

۲. محمد بن حسن طوسی، التهذیب، ج ۹، ص ۱۴۴.

افراد دیگری را هم در زمره آنان قرار داد.^۱

۲. وصیت‌نامه ناظر به امور الهی و سیاسی

درباره امور ناظر به مباحث الهی و سیاسی حضرت زهرا علیها السلام دارای دو نوع وصیت‌نامه است؛ وصیت‌نامه مکتوب و وصیت زبانی.

۲/۱. وصیت مکتوب خطاب به علی علیه السلام

ابن عباس می‌گوید: هنگامی که حضرت فاطمه علیها السلام رحلت کرد ... امیر مؤمنان علی علیه السلام ... داخل خانه حضرت فاطمه علیها السلام شد ... آن‌گاه حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام صورت مبارک فاطمه علیها السلام را باز کرد، رقعته‌ای نزد سر آن حضرت یافت که در آن نوشته بود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا أُوصِيَتْ بِهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ [ص] أَوْصَتْ وَ هِيَ تَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ يَا عَلِيُّ أَنَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ زَوْجِنِي اللَّهُ مِنْكَ لِأَكُونَ لَكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ أَنْتَ أَوْلَى بِي مِنْ غَيْرِي حَنُّنِي وَ عَسَلْنِي وَ كَفَّنِي بِاللَّيْلِ وَ صَلَّى عَلَيَّ وَ أَذْفَنِي بِاللَّيْلِ وَ لَا تُغْلِمُ أَحَدًا وَ أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَ أَقْرَأُ عَلَى وُلْدِي السَّلَامَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛^۲ این وصیت‌نامه فاطمه دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم است: فاطمه شهادت می‌دهد که خدایی جز خدای یکتا نیست، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و پیامبر خداست. بهشت و دوزخ بر حق‌اند، قیامت خواهد آمد، در آن تردیدی نیست، خداوند همه افرادی را که در قبرها مدفونند، بر خواهد انگيخت. یا علی! من فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشم. خدا مرا در دنیا و آخرت برای تو تزویج نمود. یا علی! تو از دیگران برای (غسل و کفن) من مقدم هستی، شبانه مرا حنوط کن، غسل بده، بر بدنم نماز بگذار و دفنم کن، کسی را از مرگ من آگاه نکن، تو را به خداوند می‌سپارم و بر فرزندانم تا روز قیامت درود می‌فرستم.

۲/۲. وصیت شفاهی خطاب به علی علیه السلام

وصیت زبانی حضرت زهرا علیها السلام خطاب به امام علی علیه السلام و اسما بنت عمیس بود. حضرت فاطمه علیها السلام در وصیت‌نامه زبانی به حضرت علی علیه السلام بر موارد ذیل تاکید داشته است:

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۱۸؛ محمد بن جریر طبری، دلائل الامامه، ص ۴۲.

۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۱۴.

غسل، کفن، نماز و دفن را خودت به عهده بگیر و برایم قرآن و دعا بخوان

حضرت زهرا علیها السلام در واپسین لحظه‌های عمر خویش به امیر مؤمنان علیه السلام چنین وصیت کرد:

إِذَا أَنَا مِتُّ فَتَوَلَّيْنِي أَنْتَ غُسْلِي وَ جَهِّزْنِي وَ صَلِّ عَلَيَّ وَ أَنْزِلْنِي قَبْرِي وَ أَلْحِدْنِي وَ سَوِّ الثَّرَابَ عَلَيَّ وَ اجْلِسْ عِنْدَ رَأْسِي قِبَالَةَ وَجْهِي فَكُنْزٌ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَ الدُّعَاءِ فَإِنَّهَا سَاعَةٌ يَخْتِاجُ الْمَيِّتُ فِيهَا إِلَى النَّاسِ الْأَحْيَاءِ وَ أَنَا أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ تَعَالَى وَ أُوصِيكَ فِي وَ لَدِي خَيْرًا؛^۱ وقتی وفات کردم، غسل و کفن مرا بر عهده بگیر و بر من نماز بگذار و درون قبرم قرار بده و خاک را بر روی قبرم بریز؛ سپس هموار کن و بر بالینم روبه روی صورتم بنشین و زیاد قرآن بخوان و دعا کن؛ زیرا در چنین لحظه‌هایی مردگان به انس با زندگان نیاز دارند. من تو را به خدا می‌سپارم و درباره فرزندانم سفارش نیکوکاری دارم.

با امامه ازدواج کن

از وصایای دیگر حضرت زهرا علیها السلام به امام علی علیه السلام، توصیه به ازدواج با امامه دختر خواهر فاطمه علیها السلام بود که فرمود: «جَزَاكَ اللَّهُ عَنِّي خَيْرَ الْجَزَاءِ يَا ابْنَ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ! أُوصِيكَ أَوْلَا أَنْ تَتَزَوَّجَ بَعْدِي بِابْنَةِ أُخْتِي أَمَامَةَ فَإِنَّهَا تَكُونُ لُوَلَدِي مِثْلِي فَإِنَّ الرَّجَالَ لَا بُدَّ لَهُمْ مِنَ النِّسَاءِ؛^۲ ای پسرعموی پیامبر! خداوند تو را پاداش نیکو دهد! اولین وصیت من به تو این است که چون مردان به زنان نیاز دارند؛ پس از من با دختر خواهرم امامه ازدواج کن؛ زیرا او همانند من با فرزندانم مهربان است.»

مرا شبانه دفن کن و دیگران را آگاه مساز

حضرت زهرا علیها السلام در تداوم مبارزاتش و در دفاع از ولایت و امامت، به امام علی علیه السلام وصیت کرد: «أُوصِيكَ أَنْ لَا يَشْهَدَ أَحَدٌ جَنَازَتِي مِنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ ظَلَمُونِي وَ أَخَذُوا ... وَ اذْفُنِّي فِي اللَّيْلِ إِذَا هَدَأَتِ الْعُيُونُ وَ نَامَتِ الْأَبْصَارُ؛^۳ [ای علی] تو را وصیت می‌کنم هیچ یک از آنان که به من ظلم روا داشتند و حق مرا غصب کردند، نباید در تشییع جنازه من شرکت کنند؛ ... مرا شب دفن کن، آن هنگام که چشم‌ها آرام گرفته و دیده‌ها به خواب فرو رفته باشند.»

ماجرای دفن شبانه و مخفیانه حضرت زهرا علیها السلام هم در منابع اهل سنت و هم در منابع شیعه آمده

۱. همان، ج ۷۹، ص ۲۷.

۲. همان، ص ۱۹۲.

۳. همان، ص ۱۹۲.

است. محمد بن عبدالله از زهری نقل کرده است که او گفت: «فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب دفن شد و علی او را به خاک سپرد». ^۱ جابر از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که حضرت فرمود: «فاطمه علیها السلام شبانه مدفون شد». ^۲ یونس بن یزید از ابن شهاب نقل کرده است: «علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام را شبانه دفن نمود». ^۳ عروه از عایشه نقل کرده است: «علی شبانه جنازه فاطمه را دفن نمود». ^۴ ابن ابی الحدید نیز می‌نویسد: «حضرت زهرا علیها السلام وصیت کرد که [به جهت اعتراض از عملکرد برخی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله در باره اهل بیت آن حضرت] شبانه به خاک سپرده شود و آنان که بر وی ستم روا داشته‌اند، در تشییع جنازه‌اش حاضر نشوند و بر پیکرش نماز نخوانند». ^۵ در منابع شیعه نیز این مطلب به‌گونه‌ای نقل شده است که علامه مجلسی آن را در حد تواتر دانسته و گفته است: «روایات زیادی همانند خبر متواتر وارد شده است که حضرت فاطمه علیها السلام وصیت کرد شب به خاک سپرده شود». ^۶

قبرم را پنهان کن

طبق نقلی از امام صادق علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام در لحظه‌های آخر زندگی به امام علی علیه السلام چنین وصیت کرد:

إِذَا تَوَفَّيْتُ لَا تُعْلِمِ إِلَّا أُمَّ سَلَمَةَ وَ أُمَّ أَيْمَنَ وَ فِصَّةَ وَ مِنَ الرُّجَالِ أَبَتِي وَ الْعَبَّاسَ وَ سَلْمَانَ وَ عَمَّاراً وَ الْمُقَدَّادَ وَ أَبَا ذَرَّ وَ حَذِيفَةَ وَ لَا تُدْفِنِي إِلَّا لَيْلًا وَ لَا تُعْلِمِ قَبْرِي أَحَدًا؛ ^۷ بعد از مرگم به هیچ کس اطلاع نده، جز اینکه از زنان به ام سلمه، ام ایمن و فضا و از مردان به دو فرزندم [حسن و حسین]، عباس، سلمان، عمار، مقداد، ابوذر و حذیفه خبر بده. مرا دفن نکن، مگر در شب و قبر مرا به هیچ کس اطلاع نده تا مخفی بماند.

۲/۳. وصیت شفاهی خطاب به اسماء بنت عمیس

نقل شده است که حضرت فاطمه علیها السلام به اسماء وصیت کرد در غسل دادنش با امام علی علیه السلام

۱. محمد بن سعد کاتب واقدی، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۹.

۲. همان، ص ۲۹.

۳. همان.

۴. همان.

۵. عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۴.

۶. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۳۹۰.

۷. همان، ص ۲۰۸ و ۲۰۹.

مشارکت کند: «یا اسماء! إِذَا مِتُّ فَأَغْسِلْنِي أَنْتِ وَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ لَا تُدْخِلْنِي عَلَيَّ أَحَدًا؛^۱ ای اسماء! وقتی من از دنیا رفتم، تو و علی مرا غسل دهید و هیچ کس را در کنار جنازه من راه ندهید».

وصیت به تابوتی ویژه و پوشش روی بیکر

اسماء بنت عمیس می گوید: روزهای آخر زندگی حضرت فاطمه علیها السلام با او بودم. روزی مرا به یاد کیفیت حمل جنازه توسط مردم انداخت و نگرانی اش را ابراز نمود که چرا جنازه زن را روی تخته ای می گذارند و بالای دست مردان حمل می کنند؟ سپس فرمود: «إِنِّي قَدِ اشْتَبَيْتُ مَا يُصْنَعُ بِالنِّسَاءِ أَنْ يَطْرَحَ عَلَى الْمَرْأَةِ الثُّوبُ، فَيَصِفُّهَا لِمَنْ رَأَى فَلَا تَحْمِلْنِي عَلَيَّ سِرِيرٍ ظَاهِرٍ اسْتُرِينِي سَتَرَكَ اللَّهُ مِنَ النَّارِ؛^۲ من بسیار زشت می دانم که (جنازه) زنان را روی تخته بدون دیوار می گذارند و بر روی آن پارچه می افکنند؛ چرا که [حجم] بدن نمایان می شود. مرا بر روی تخته این چنینی نگذار و بدن مرا بپوشان که خدا تو را از آتش جهنم باز دارد».

اسماء می گوید: خدمت حضرت توضیح دادم که در سرزمین حبشه، تابوتی برای حمل جنازه ها درست می کنند که بدن میت را [با دیواره ای که دارد] می پوشاند. سپس شکل آن را ترسیم کردم. حضرت فاطمه علیها السلام که آن را دید، خوشحال شد و تبسم کرد. اسماء گوید: من از روزی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفته بود تا به آن روز تبسم بر لبان دختر پیامبر ندیده بودم.^۳ سپس حضرت فرمود: «اصْنَعِي لِي مِثْلَهُ اسْتُرِينِي، سَتَرَكَ اللَّهُ مِنَ النَّارِ؛^۴ برای من تابوتی مثل آن درست کن و مرا با آن بپوشان! خدا تو را از آتش دوزخ حفظ نماید».

این امر به خوبی نشان می دهد که حضرت به شدت نسبت به مسئله عفاف و حجاب حساس بود؛ آن هم بعد از شهادت و نسبت به جنازه خویش. این امر آن قدر برای او مهم بود که در کنار وصیت های اصلی باز به امام علی علیه السلام نیز وصیت ویژه نمود: «أَوْصِيكَ يَا ابْنَ عَمٍّ أَنْ تَتَّخِذَ لِي نَعْشًا فَقَدْ رَأَيْتُ الْمَلَائِكَةَ صَوَّرُوا صَوْرَتَهُ؛^۵ وصیت می کنم به شما ای پسر عمو که برای من

۱. سید مرتضی فیروز آبادی، فضائل الخمسة من الصحاح الستة، ج ۳، ص ۱۶۱؛ نورالدین علی بن احمد سمهوری، وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی، ج ۳، ص ۹۲.

۲. سید مرتضی فیروز آبادی، فضائل الخمسة من الصحاح الستة، ج ۳، ص ۱۶۱.

۳. نورالله تستری، احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۴۷۴؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۸۹ و ۲۱۳،

۴. محمد بن حسن حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۲۱.

۵. همان، ص ۲۲۱.

تابوتی درست کن؛ همان‌گونه که ملائکه شکل و قیافه آن را به من نشان داده‌اند». از ابن عباس نقل شده است حضرت فاطمه علیها السلام اول کسی بود که برای او تابوت قرار داده شد و اسماء بنت عمیس آن را برای او درست کرد.^۱

فهرست منابع

۱. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام، تصحیح آصف فیضی، قاهره: دار المعارف، ۱۹۶۳/۱۳۸۳ م.
۲. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، بیروت: دار احیاء اثار العربی، ۱۳۸۵ ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تصحیح جمال الدین میردامادی، چاپ سوم، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صار، ۱۴۱۴ ق.
۴. بغدادی اسماعیل بن حماد بن زید البغدادی المالکی، تركة النبی و السبل التي وجهها فيها، بی جا، بی نا، ۱۴۰۴ ق.
۵. تستری، سید نور الله، احقاق الحق، قم: کتابخانه آیت الله نجفی، ۱۴۰۱ ق.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تصحیح مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۷. حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الإسناد، تصحیح مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۱۳ ق.
۸. ذهبی، ابو عبد الله محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، بیروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۱۳ ق.
۹. زمانی، رجبعلی، «وصایای حضرت فاطمه علیها السلام» مجله فرهنگ کوثر، شماره ۶۹.
۱۰. سمهودی، نورالدین علی بن احمد مصری، وفاء الوفاء باخبار المصطفی، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۲۰۰۶ م.
۱۱. طبرسی، محمد بن جریر، دلائل الامامه، چاپ اول، قم: بعثت، ۱۴۱۳ ق.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن، التهذیب، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۳. طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران: اسلام، ۱۳۷۸ ش.

۱. محمد بن سعد کاتب واقدی، الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۲۸؛ ابو عبد الله محمد بن احمد ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۲۸ و ۱۲۹.

۱۴. فیروزآبادی، سید مرتضی، فضائل الخمسة من الصحاح الستة، تهران: اسلامیه، ۱۴۱۰ق.
۱۵. کاتب واقدی، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، بیروت: دار صادر، ۱۹۸۵/۱۴۰۵م.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، بیروت: دار صعب و دار التعارف، ۱۴۰۱ق.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تصحیح جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

تبیین حجاب و عفاف در سیره حضرت زهرا علیها السلام

زهرا رضائیان*

مقدمه

یکی از نیازهای حقیقی در زمینه‌های تربیتی، دینی، اخلاقی و فرهنگی، مسئله حجاب است. هر چه الگوهای حجاب از مرتبه بالاتر و برتری برخوردار باشند، تأثیرپذیری افراد جامعه در دینداری و معنویت بیشتر خواهد بود و به تبع آن، رشد و تعالی جامعه نیز بیشتر خواهد بود. اسلام به‌عنوان آیین جامع و کامل، در حمایت از شخصیت انسانی و معنوی زن و برای حفظ عفت عمومی، دستوره‌ای حکیمانه‌ای مبتنی بر لزوم رعایت عفت و حیا در ابعاد گوناگون صادر کرده است. «اسلام به مسئله عفاف زن اهمیت می‌دهد. البته عفاف مرد هم مهم است. عفاف مخصوص زنان نیست، مردان هم باید عقیف باشند؛ منتها چون در جامعه مرد به خاطر قدرت جسمانی و برتری جسمانی، می‌تواند به زن ظلم کند و برخلاف تمایل زن رفتار نماید، روی عفت زن بیشتر تکیه و احتیاط شده است»^۱. متأسفانه امروزه در جامعه اسلامی، عده‌ای هر چند ناچیز در صدد مخدوش کردن جایگاه حجاب و حیا در جامعه هستند. این عده تحت تأثیر تمایلات پست حیوانی و شهوانی و نیز القائنات دشمنان بیرونی انقلاب اسلامی، می‌کوشند نقشه‌های شوم دشمنان قسم‌خورده ما را در جامعه پیاده کنند و بی‌حجابی را امری طبیعی جلوه دهند. اگر چه این افراد راه به جایی نخواهند برد، اما با برنامه و تدبیر لازم باید به تبیین این ارزش اصیل اسلامی پرداخت و دختران و زنان مسلمان به رعایت این شعار اسلامی تشویق کرد تا بدین وسیله نقشه کسانی را که به دنبال پیاده‌سازی نقشه‌های دشمنان هستند، نقش بر آب شود. برای تبیین اهمیت و ارزش حجاب و عفاف ضروری است که به معرفی الگوهای کامل

* کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث.

۱. بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

بپردازیم؛ زیرا زبانِ الگو، زبان عمل است و تأثیری که بر افراد می‌گذارد، بسیار عمیق‌تر و ماندنی‌تر از گفتار است. از همین روست که ادیان الهی و مکاتب بشری همواره کوشیده‌اند الگویی از نوع خود انسان را ارائه دهند؛ زیرا به نقش ماندگار الگو در آبادانی و یا بالعکس ویرانی جوامع به خوبی واقفند. حضرت زهره علیها السلام، مظهر کمالات الهی و برترین اسوه انسان‌ها به‌ویژه زنان است. در این نوشتار، سیره رفتاری حضرت زهره علیها السلام در رعایت حجاب و عفاف به عنوان برترین الگوی زنان مسلمان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

حجاب و عفت در نگاه

خداوند در آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور ضمن بیان عفت در رفتار به صورت کلی به مردان و زنان جامعه اسلامی، به زنان به طور خاص دستور داده است با حفظ حجاب جسمانی خود، هنگام راه رفتن نیز عقیفانه قدم بردارند. رعایت حیا و عفاف میان زن و مرد به تناسب آفرینش هر یک متفاوت است، اما در هر حال حیا خصلتی بشری است که صرف‌نظر از گرایش‌های فرهنگی و مذهبی قابل طرح است. در دنیای کنونی نیز مطابق قوانین جهانی، اعمال منافی عفت جرم تلقی می‌شود و بی‌عفتی مورد انزجار و نفرت انسان‌هاست.^۱

حجاب، پیوند تنگاتنگی با مقوله «عفت و حیا» دارد؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «أَحْسَنُ مَلَائِئِةِ الدِّينِ الْحَيَاءُ؛^۲ نیکوترین پوشش دین، حیاست». آن حضرت درباره ضرورت پافشاری بر عفاف فرموده است: «الْعَفَافُ يَصُونُ النَّفْسَ وَيُزَكِّيهَا عَنِ الدُّنْيَا؛^۳ عفاف نفس را ایمن نگه می‌دارد و آن را از پستی‌ها دور و پاک می‌کند».

زن و مرد مسلمان مکلفند از نگاه خیره به یکدیگر پرهیز کنند و با دوری از نگاه‌های آلوده، راه گسترش عفاف را هموار کنند. کسی که عفت چشم را رعایت کند و به دیگری نگاه حرام نداشته باشد، فکرش فراغت و دلش آرامش می‌یابد،^۴ اوصافش نیکو می‌شود^۵ و در نتیجه خداوند، شیرینی ایمان و عبادت را به او می‌چشانند: «النَّظَرُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ فَمَنْ تَرَكَهَا

۱. فتحیه فتاحی‌زاده، زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، ص ۲۰۴.

۲. علی بن محمد لثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۱۸.

۳. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۱۰.

۴. همان، ص ۶۶۳: «مَنْ عَصَ طَوْفَهُ أَرَاخَ قَلْبِهِ».

۵. علی بن محمد لثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۶۴: «مَنْ عَقَّتْ أَطْرَافَهُ حَسَنَتْ أَوْصَافَهُ».

خَوْفًا مِّنَ اللَّهِ أَغْطَاهُ إِيمَانًا يَجِدُ حَلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ»؛^۱ و به ازای فرو بستن چشم از حرام، قدرت مشاهده شگفتی های عالم و عظمت الهی را می یابد: «غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ تَرَوْنَ الْعَجَائِبَ».^۲

رعایت عفاف و حجاب در رفتار در وجود حضرت زهرا علیها السلام تا آنجاست که زن نیکو و شایسته را زنی می داند که مردی (نامحرم) را نبیند و مردی (نامحرم) نیز او را نبیند.^۳ نقل است روزی فرد ناینبایی از حضرت فاطمه علیها السلام اجازه ورود خواست و حضرت به پشت پرده رفت. پیامبر صلی الله علیه و آله که در خانه بود، پرسید: «چرا به پرده رفتی، در حالی که او تو را نمی بیند؟» حضرت زهرا علیها السلام فرمود: «إِنَّ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَإِنِّي أَرَاهُ وَ هُوَ يَسْمَعُ الرِّيحَ؛^۴ اگر او مرا نمی بیند، من که او را می بینم و او بوی را استشمام می کند». خشنودی حضرت زهرا علیها السلام از محول شدن انجام کارهای خانه به ایشان و معاف شدن از کار بیرون منزل در تقسیم کار توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله، به اوج عفت و حیای ایشان در خودداری از اختلاط با مردان و محفوظ ماندن از نامحرمان اشاره دارد. نقل است رسول خدا صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه علیها السلام را مأمور به انجام امور داخل و امام علی علیه السلام را به انجام امور خارج از خانه مأمور کرد. حضرت صدیقه کبری علیها السلام با خوشحالی بسیار از این تقسیم بندی فرمود: «فَلَا يَعْلَمُ مَا دَاخِلُنِي مِنَ الشُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ يَا كَفَائِي رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله تَحْمَلُ رِقَابَ الرِّجَالِ؛^۵ جز خداوند نمی داند که من از چنین تقسیمی چقدر خوشحال شدم؛ زیرا پدرم، رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا از گریبان گیر شدن با مردان معاف داشته است».

حجاب و عفاف در پوشش

دو واژه «حجاب» و «عفاف» در اصل، در معنای منع و امتناع مشترک هستند. تفاوت میان این دو واژه، تفاوت میان باطن و ظاهر است؛ زیرا عفت حالتی درونی است و تأثیر ظاهر بر باطن و تأثیر باطن بر ظاهر، یکی از ویژگی های عمومی آدمی می باشد. بنابراین حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر، تأثیر بیشتری در تقویت و پرورش روحیه باطنی و درونی عفت دارد؛ چنانکه هر چه عفت درونی و باطنی بیشتر باشد، موجب می شود فرد حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتری در مواجهه با نامحرم داشته باشد.

۱. محمد بن محمد شعیری، جامع الاخبار، ص ۱۴۵.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۴۱.

۳. همان، ج ۴۳، ص ۵۴: «أَنْ لَا يَرِيَنَّ الرَّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالَ».

۴. نعمان بن محمد ابن حیون مغربی، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۱۴.

۵. عبدالله بن نورالله بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم و المعارف، ج ۱۱، ص ۲۵۹.

بنابر نقل‌های تاریخی در میان عرب جاهلی و حتی پس از اسلام نیز چنین رسم بود که عموماً زنان عرب لباس‌هایی می‌پوشیدند که یقه پیراهن و گریبان‌هایشان باز بود، دور گردن و سینه را نمی‌پوشاندند و روسری را نیز از پشت سر می‌انداختند؛ به طوری که گوش، بناگوش، گوشواره و جلوی سینه و گردن آن‌ها نمایان می‌شد. در چنین شرایطی بود که آیه ۳۱ سوره نور نازل شد و به زنان دستور دارد پوشش‌ها و روسری‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که از دو طرف روی سینه و گریبان افکنده شود تا قسمت‌های یاد شده، پوشیده شود. بنابراین حجاب برتر، حجابی است که تمام اندام زن و جاذبه‌های جسمی او غیر از گردی صورت و دو دست را بپوشاند. چادر را می‌توان کامل‌ترین پوشش در این زمینه دانست؛ زیرا شامل تمام این خصوصیات می‌شود. در واقع عفاف و پوشش کامل و حجاب عقیفانه زن مؤمن، تجسم حرمت و احترام و بهترین سلاح اوست تا افراد بوالهوس و مریض به فکر تعرض و اذیت نیفتند و هرگز کسی به خود اجازه فکر باطل ندهد. بنابراین حجاب و پوشش دینی نه تنها محدودیت و بند و حصار نیست؛ بلکه موجب مصونیت و حفظ حرمت زن می‌شود.

اهمیت این مسئله در نگاه حضرت زهرا علیها السلام تا آنجاست که اسماء بنت عمیس می‌گوید:

در روزهای آخر زندگانی حضرت زهرا علیها السلام با آن حضرت بودم. روزی درباره کیفیت حمل جنازه توسط مردم با من صحبت کرد و با نگرانی فرمود: «چرا جنازه زن را روی تخته‌ای می‌گذارند و بالای دست مردان حمل می‌کنند؟ من بسیار زشت می‌دانم که جنازه زنان را پس از مرگ بر روی تابوت سر باز می‌گذارند و بر روی آن پارچه‌ای می‌افکنند که حجم بدن را برای بینندگان نمایش می‌دهد». به آن بانو توضیح دادم که در سرزمین حبشه تابوتی برای حمل جنازه‌ها درست می‌کنند که بدن میت را می‌پوشاند و سپس به وسیله چوب‌های تر و شاخه‌های نازک درخت، شکل و قیافه آن را ترسیم کردم. حضرت خوشحال شد و فرمود: «اضْئِعی لی مثْلَهُ اشْتَرِیْنِی سَتْرَکَ اللهُ مِنَ النَّارِ؛^۱ برای من تابوتی مثل آن درست کن و مرا (با آن) بپوشان. خدا تو را از آتش دوزخ حفظ نماید».

حساسیت خاص آن حضرت تا آنجا بود که به سفارش به اسماء اکتفا نکرد و به امام علی علیه السلام چنین وصیت کرد: «أوصیکَ یا ابنَ عمِّ أنْ تَتَّخِذَ لی نَعْشاً فَفَدَّ رَأِیْتُ الْمَلَائِکَةَ صَوَّرُوا صُورَتَهُ؛^۲ وصیت می‌کنم تو را ای پسرعمو! که برای من تابوتی درست کنی (دیواردار)، همان‌گونه که

۱. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۲۰.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۲.

ملائکه شکل آن را به من نشان داده‌اند». این حساسیت خاص حضرت زهرا علیها السلام گویای اهمیت خاص پوشاندن حجم بدن زن از نامحرمان است.

حجاب و عفاف در فعالیت‌های اجتماعی

دین مقدس اسلام از همان ابتدای ظهور به دنبال احقاق حقوق زنان و اعطای حقوق و آزادی‌های طبیعی زن به عنوان نیمی از پیکره اجتماع و احیای شأن حقیقی او بود. از نظر اسلام، زنان مانند مردان در بیشتر مسائل اجتماعی پایگاه و جایگاه مناسبی دارند و نه تنها از حرکت‌های اجتماعی و فعالیت‌های گروهی منع نشده‌اند؛ بلکه مطابق تعالیم مسلم قرآن، مسئولیت‌های اجتماعی متوجه مرد و زن است؛ زیرا در آیین توحیدی اسلام زن همپای مرد، تکامل پذیر و اوجگراست و در پرتو شناخت و عمل، به معراج می‌رود و به تعالی ممکن برای نوع انسانی دست می‌یابد.^۱ قرآن هر گاه از کمالات و ارزش‌های والایی که انسان‌ها بدان می‌رسند، سخن می‌گوید؛ زنان را نیز همدوش و همسان مردان مطرح می‌کند:

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا^۲ مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان عبادت‌پیشه و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان شکیبیا و مردان و زنان فروتن و مردان و زنان صدقه‌دهنده و مردان و زنان روزه‌دار و مردان و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند، خدا برای [همه] آنان آمرزشی و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است.

سیره بانوی بزرگ اسلام و دیگر زنان مورد تأیید پیامبر صلی الله علیه و آله گویای این واقعیت است که با حفظ شأن و منزلت زن، هیچ منعی برای فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی زنان در جامعه وجود ندارد. چنانکه حضرت زهرا علیها السلام در جنگ احد در پشت میدان جنگ حاضر می‌شود و به پرستاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام می‌پردازد.^۳

۱. ر.ک: زهرا حسینی مورودی و دل‌آرا نعمتی پیرعلی، فعالیت‌های اجتماعی زن از منظر قرآن و روایات، ص ۹۹ - ۹۷.

۲. احزاب: ۳۵.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۶.

اگرچه اسلام هیچ ممانعتی با حضور زنان در عرصه اجتماع و سیاست نکرده است، اما آنان را از تبرج و خودنمایی منع کرده است تا ضمن حفظ سلامت جسم و روح و آرامش زن، سلامت و آرامش جامعه را نیز تضمین کنند: «وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجُ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى؛^۱ و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار نکنید». در آیه دیگری به آنان چنین توصیه کرده است: «وَلَا يَضْرِبَنَّ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ؛^۲ و پاهای خود را [به‌گونه‌ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینت‌شان نهفته می‌دارند، آشکار شود». بنابراین هر گونه راه رفتنی که موجب آشکار شدن زیورهای مخفی زن شود، از نظر اسلام ممنوع است.^۳ زنان باید در رعایت عفاف و پرهیز از اموری که موجب جلب توجه می‌شود، پرهیزند. در استفاده از وسایل زینتی و استعمال عطر و بوی خوش باید به‌گونه‌ای رفتار کنند که باعث جلب توجه نامحرم و عامل انحراف فکرها و تباهی دل‌ها نشوند.

عالی‌ترین و مؤثرترین نوع حضور در اجتماع را می‌توان در زندگی کوتاه، اما پر بار حضرت زهرا علیها السلام دید. بنابر شواهد تاریخی هر گاه موقعیت اجتماعی اقتضا می‌کرد، آن حضرت فعالانه وارد عرصه می‌شد و آنچه در صفحات تاریخ درخشان مانده است، پوشش کامل ایشان هنگام فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

- برنامه‌های علمی و آموزشی بانوی بزرگ عالم برای زنان مسلمان؛^۴
- شرکت در برخی نبردها مانند جنگ احد به عنوان امدادگر؛^۵
- ایراد سخنرانی در مسجد و دفاع از امیر مؤمنان علیه السلام؛^۶
- رفتن به خانه مهاجر و انصار برای یادآوری سفارش‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره امام علیه السلام به آنان؛^۷
- قرار دادن خانه خود به عنوان پایگاه تجمع مبارزان و مجاهدان بنی‌هاشم و تأمین نیاز

۱. احزاب: ۳۳.

۲. نور: ۳۱.

۳. نور: ۳۱.

۴. محمد بن حسن حر عاملی، الفصول المهمة فی اصول الائمه، ج ۱، ص ۶۰۰.

۵. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۶.

۶. علی بن احمد طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۱، ص ۹۸.

۷. عبدالله بن نورالله بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم و المعارف، ج ۱۱، ص ۵۵۶.

اقتصادی آنان از درآمد فدک؛^۱

در روایت حضور حضرت زهرا علیها السلام در مسجد برای ایراد خطبه، نحوه پوشش آن حضرت این گونه توصیف شده است:

هنگامی که تصمیم گرفتند فاطمه علیها السلام را از فدک محروم کنند و این خبر به آن بانوی بزرگ رسید، آن حضرت روسری خود را به سرش پیچید (خمار بزرگ‌تر از روسری‌های فعلی است که سر و سینه و گردن را می‌پوشانده است) و جلباب خود را بر تن نمود (جلباب یعنی آن عبا یا پیراهن عربی بلند که تمام بدن را بپوشاند. لباسی را که روی لباس‌های دیگر می‌پوشیدند، به خود گرفت و بر تن نمود که محیط بر تمام بدن ایشان بود)، همراه گروه هم‌سن و سال (یا هم‌فکر و هماهنگ) از یاران (و اعوان) خود و زن‌های خویشاوند خود (به سوی مسجد) آمد. در راه رفتن، پا روی پایین لباس خود می‌گذاشت (به دلیل بلند بودن، لباس قهراً زیر پا قرار می‌گرفته است). راه رفتن حضرت هیچ کم از راه رفتن رسول خدا صلی الله علیه و آله نداشت ... سپس (وقتی حضرت وارد مسجد شدند) میان حضرت (و مردم) پرده‌ای آویخته شد و^۲

یکی از مهم‌ترین افتخارات و دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی ایران، هویت‌بخشی به زنان است که توانسته‌اند با اتکا به نفس و توانمندی‌های خود در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ورزشی بدرخشند. در ۴۲ سال پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، بر خلاف دوران منحط رژیم شاهنشاهی که زن ایرانی را همچون زن غربی جلوه و مظهر هیجانانگیزی قرار داده بود، تلاش شده است تا حد امکان از استعداد فکری و توانمندی عظیم زن برای تعالی او و جامعه استفاده شود و این امر در درجه اول برای تحکیم بنیان خانواده به عنوان اصل اساسی تعالی جامعه مدنظر قرار گرفته است؛ یعنی بعد از انقلاب اسلامی، زن مسلمان ایرانی جایگاه اصلی خود را نخست در نهاد خانواده و سپس در عرصه اجتماع بازیافت. نگاهی گذرا به انتشارات و کتاب‌های متعدد در کشور اعم از علمی، پژوهشی، تاریخی، ادبی، سیاسی و هنری که با نام زنان در کشورمان نشر می‌یابد، حکایت از جایگاه والای علمی و مدارج عالی زنان دارد. این پیشرفت‌ها در تمامی حوزه‌ها بروز و نمود دارد. فعالیت زنان ایرانی در

۱. علی بن احمد طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۱، ص ۵۷.

۲. همان، ص ۹۸.

حوزه‌های پزشکی، تکنولوژیکی و فناوری نیز بسیار چشمگیر است و زنان در حوزه‌های مرتبط با علوم نوین نیز منشاء اثرگذاری و پیشرفت بوده و هستند. حضور ۲۱ درصدی زنان در کرسی‌های استادی دانشگاهی، حضور ۹۸ درصدی زنان در رشته‌های تخصصی پزشکی، فعالیت بیش از ۲۷۰۰ سازمان مرتبط با حوزه زنان، فعالیت ۸۰۰ ناشر زن در کشور، حضور ۴۰ درصدی زنان در پست‌های مدیریتی و... بیانگر جایگاه حقیقی زنان در جامعه اسلامی است.^۱

نتیجه‌گیری

حجاب، یکی از ارزش‌های اصلی جامعه اسلامی است که تأثیرات مختلفی بر زندگی فرد زن مسلمان و نیز اجتماع دارد. مهم‌ترین دلیل پوشش زن، حضور عقیفانه او در اجتماع است تا سلامت روانی خود و جامعه را تضمین کند. رعایت حجاب و عفاف توسط زن مسلمان در سه بعد نگاه، پوشش و رفتار می‌تواند زن مسلمان و به تبع آن جامعه اسلامی را از آلودگی‌های روحی و جسمی حفظ و سلامت و آرامش فردی و اجتماعی را تضمین کند. سیره حضرت زهرا علیها السلام در این زمینه الگویی جامع و شایسته برای زنان مسلمان است تا با پیروی کامل از بانوی بزرگ اسلام، ضمن تضمین سعادت فردی به سعادت جامعه و استحکام آن کمک کنند.

فهرست منابع

کتاب

۱. ابن‌حیون مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، تصحیح آصف فیضی، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۳۸۵ق.
۲. ابن‌طاووس، علی بن موسی، الطوائف فی معرفة مذاهب الطوائف، تصحیح علی عاشور، چاپ اول، قم: خیام، ۱۴۰۰ق.
۳. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، عوالم العلوم و المعارف، تصحیح محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی، چاپ دوم، قم: مؤسسه امام مهدی علیه‌السلام، ۱۳۸۲ش.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، تصحیح سید مهدی رجایی، چاپ دوم، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.

۱. ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران، «زنان ایرانی پس از انقلاب؛ عزت مادرانه، پیشرفت اجتماعی - سیاسی و کرامت انسانی»، ۱۳۹۹/۱۱/۱۵، کد خبر: ۵۷۵۶.

۵. حر عاملی، محمد بن حسن، الفصول المهمه فی اصول الاثمه، تصحیح محمد بن محمدالحسین القائینی، چاپ اول، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام، ۱۴۱۸ق.
۶. _____، وسایل الشیعه، تصحیح مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۷. حسینی مورودی، زهرا و دل‌آرا نعمتی پیرعلی، فعالیت‌های اجتماعی زن از منظر قرآن و روایات، چاپ اول، تهران: راشدین، ۱۳۹۵ش.
۸. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، چاپ اول، نجف: مطبعة حیدریه، [بی‌تا].
۹. طبرسی، علی بن احمد، الاحتجاج علی اهل اللجاج، تصحیح محمدباقر خراسان، چاپ اول، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن، الامالی، تصحیح مؤسسه البعثة، چاپ اول، قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
۱۱. فتاحی‌زاده، فتحیه، زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، چاپ چهارم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶ش.
۱۲. لیشی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، تصحیح حسین حسینی بیرجندی، چاپ اول، قم: دارالحديث، ۱۳۷۶ش.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تصحیح جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

سایت‌ها

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی).
۲. ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران، «زنان ایرانی پس از انقلاب؛ عزت مادرانه، پیشرفت اجتماعی - سیاسی و کرامت انسانی»، ۱۳۹۹/۱۱/۱۵، کد خبر: ۵۷۵۶.

وظایف مسلمانان از نگاه حضرت زهرا علیها السلام

حجت الاسلام والمسلمین محمد حسین افشاری*

مقدمه

هر انسانی چه در ارتباط با خود و چه در ارتباطات میان فردی و گروهی، دارای وظایفی است که باید آن وظایف را به درستی بشناسد و خود را در عمل به آن‌ها ملزم بداند. از این‌رو انسان‌هایی که در پی شناخت وظایف خود نیستند، از سوی جامعه‌هایی که در آن زندگی می‌کنند؛ مورد توبیخ قرار می‌گیرند. پیروی از دین مانند هر مکتبی، وظایفی را بر دوش انسان می‌گذارد. از همین‌رو هر فرد مسلمان و جامعه‌ای که اسلام را به عنوان دین خود برگزیده‌اند، غیر از وظایفی که عقل به آن حکم می‌کند، وظایف دیگری نیز دارند که این وظایف با مراجعه به متون دینی اعم از قرآن کریم و متون حدیثی به دست می‌آید. این نوشتار به دنبال بیان وظایف مسلمانان از نگاه حضرت زهرا علیها السلام است که می‌توان آن را در خطبه فدکیه^۱ و دیگر احادیثی که از ایشان به دست رسیده است، استخراج کرد.

هدف از شناخت این وظایف در گام اول و عمل به آن‌ها در گام بعدی، جلوگیری از انحرافات است که ممکن است در جامعه اسلامی رخ دهد و آن فرد و جامعه را از مسیر هدایت دور کند. بر همین اساس، در این نوشتار به برخی از وظایفی که از احادیث حضرت زهرا علیها السلام استخراج شده است، پرداخته می‌شود.

* سطح ۴ حوزه علمیه قم و کارشناس ارشد مشاوره و روان‌شناسی.

۱. خطبه فدکیه، یکی از متون حدیثی به‌جای مانده از حضرت فاطمه علیها السلام است. این متن حدیثی، مربوط به خطبه‌ای است که حضرت در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و در میان انصار درباره ماجرای غصب خلافت بیان داشت. علامه مجلسی در کتاب گرانسنگ بحارالانوار، خطبه فدکیه را از جمله خطبه‌های مشهوری می‌داند که در کتاب‌های حدیثی شیعه و اهل سنت با سندهای گوناگون نقل شده است. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۲۱۵.

تقوای اجتماعی

حضرت زهرا علیها السلام در خطبه فدکیه، داشتن تقوی را وظیفه مسلمانان بیان می‌کند و می‌فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ؛ پس آن‌گونه که شایسته است، از خدا بترسید! نمیرید، مگر در حالی که [در برابر او و فرمان‌ها و احکامش] تسلیم باشید».

این فراز از حدیث، برگرفته از آیه ۱۰۲ سوره آل‌عمران است که می‌توان آن را بهره‌گیری حضرا زهرا علیها السلام از صنعت تلمیح در کلام دانست.^۱ خدای متعال در این آیه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ؛ ای اهل ایمان! از خدا آن‌گونه که شایسته پروای از اوست، پروا کنید و نمیرید، مگر در حالی که [در برابر او و فرمان‌ها و احکامش] تسلیم باشید».

شان نزول این آیه شاید بی‌شبهت به اختلافی که پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله رخ داد، نباشد. در شأن نزول این آیه آمده است روزی دو نفر از قبیله اوس و خزرج به نام «ثعلبه بن غنم» و «اسعد بن زراره» در برابر یکدیگر قرار گرفتند و هر کدام افتخاراتی را که بعد از اسلام نصیب قبیله‌شان شده بود، بر می‌شمردند. کم‌کم کار به جای باریک کشید و قبیله دو طرف از جریان آگاه شدند و دست به اسلحه بردند و بیم آن می‌رفت که بار دیگر آتش جنگ بین آن‌ها شعله‌ور شود که با حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و تدبیر ایشان، این نزاع پایان پذیرفت.^۲

با توجه به شأن نزولی که برای این آیه بیان شد، مشخص می‌شود که میانجی‌گر راستین در امور اختلافی میان مسلمانان، پیامبر صلی الله علیه و آله و آموزه‌هایی است که از ایشان به یادگار مانده است. در این میان نیز اگر مسلمانان در اختلافی که میان‌شان افتاده بود، از خدای متعال می‌ترسیدند و قضاوت را به رسول خدا صلی الله علیه و آله واگذار می‌کردند، تنها با رجوع به داستان غدیر می‌توانستند خود را از گمراهی که در ایشان پیدا شده بود، نجات دهند. آنچه مسلم است، آثار بسیار زیاد تقوی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی انسان است. تقوی به معنای آن نیست که انسان صرفاً در هنگام خلوت و تنهایی احساس خداترسی داشته باشد؛ بلکه باید در تمامی روابط خود (فردی، خانوادگی و اجتماعی) خدا را شاهد و حاکم بر روابط خود بدانند.

۱. تلمیح در لغت به معنای «به گوشه چشم نگریستن» است. محمد بن مکرّم ابن منظور، لسان‌العرب، ذیل کلمه «لمح». در اصطلاح نیز اشاره به آیه، حدیث، مثل، داستان یا شعری مشهور با حداقل کلمات است تا با تداعی شدن آن‌ها مقصود گوینده واضح‌تر و مطلبش مؤثرتر شود. نصرالله تقوی، هنجارگفتار: در فن معانی و بیان و بدیع فارسی، ج ۱، ص ۲۵۹.

۲. ناصر مکارم شیرازی و احمد علی بابایی، منتخب تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۱۴.

تقوی همه شور است و تمنای حبیب است

روشنگر قلب و نظر و پاک و نجیب است

راحم به خداوند همه مردم دانا

تقوا که به «تق»، «وا» بشود زرق و فریب است^۱

بر اساس آیات قرآن کریم، آثار دنیوی و اخروی زیادی را می‌توان برای تقوی نام برد؛ اما در میان آن‌ها برخی آثار مرتبط با تقوای اجتماعی است. تقوای اجتماعی به این معناست که جامعه‌ای، جامعه خداترس و پرهیزگار باشد. از جمله آثاری که می‌توان برای یک جامعه متقی بیان کرد، عبارتند از: قدرت تشخیص حق از باطل،^۲ برون‌رفت از تنگناها، نجات از سختی‌ها و شبها و آسان شدن کارها و مشکلات،^۳ اصلاح کارها،^۴ بهره‌مندی از برکات زمین و آسمان،^۵ برخورداری از امداد الهی،^۶ حفظ و حراست الهی و خنثی شدن توطئه‌های دشمن.^۷

اطاعت از دستورات الهی

یکی دیگر از وظایفی که حضرت فاطمه علیها السلام در خطبه فدکیه به عنوان وظیفه مسلمانان بیان می‌کند، اطاعت از اوامر و نواهی الهی است: «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ؛ خدا را در آنچه بدان امر کرده و از آن بازداشته است، اطاعت نمایید». حضرت زهرا علیها السلام در این خطبه به برخی دستورات الهی و فلسفه آن‌ها اشاره کرده است:

وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيهًا لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ، وَ الزَّكَاةَ تَرْكِيَةً لِلنَّفْسِ وَ نِمَاءً فِي الرِّزْقِ، وَ الصِّيَامَ تَثْبِيثًا لِلْإِخْلَاصِ، وَ الْحَجَّ تَشْيِيدًا لِلدِّينِ ... وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَضْلِحَةً لِلْعَائِمَةِ ... وَ الْقِصَاصَ حَقًّا لِلدَّمَاءِ ... وَ النَّهْيَ عَنِ شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهًا عَنِ الرَّجْسِ، وَ اجْتِنَابَ الْقَذْفِ حِجَابًا عَنِ اللَّعْنَةِ، وَ تَوَكُّرَ السُّؤْقَةِ إِيجَابًا لِلْعِصْمَةِ، وَ حَرَّمَ اللَّهُ الشُّرُوكَ إِخْلَاصًا لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ؛ پس خدای بزرگ ایمان را برای پاک کردن شما از شرک و نماز را برای پاک نمودن

۱. شعر از جواد رحیمی.

۲. انفال: ۲۹.

۳. طلاق: ۲ و ۴؛ لیل: ۷-۵؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۴۳.

۴. احزاب: ۷۰ و ۷۱.

۵. اعراف: ۹۶.

۶. آل عمران: ۱۲۵ و ۱۲۶.

۷. آل عمران: ۱۲۰.

شما از تکبر و زکات را برای تزکیه نفس و افزایش روزی و روزه را برای تثبیت اخلاص و حج را برای استحکام دین ... و امر به معروف را برای مصلحت جامعه ... و قصاص را وسیله حفظ خون‌ها ... و نهی از شرابخواری را برای پاکیزگی از زشتی و حرمت نسبت ناروا دادن را برای عدم دوری از رحمت الهی و ترک دزدی را برای پاکدامنی قرار داد و شرک را حرام کرد تا در یگانه‌پرستی خالص شوند.^۱

اطاعت و فرمانبری از خدای متعال به دایره عباداتی همچون نماز، روزه و یا حج محدود نمی‌شود؛ بلکه اطاعت از اوامر الهی دایره وسیعی دارد که تمامی رفتارهای انسان را در همه حوزه‌های زیست او اعم از فردی، خانوادگی و اجتماعی در برمی‌گیرد. آنچه در این میان مهم است، شناخت این اوامر و نواهی به‌گونه‌ای است که منطبق بر حقیقت و از هرگونه خرافه به دور باشد.

یکی از سؤالات بسیار مهمی که در اینجا مطرح می‌شود، آن است که چرا برخی افراد از دستورات الهی تبعیت نمی‌کنند؟ به عبارت دیگر چرا در برخی مواقع بر خلاف دستورات الهی عمل می‌کنند؟ پاسخ این سؤال در آیه ۸۳ سوره یوسف آمده است. خدای متعال در این آیه می‌فرماید: «بَلْ سَأَلْتُمْ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ أَمْراً؛ (هوای) نفس شما، مسئله را چنین در نظرتان آراسته است». این افراد هوای نفس خود را بر همه معیارهای خود حاکم می‌دانند و آنچه به همه رفتارهای ایشان جهت می‌دهد و معیار انتخاب ایشان است، هوای نفس است؛ نه عقل.

حضرت زهرا علیها السلام در فرازهای پایانی این خطبه، از این آیه استفاده کرده و علت رویگردانی مردم از حکم خدا را غالب شدن هوای نفس ایشان بیان داشته و تنها راهکار خود در مقابل همه این بی‌مهری‌ها را «صبر جمیل» بیان کرده است؛ همان‌طور که در ادامه این آیه آمده است که حضرت یعقوب علیه السلام در برابر کار زشت و ناپسند برادران یوسف علیه السلام، راهبرد صبر را پیشه خود ساخت.

قرآن‌مداری

یکی دیگر از وظایفی که حضرت زهرا علیها السلام به عنوان وظایف مسلمانان بیان می‌کند، زندگی بر مدار قرآن است. حضرت در این باره فرموده است:

كِتَابُ اللَّهِ التَّاطِقُ، وَالْقُرْآنُ الصَّادِقُ، وَ النَّوْرُ السَّاطِعُ، وَ الضِّيَاءُ اللَّامِعُ، بَيِّنَةٌ بَصَائِرُهُ،

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۲۲۰.

مُنْكَشِفَةٌ سَرَائِرَهُ، مُتَجَلِّبَةٌ ظَوَاهِرَهُ، مُعْتَبِطٌ بِهِ أَشْيَاعُهُ، قَائِدٌ إِلَى الرَّضْوَانِ اتِّبَاعُهُ، مُؤَدِّ إِلَى النَّجَاةِ اسْتِمَاعُهُ، بِهِ تُنَالُ حُجُجُ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةِ، وَ عَزَائِمُهُ الْمَفْسَّرَةُ، وَ مَحَارِمُهُ الْمُحَدَّرَةُ، وَ بَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ، وَ بَرَاهِينُهُ الْكَافِيَّةُ، وَ فُضَايِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ، وَ رُخْصَتُهُ الْمُؤَهَّوْبَةُ، وَ شَرَايِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ؛ كتاب الله ناطق و قرآن صادق و نور آشکار و روشنایی پر فروغ است؛ کتابی که دلایل روشن، باطنش آشکار، ظواهرش پر نور و پیرانش پر افتخار؛ کتابی که عاملان خود را به بهشت فرا می خواند و مستمعین خود را به ساحل نجات رهبری می کند. از طریق آن به دلایل روشن الهی می توان نائل شد و تفسیر واجبات او را دریافت و شرح محرمات را در آن خواند و براهین روشن و کافی را بررسی کرد و دستورات اخلاقی و آنچه مجاز و مشروع است، در آن مکتوب یافت.^۱

از این بیان حضرت روشن می شود کسانی که به فرامین قرآن گوش می دهند و سعی می کنند با بهره گیری از نور آن در مسیر هدایتی قرار گیرند، راه نجات را خواهند یافت؛ چرا که هر آنچه انسان برای سعادت بدان نیاز دارد، در قرآن کریم آمده است.^۲ حضرت زهرا علیها السلام در وصیت امام علی علیه السلام، از ایشان می خواهد که پس از شهادتش بر سر مزار ایشان حاضر شود و زیاد قرآن بخواند.^۳ این امر نشان از آن دارد که برکات تلاوت قرآن به دنیایی که در آن زیست می کنیم، محدود نیست و گستره آن به تمامی امتداد حیات انسان از دنیا تا آخرت است.

شناخت صحیح اهل بیت علیهم السلام

از حضرت زهرا علیها السلام نقل شده است: «نَحْنُ وَسَيَلَتُهُ فِي خَلْقِهِ، وَ نَحْنُ خَاصَّتُهُ وَ مَحَلُّ قُدْسِهِ، وَ نَحْنُ حُجَّتُهُ فِي غَيْبِهِ، وَ نَحْنُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ؛ ما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله وسیله ارتباط خداوند با خلق او هستیم. ما برگزیدگان پاک و مقدس پروردگار می باشیم. ما حجت و راهنما خواهیم بود و ما وارثان پیامبران الهی هستیم».^۴

نکات قابل توجهی در کلام ایشان وجود دارد که از جمله آن می توان به موارد زیر اشاره کرد:
 ۱. برای ارتباط با خداوند، باید به اهل بیت علیهم السلام تمسک کرد. همان گونه که قرآن کریم حلقه وصل میان انسان و خدای متعال است، اهل بیت علیهم السلام نیز همین ویژگی را دارند؛ به گونه ای که می توان

۱. همان.

۲. ناصر مکارم شیرازی، زهرا علیها السلام برترین بانوی جهان، ص ۱۶۵.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۷.

۴. عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۱.

این دو را ثقلی واحد و جدایی ناپذیر برای رسیدن به سعادت دانست که هر کدام بدون دیگری این گونه نیست.

۲. اهل بیت علیهم السلام، برگزیدگان خدای متعال هستند و یکی از اهداف این برگزیدگی، آن است که افراد ایشان را الگوی خود قرار دهند و بر اساس دستوراتی که اهل بیت علیهم السلام بیان می‌دارند؛ عمل کنند. حضرت زهرا علیها السلام در روایت دیگری، اطاعت و پیروی از اهل بیت علیهم السلام را سبب برقراری نظم اجتماعی دانسته و ایشان را عامل وحدت و در امان ماندن از تفرقه‌ها معرفی کرده است: «فَجَعَلَ اللهُ ... إِطَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ وَ إِمَامَتَنَا أَمَانًا لِلْفِرْقَةِ»^۱.

۳. اهل بیت علیهم السلام، حجت خدا و راهنمایان بشر به سمت سعادت هستند. از این رو انسان زمانی می‌تواند به سعادت برسد که به معنای حقیقی پیرو ایشان باشد و این امر نیز تحقق نمی‌یابد، مگر هنگامی که خود را به هر آنچه که اهل بیت علیهم السلام به آن امر و نهی کرده باشند، ملزم بدانند. در حدیثی از حضرت زهرا علیها السلام این گونه نقل شده است: «إِنْ كُنْتُ تَعْمَلُ بِمَا أَمَرْنَاكَ وَ تَنْتَهِي عَمَّا زَجَرْنَاكَ عَنْهُ، فَأَنْتَ مِنْ شِيعَتِنَا، وَ إِلاَ فَلا؛^۲ اگر آنچه را که ما اهل بیت دستور داده‌ایم، عمل کنی و از آنچه نهی کرده‌ایم، خودداری نمایی؛ تو از شیعیان ما هستی، و الا هرگز».

۴. اهل بیت علیهم السلام، وارثان حقیقی انبیای الهی هستند. ارث می‌تواند مادی یا معنوی باشد. همان گونه که در روایات آمده است، از جمله میراثی که اهل بیت علیهم السلام از انبیا برده‌اند، می‌توان به ولایت تکوینی (حق تصرف در عالم)، علم انبیا،^۳ مقام خلیفه‌اللهی، کتاب‌های آسمانی پیشین^۴ و برخی متعلقات انبیای الهی همچون عصای موسی علیه السلام، انگشتر سلیمان علیه السلام و ...^۵ اشاره کرد.

کمک به نیازمندان

حضرت زهرا علیها السلام در روایتی سه چیز را دوست‌داشتنی‌ترین چیز در زندگی دنیا می‌داند: «حُبِّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثٌ: تِلَاوَةُ كِتَابِ اللَّهِ وَ النَّظَرُ فِي وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آوَلَّاهُ وَسَلَّمَ وَ الْإِنْفَاقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛

۱. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۱، ص ۱۳۴.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۱۵۵.

۳. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۳۱۸؛ محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۲۵.
«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَ سَلَاةَ الْوَصِيِّينَ».

۴. علی بن موسی ابن طاووس، الاقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۳۴۱. «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الشُّوَرَاهِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزُّبُورِ».

۵. ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳۷ - ۲۳۱.

سه چیز از دنیا برای من دوست داشتی است: تلاوت قرآن، نگاه به صورت رسول خدا صلی الله علیه و آله، انفاق و کمک به نیازمندان در راه خدا»^۱.

یکی از دستورات دین، احسان و نیکوکاری و انفاق در راه خداست که در بسیاری از آیات قرآن کریم و نیز احادیث اهل بیت علیهم السلام می‌توان آن‌ها را مشاهده کرد. هدف از انفاق در راه خدا، گره‌گشایی و رفع نیاز از نیازمندان است. در آیه ۲۷۴ سوره مبارکه بقره آمده است: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» کسانی که اموال‌شان را در شب و روز و پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته و مناسب است و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند».

بر اساس این آیه افرادی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، از فقر و تنگدستی بیم ندارند؛ زیرا به وعده‌های خداوند ایمان دارند و به او توکل می‌کنند. به خاطر انفاق اندوهگین نمی‌شوند؛ زیرا به رضایت الهی و آثار اخروی انفاق توجه دارند. این عبادت، به گونه‌ای است که چه پنهان و چه آشکار آن دارای ثواب است. اگرچه پنهان بودن آن ثواب دارد، اما انفاق باید به صورت آشکار نیز انجام شود تا فرهنگ‌سازی شود و دیگران نیز به انجام آن کار ترغیب شوند.

انفاق در راه خدا نیز نشان وارسنگی انسان از وابستگی به مادیات است و با انفاق خالصانه و بی‌ریا، می‌توان به رضای خدا رسید. در احادیثی که از اهل بیت علیهم السلام به دست ما رسیده است، نیکوکاری و رسیدگی به کار مردم و رفع نیاز آن‌ها از برترین نیکوکاری‌ها شمرده شده و کسانی که به سرنوشت برادر مسلمان خود بی‌توجه باشند، مورد نکوهش قرار گرفته‌اند. در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است: «مَنْ عَالَ يَتِيمًا حَتَّى يَسْتَعْنِي أَوْ جَبَّ اللَّهُ لَهُ بِذَلِكَ الْجَنَّةَ» هر کس یتیمی را سرپرستی کند تا بی‌نیاز شود، خداوند در برابر بهشت را بر او واجب می‌کند»^۲.

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز محبوب‌ترین مؤمن نزد خدا را کسی می‌داند که مؤمن فقیری را در تنگدستی دنیا و گذران زندگی یاری رساند که این امر نشان از جایگاه بسیار بالای این عمل در نزد خدای متعال دارد: «إِنَّ أَحَبَّ الْمُؤْمِنِينَ إِلَيَّ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ الْمُؤْمِنَ الْفَقِيرَ مِنَ الْفَقْرِ فِي دُنْيَاهُ وَمَعَاثِرِهِ»^۳.

انفاق در راه خدا غیر از اینکه آثار آخرتی بسیار زیادی دارد، در دنیا نیز می‌تواند یاری‌رسان فرد انفاق‌کننده در راه خدا باشد؛ چنانکه امام صادق علیه السلام فرموده است: «أَيُّمَا مُؤْمِنٍ نَفَسَ عَنْ مُؤْمِنٍ

۴. محمد دشتی، نهج‌الحیات، ج ۱۶۴؛ عباس قمی، وقائع الايام، ح ۲۹۵.

۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۲۴۸.

۳. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۷۶.

كُرْبَةً نَفْسَ اللَّهِ عَنْهُ سَبْعِينَ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا وَ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛^۱ هر مؤمنی که گرفتاری مؤمنی را بر طرف کند، خداوند هفتاد گرفتاری دنیا و آخرت را از وی دور می‌کند». امام علی علیه السلام نیز در بیان قانونی از قوانین الهی که در بستر حقیقت جامعه نهفته است، فرموده است: «كَمَا تُعِينُ تُعَانُ؛^۲ آن‌گونه که یاری می‌کنی، یاری می‌شوی».

فهرست منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، تهران: نیستان، ۱۳۸۸ ش.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، ترجمه صادق حسن‌زاده، قم: آل علی علیهم السلام، ۱۳۸۲ ش.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، الاقبال بالاعمال الحسنه فیما یعمل مره فی سنه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۴. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تحقیق عبدالحسین امینی، نجف: دارالمرتضویه، ۱۳۵۶ ش.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۳۷۴ ق.
۶. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۷. تقوی، نصرالله، هنجارگفتار: در فن معانی و بیان و بدیع فارسی، تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۱۷ ش.
۸. دشتی، محمد، نهج الحیات (فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام)، قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۲ ش.
۹. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، تحقیق محمدباقر خراسان، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.

۱. حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۱۳.

۲. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۷۲۰۹.

۱۱. قمی، عباس، وقایع الایام (فیض العلام فی عمل المشهور و وقایع الایام)، قم: نورمطاف، [بی تا].

۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تحقیق مهدی آیت‌اللهی، تهران: جهان‌آرا، ۱۳۸۷ق.

۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار لدرر الاخبار الاثمه عالمها، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۱۴. مکارم شیرازی، ناصر و احمد علی بابایی، برگزیده تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۸۲ش.

۱۵. _____ زهرا علیها السلام برترین بانوی جهان، قم: نشر سرور، ۱۳۸۸ش.

۱۶. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل، قم: اسماعیلیان، ۱۳۸۲ش.

جلوه‌های فاطمی در دفاع مقدس

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدباقر نادم*

مقدمه

یکی از ابعاد مهم دفاع مقدس ملت ایران در برابر ۸ سال تجاوز ناجوانمردانه رژیم بعث عراق، روح تعبد و بندگی و معنویت خاص رزمندگان است که اگر چه درباره آن مطالب زیادی به میان آمده است، اما آن‌گونه که باید ماهیت و حقیقت آن موشکافی و تبیین نشده است. در این راستا یکی از موارد قابل توجه، انس و الفت رزمندگان با قرآن کریم و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام به‌ویژه حضرت زهرا علیها‌السلام است. حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام، الگویی نمونه و ممتاز در صفات و فضایل اخلاقی برای همه مسلمانان است. تأثیر سیره آن حضرت و چگونگی شهادت‌شان بر ماهیت دفاع مقدس، نیازمند تحلیل و تبیین هر چه بیشتر است. رزمندگان اسلام همواره در جبهه‌های نبرد با یاد حضرت زهرا علیها‌السلام مبارزه کرده، از او کمک طلبیده و با عشق به آن حضرت به شهادت رسیده‌اند.

اگر چه توسل به ائمه اطهار علیهم‌السلام به‌ویژه حضرت زهرا علیها‌السلام، امام حسین علیه‌السلام و امام عصر علیه‌السلام فصل‌های جداگانه‌ای می‌طلبد تا مطالب آن را از عمق خاطرات رزمندگان استخراج کنیم، اما در این مجال حکایت‌های عجیبی از توسل رزمندگان به حضرت زهرا علیها‌السلام و میزان تأثیرپذیری جنگ از سیره آن حضرت به چشم می‌خورد که در ایام فاطمیه و شهادت حضرت زهرا علیها‌السلام شایسته است به قدر بضاعت اندک این نوشتار به گوشه‌هایی از آن پرداخته شود.

۱. حضرت زهرا علیها‌السلام، هویت‌بخش رزمندگان

الگوهای صحیح و ارزشی، سازنده‌اند و افراد را آگاهانه به سوی خود می‌کشانند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت طهارت و عصمت علیهم‌السلام، مظاهر کامل اسلام برای پیروان حقیقت هستند. در این

* دانشجوی دکتری عرفان اسلامی و اندیشه مؤسسه امام خمینی رحمته‌الله.

رهگذر، حضرت فاطمه علیها السلام الگویی برجسته است؛ زیرا ائمه علیهم السلام در روش و سلوک خود به آن بانو تاسی می کردند و او را سرمشق خود قرار می دادند؛ چنانکه حضرت مهدی علیه السلام فرموده است: «وَفِي ابْنِهِ رَسُولِ اللَّهِ لِي أَسْوَهُ حَسَنَهُ»^۱ فاطمه زهرا علیها السلام برای من اسوه والگویی نیکوست». پیروان ائمه علیهم السلام نیز در سلوک فاطمی خود می توانند سیره نورانی حضرت صدیقه کبری علیها السلام را به عنوان زیباترین الگو در پرورش شخصیت خود انتخاب نمایند. رزمندگان دفاع مقدس را می توان از ممتازترین شاگردان مکتب حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دانست که در عرصه های گوناگون زندگی، از سیره حضرت زهرا علیها السلام تأثیر پذیرفته بودند. یکی از عاشقان ولایت اهل بیت علیهم السلام که همه زندگی اش با عشق و ارادت به حضرت زهرا علیها السلام پیوند خورده بود، شهید سید مجتبی علمدار است که وصیت کرده بود در تشییع پیکرش نام مادرش را ببرند. در فرازی از وصیتنامه این شهید آمده است: «قبل از آنکه پیکر مرا در قبر بگذارید، مداحی داخل قبرم برود و مصیبت جدۀ غریبم فاطمه زهرا علیها السلام را بخواند تا شاید مادر مظلومم در شب اول قبر سری به من بزند»^۲.

۲. حضرت زهرا علیها السلام، آموزگار غیرت و عفت

غیرت و همیت مردان جنگ، الهام گرفته از مکتب حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بود؛ به گونه ای که مردان ما برای دفاع از ناموس و حفظ عفت بانوان، جان خود را نثار کردند تا حجاب بماند. این خصوصیت ممتاز افزون بر تبلور در رفتار و منش شهدا، در دست نوشته ها، وصایا و توصیه های آن ها به روشنی تبلور یافته بود؛ چرا که یکی از تأکیدات اغلب شهدا در وصیتنامه های شان حفظ حجاب در زنان و غیرت در مردان است. شهید سعید زقافی در وصیت نامه اش به مادرش نوشته است: «مادرم! زمانی که خبر شهادتم را شنیدی، گریه نکن ... زمان تشییع و تدفینم گریه نکن ... زمان خواندن وصیت نامه ام گریه نکن ... فقط زمانی گریه کن که مردان ما غیرت را فراموش می کنند و زنان ما عفت را. وقتی جامعه ما را بی غیرتی و بی حجابی گرفت، مادرم گریه کن که اسلام در خطر است ...»^۳.

غیرت مندی و ناموس پرستی رزمندگان فاطمی دفاع مقدس را می توان در رفتار از تکاوران ایرانی مستقر در خرمشهر دید، وقتی برای یک جسد عریان، سه شهید می دهند:

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، ح ۹.

۲. گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، مهر مادر، ص ۱۶۷.

۳. خبرگزاری بسیج، «گریه برای فراموشی غیرت و عفت»، ۱۳۹۷/۱۱/۳۰، کد خبر: ۹۲۱۹۶۲۴.

فردای روزی که دشمن بعثی خرمشهر را گرفت، بعثی‌های بی‌شرافت جسد بی‌جان و عریان یک خانم خرمشهری را برای آزار تکاوران ایرانی به تیرک بلندی بستند و آن طرف کارون مقابل چشم رزمنده‌های ایرانی گذاشتند. رگ غیرت رزمنده‌های دلیر ایرانی به جوش می‌آید و تکاورهای نیروی زمینی ارتش سه شهید می‌دهند تا بلاخره جسد آن خانم را پایین می‌آورند و به خاک می‌سپارند.^۱

۲. حضرت زهرا علیها السلام، دروازه وصال و شهادت

قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۲ ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید و دست‌آویز و وسیله‌ای [از ایمان، عمل صالح و آبروی مقربان درگاهش] برای تقرب به سوی او بجویید و در راه او جهاد کنید تا رستگار شوید». بر پایه این آیه شریفه و با استناد به سخنان اهل بیت علیهم السلام و مفسران و نیز سفارش علما و بزرگان، برای برآورده شدن حاجات شرعی خود باید به ساحت مقدس اهل بیت علیهم السلام به‌ویژه ام‌الائم حضرت زهرا علیها السلام متوسل شویم. رزمندگان اسلام نیز برای حاجت گرفتن، از نزدیک‌ترین راه یعنی توسل استفاده می‌کردند.

یکی از توصیه‌های مهم و فراوان بزرگان دین برای برآورده شدن حاجات، به‌ویژه در ایام فاطمیه و شهادت حضرت زهرا علیها السلام، توسل به بانوی بزرگ اسلام به شکل‌های مختلف از جمله خواندن نماز استغاثه به حضرت زهرا علیها السلام، توسل به ایشان و ... است؛ چنانکه آیت‌الله بهجت رحمته الله می‌فرمود: «هر کسی که گرفتار است و مشکل دارد، چاره‌اش این است که متوسل شود به زهرای مرضیه علیها السلام».^۳

یکی از مهم‌ترین حاجت‌ها و بزرگ‌ترین آرزوهای رزمندگان در ایام دفاع مقدس، نائل آمدن به فیض شهادت بود. آن‌ها شهادت را فوز عظیم و مقامی عالی در پیشگاه معبود می‌دانستند که تنها به اولیای خاص الهی ارزانی می‌شود؛ از این‌رو به واسطه توسل به اهل بیت علیهم السلام آن را از خداوند

۱. خبرگزاری دفاع مقدس، «شهادت سه تکاور برای جسد یک ناموس ایرانی»، ۱۴۰۱/۰۶/۲۸، کد خبر: ۵۴۵۸۱۳
<https://defapress.ir/fa/news/545813>

۲. مانده، ۳۵.

۳. خبرگزاری رسمی حوزه، «فاطمه علیها السلام و فاطمیه در کلام و سیره مراجع تقلید»، ۱۳۹۵/۱۱/۲۳، کد خبر: ۴۰۳۸۷۹

طلب می کردند. شهادت نامه شهید حاج احمد کریمی بر این گفتار گواهی می دهد:

او که هم اکنون در گلزار شهدای علی بن جعفر قم مدفون است، در عملیات کربلای پنج در شلمچه به شهادت رسید. او برای شهید شدن به هر دری زده بود، اما شهادت قسمتش نمی شد. بعد از عملیات کربلای چهار حسابی رفته بود توی هم. شب عملیات کربلای پنج مصادف شده بود با شهادت حضرت فاطمه علیها السلام. حاجی نشسته بود توی سنگر فرماندهی. توی آن اوضاع و احوال که همه در تب و تاب عملیات بودند، سراغ مداح را گرفت. راضی اش کرده بود تا برایش روضه بخواند، روضه حضرت زهرا علیها السلام؛ مداح می خواند و حاجی گریه می کرد: «وقتی که باغ می سوخت صیاد بی مروت/ مرغ شکسته پر را در آشیانه می زد/ گردیده بود قنقذ همدست با مغیره/ او با غلاف شمشیر این تازیانه می زد...». همان شب بی بی شهادتش را امضا کرد، صبح عملیات که آمده بود برای سرکشی خط، خمپاره خورد کنارش. فقط دو تا ساق پاش سالم ماند.^۱

۳. حضرت زهرا علیها السلام، اسم رمز عملیات های بزرگ

یکی از ابعاد ارتباط معنوی رزمندگان با حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، توسل به وجود مبارک آن حضرت است که همواره گره گشای موانع جنگ و مشکلات رزمندگان بود. در دوران هشت سال دفاع مقدس، عملیات های متعددی از سوی رزمندگان ایرانی علیه نیروهای بعثی طراحی و اجرا شد که تعدادی از این عملیات ها به نام مبارک حضرت زهرا علیها السلام به عنوان رمز آغاز عملیات متبرک بودند.

از مجموع عملیات های دفاع مقدس، ۱۲ عملیات با طراحی فرماندهان و مقامات عالی رتبه نظامی، با تاسی به نام مبارک حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در مقاطع مهم و سرنوشت ساز جنگ رمز گذاری و اجرا شد.^۲ برای همه کسانی که تاریخ دفاع مقدس را خوانده یا شنیده اند، روشن است که عملیات های کربلای پنج، فتح المبین، بدر و والفجر هشت که همگی با رمز مقدس «یا زهرا علیها السلام» انجام شدند، چه تحولی در سرنوشت جنگ ایجاد کردند و توانستند با تاکتیک های نوین، ماشین جنگی پر قدرت عراق را زمین گیر و از کلاف سر در گم جنگ گره گشایی کنند. در این میان برای نشان دادن عظمت رمز «یا زهرا علیها السلام» و تأثیر آن بر اراده و روحیه شهادت طلبی

۱. محمد خامه یار، ستارگان خاکی، ص ۱۱۲ و ۱۱۳.

۲. عملیات هایی همچون «والفجر ۵ و ۶ و ۷»، «نصر ۵ و ۷»، «کربلای ۶»، «فتح ۷» و «بیت المقدس ۲» نیز با همین رمز مبارک انجام شدند.

رزمندگان، به برکات و دستاوردهای عملیات کربلای پنج به طور اجمالی اشاره می‌شود: موفق نشدن نیروهای ایرانی در عملیات «کربلای ۴»، بحران بزرگی را برای فرماندهان جنگ ایجاد کرده بود و استحکامات «شلمچه» را غیر قابل عبور می‌دانستند؛ اما در این میان فرمانده کل سپاه از شکست در «کربلای ۴» فقط ضعف دشمن در شلمچه را شناسایی کرده بود. به هر صورت عملیات «کربلای ۵» در وضعیت بسیار دشوار طراحی و بلافاصله در ۱۹ دی ماه ۶۵ با رمز مبارک «یا زهرا علیها السلام» و با هدف تصرف شلمچه در ساعت یک بامداد آغاز شد. در این عملیات رزمندگان اسلام با پشتیبانی و حمایت آتشبارهای سنگین از مواضع خود خارج و چون صاعقه بر سر دشمن فرود آمدند. رزمندگان اسلام با عبور از موانع بسیار دشمن، مواضع عراق را از سمت شمال مورد هجوم قرار دادند و تا دوم اسفند ۶۵ به اهداف اصلی خود دست یافتند. در این عملیات بیش از ۹۰۰۰۰ کشته و زخمی از دشمن به جای ماند و ۲۳۸۵ نفر هم به اسارت درآمدند. پیروزی ایران در این منطقه شمارش معکوس پایان جنگ را در پی داشت.^۱

۴. حضرت زهرا علیها السلام، شفای دردهای بی‌درمان

هم‌چنانکه آیات و اسما قرآن کریم به عنوان مظهري از مظاهر اسماء الله (هو الشافی)، شفابخش بیماری‌های روحی و جسمی است؛ نام مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نیز شفابخش دردهاست. در میان همه اذکار و اسماء، ذکر «یا فاطمه علیها السلام» یکی از اذکار مؤثر است.

صفحات تقویم جنگ مملو از نمونه‌های متعدد استشفای رزمندگان و مجروحین جنگ به واسطه استمداد از ساحت مقدس اهل بیت علیهم السلام به ویژه مادر سادات، حضرت زهرا علیها السلام است. شهید احمد کاظمی، یکی از شفایافتگان به دست باکفایت دختر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. او ارادت عجیبی به حضرت زهرا علیها السلام داشت. در هر پست و مقامی بود، مجلس عزای فاطمیه را برپا، و دردها و مشکلات بزرگی را به برکت ذکر و نام حضرت حل می‌کرد. یکی از هم‌رزمانش علت این همه عشق و علاقه حاج احمد را چنین توصیف می‌کند:

او در حین عملیات بیت‌المقدس به سختی مجروح شد و ترکش به سرش خورد. او را به

۱. خبرگزاری ایسنا، «مروری بر چند عملیات متبرک به نام حضرت زهرا علیها السلام»، ۱۳۹۶/۱۲/۱۶، کد خبر: ۷۱۴۵۱.

بیمارستان صحرائی بردیم، اصرار داشت کسی نفهمد زخمی شده که روحیه نیروها خراب نشود. از شدت خونریزی مدتی بی‌هوش بود. یک دفعه از جا پرید و گفت: «بلند شو، باید برویم خط». هر چه اصرار کردیم، بی‌فایده بود. در طی راه از ایشان پرسیدم: «شما بیهوش بودی، چه شد که یک دفعه از جا بلند شدی و ...». خیلی آرام گفت: «وقتی توی اتاق خوابیده بودم، یک‌باره دیدم خانم فاطمه زهرا علیها السلام آمدند داخل اتاق. به من فرمودند: چرا خوابیدی؟! گفتیم: سرم مجروح شده، نمی‌توانم ادامه دهم. حضرت زهرا علیها السلام دستی به سر من کشیدند و فرمودند: بلند شو، بلند شو، چیزی نیست، برو به کارهایت برس.^۱

شفا یافتن چشمان سردار شهید محمد اسلامی نسب، یک نمونه دیگر از توسل به حضرت زهرا علیها السلام است. شهید اسلامی نسب علاقه قابل ستایشی به حضرت صدیقه کبری علیها السلام و روضه‌خوانی او داشت و بدین جهت او را سردار زهرایی می‌خواندند.

وی در عملیات‌های مختلفی شرکت کرد. در یکی از عملیات‌ها چشمانش به شدت آسیب دید. بعد از معاینات دقیق و معالجات متعدد در بیمارستان، پزشکان اظهار کردند که بینایی چشمانش را از دست داده و کاری از کسی ساخته نیست. چند روز بعد سردار به بیمارستان بازگشت و با اصرار آنان را راضی کرد تا چشمانش را عمل کنند. گفت: «شما با رمز یا فاطمه‌الزهرا علیها السلام جراحی را شروع کنید بقیه‌اش با ...». بعد از عمل هنگامی که پانسمان چشمانش را باز می‌کردند، برای بسیجی‌ها از مهربانی کسی سخن می‌گفت که بینایی‌اش را مدیون توسل به او می‌دانست.^۲

۵. حضرت زهرا علیها السلام، خاستگاه توسل رزمندگان

یکی از زیباترین اخلاقیات رزمندگان در جبهه‌ها و شاه‌کلید حل مشکلات، روضه و توسل به ساحت نورانی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بود. در حقیقت علت انس شدید شهدا و رزمندگان به اهل بیت علیهم السلام، همین روضه‌خوانی‌ها بود. آن‌ها به‌گونه‌ای با اشک و روضه مأنوس بودند که عده‌ای از رزمندگان در تعابیر و ادبیات طنزگونه جبهه به «اشکانیان» معروف بودند؛ زیرا تا توسل و روضه‌ای برای معصومین علیهم السلام به‌ویژه حضرت زهرا علیها السلام خوانده می‌شد، به شکل عجیبی شروع به گریه می‌کردند. در وصف خاصیت گره‌گشایی اشک و روضه هنگام موانع و مشکلات همین بس که اطرافیان امام خمینی رحمته الله نقل می‌کنند که هر گاه مشکلات داخلی و

۱. گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، مهر مادر، ص ۵۷.

۲. همان، ص ۴۷.

خارجی برای مملکت پیش می‌آمد، ایشان می‌فرمودند که یک نفر برایشان روضه حضرت زهرا علیها السلام بخواند.

رزمندگان اسلام نیز در تنگناهای سخت جنگ و در کوران آتش دشمن، تنها راه چاره را در توسل به ساحت قدسی مادر سادات علیها السلام می‌یافتند و قفل درهای بسته و رمز عبور از راه‌های دشوار را تنها با کلید توسل و اشک باز می‌کردند. در احوالات فرمانده شهید عبدالحسین برونسی نوشته‌اند:

شب عملیات، نزدیک خاکریز عراقی‌ها به میدان مین رسیدند. هر چه می‌گشتند، معبرش را پیدا نمی‌کردند. شهید عبدالحسین برونسی سردرگم بود و چهل، پنجاه متر آن طرف‌تر یک گردان نیرو منتظر دستورش. می‌گفت: «متوسل شدم به حضرت زهرا علیها السلام. دلم شکست. گریه‌ام گرفت. نمی‌دانم چند دقیقه گذشت. بی‌اختیار دستور حمله را صادر کردم. آن شب حتی یک مین هم عمل نکرد. چند روز بعد، سه نفر از بچه‌ها رفتند طرف همان میدان مین. پای یکی از آن‌ها بر اثر انفجار مین قطع شد. میدان پر بود از مین‌های ضدنفر. کلاه‌هایشان را که پرتاب می‌کردند، مین‌ها منفجر می‌شدند»^۱.

در خاطرات سرلشگر خلبان مصطفی اردستانی نیز نوشته‌اند که او ارادت عجیبی به حضرت زهرا علیها السلام داشت. مصطفی در توسل به اهل بیت علیهم السلام به‌ویژه حضرت زهرا علیها السلام، زبانزد دوستانش بود. علت این ارادت از قول شهید به زبان خواهرش این چنین بیان شده است:

در یکی از مأموریت‌های مهم از داخل خاک عراق بر می‌گشتم. یک‌باره جنگنده من مورد حمله قرار گرفت. بال هواپیما شدیداً آسیب دید. کنترل هواپیما از دست من خارج شد. هیچ فرمانی اجرا نمی‌شد. لحظاتی تا سقوط فاصله داشتم. نمی‌دانستم چه کنم. در همان لحظه ناخودآگاه به یاد حضرت زهرا علیها السلام افتادم. متوسل شدم به بانوی دو عالم. یک‌باره احساس کردم شخصی جلوی چشمانم ظاهر شد و گفت: «شما می‌توانید راحت به پروازتان ادامه دهید». ناگهان فرامین هواپیما را کنترل کردم. انگار نه انگار که دقایقی قبل هیچ‌کدام از این‌ها به فرمان من نبود! من تا لحظاتی قبل در حال سقوط بودم، اما حالا ... اوج گرفتم. به راحتی به پرواز ادامه دادم، در حالی که هواپیما به شدت آسیب دیده بود! وقتی هواپیما به مسیر خود ادامه داد، اشک توی چشمانم حلقه زد ...^۲

۱. سعید عاکف، خاک‌های نرم کوشک، صص ۱۱۲-۱۱۵.

۲. گروه فرهنگی ابراهیم هادی، مهر مادر، ص ۱۵۳.

همچنین هر گاه حمله سنگین دشمن کار رزمنده‌ها را گره می‌زد، توسل شهید الله‌یار جابری به حضرت زهرا علیها السلام بود که گره از کار باز می‌کرد:

گلوله‌های بی‌امان دشمن، امان‌مان را بریده بود و کساری از ما بر نمی‌آمد. الله‌یار جابری گفت: «متوسل شویم به حضرت زهرا علیها السلام تا باران بیاید و عملیات دشمن قطع شود». هنوز یک ربع از توسل‌مان به حضرت نگذشته بود که باران آمد. جابری از خوشحالی گریه می‌کرد. می‌گفت: «یادتان باشد از حضرت زهرا علیها السلام دست برنندارید. هر وقت گرفتار شدید، چاره کار قسم دادن امام زمان علیه السلام به جان مادرش فاطمه زهرا علیها السلام است».^۱

۶. حضرت زهرا علیها السلام، چراغ هدایت بشریت

تکون و شکل‌گیری شخصیت حضرت زهرا علیها السلام از میوه بهشتی^۲ و شخصیتی که خلقت نوری^۳ او نشان از مقام و عظمت والای آن حضرت دارد و نیز منزلت و عظمت حضرت فاطمه علیها السلام، از او شخصیت بلندمرتبه و زیبایی خلق کرده است که تنها او سیده زنان جهان، ام‌الائمه، ام‌المؤمنین و شفیعہ دو سراسر است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصف عظمت ایشان فرموده است: «وَلَوْ كَانَ الْخُسْنُ شَخْصًا [هَيْئَةً] لَكَانَتْ فَاطِمَةَ بَلْ هِيَ أَعْظَمُ؛^۴ و اگر قرار بود حُسن و خوبی شکلی داشته باشد، همانا آن فاطمه علیها السلام بود؛ بلکه فاطمه علیها السلام خیلی برتر است». مقام معظم رهبری (حفظه الله) نیز در این باره فرموده است: «اگر شخصیت فاطمه زهرا علیها السلام برای ذهن‌های ساده و چشم‌های نزدیک‌بین ما آشکار می‌شد، ما هم تصدیق می‌کردیم که فاطمه زهرا علیها السلام سرور زنان عالم است».^۵

رزمندگان که شیفتگان حقیقی پاره‌تن پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، روز و شب خود را با ارادت و توسل به آن حضرت می‌گذراندند. اندک جست‌وجو در روایات و آثار به‌جامانده از آنان صحت این ادعا را به روشنی ثابت می‌کند که امثال سید حمید میرافضلی‌ها و ابراهیم هادی‌ها چگونه با عنایت و

۱. فهیمه محمدزاده، بحر بی ساحل، ص ۱۰۶.

۲. محمد بن علی صدوق، الامالی، ص ۶۹۰؛ محمد بن جریر طبری، دلائل الامامة، ص ۷۷.

۳. محمد بن علی صدوق، معانی الأخبار، ص ۳۹۶؛ سید هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۳۷.

۴. سید هاشم بحرانی، غایة المرام، ج ۵، ص ۳۴، ۲۰۳ و ۲۰۴؛ موفق بن احمد خوارزمی، مقتل الحسين علیه السلام، ج ۱، ص ۱۰۰.

۵. بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۶/۰۶/۳۰.

نظری بی‌بی دو عالم ره صد ساله را یک شبه طی کردند و چگونه بر قلعه عزت و سربلندی درخشیدند و در دل‌ها جاودانه شدند؟ دایره جذبه معنوی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام محدود به تاریخ و مرزهای جغرافیایی جبهه و دفاع مقدس نبود؛ بلکه کسانی بودند که حتی با اسلام و تشیع هم بیگانه بودند، اما عنایت حضرت آن‌ها را به راه سعادت رهنمون کرد. یکی از کسانی که از ساحت قدسی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام کسب فیض و هدایت کرد، خانم «لنه مته سین» بانوی مسلمان شده دانمارکی است که خودش را دختر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می‌داند. وی پس از ازدواج و تشریف به اسلام نام سمیرا را برای خود برگزید و با نام خانوادگی همسرش «خادم» شناخته می‌شود. سمیرا خادم که مدت‌هاست ساکن ایران است، داستان زندگی‌اش را چنین تعریف می‌کند:

۵۶ سال پیش در یکی از شهرهای کوچک دانمارک به دنیا آمدم. در یک خانواده مسیحی زندگی کردم. زمانی که با همسرم آقای خادم ازدواج کردم، به ایشان گفتم ازدواج با شما به معنای این نیست که مسلمان شوم. البته ما با سنت اسلام ازدواج کردیم، اما با ایشان شرط کردم که مسلمان نمی‌شوم. همسرم مسلمان بود و من مسیحی و ما چندین سال با همین شرایط زندگی کردیم، اما وقتی قرار است درهای بهشت به رویت باز شود؛ از اراده انسان خارج می‌شود و مقاومت‌های بیهوده فایده ندارد. داستان هدایت شدن من به بازگشایی حسینیه‌ای در کپنهاک بر می‌گردد. همسرم به اتفاق دوستانش مؤسس این حسینیه بودند. یک شب که همسرم می‌خواست به حسینیه برود، به من گفت: «من یک خواهشی از شما دارم. امشب شهادت حضرت زهرا علیها السلام است. از شما می‌خواهم همراه من به حسینیه بیایی؛ چون ایشان مادر اسلام است». مراسم شروع شد. نمی‌توانم برایتان توصیف کنم، اما روحم پرواز کرد. من در آن تاریکی نوری را دیدم که در اتاق چرخید و حس کردم در وجود من نشست. حالت خاصی پیدا کردم، اما متوجه نبودم چه اتفاقی افتاد. به خانه که برگشتیم، همسرم متوجه دگرگونی حالم شد و از من پرسید چه اتفاقی افتاده است. ماجرا را برایش تعریف کردم. لبخندی زد و گفت: «این طبیعی است. خدا می‌خواهد برای او باشی». وقتی این جمله را گفتم، آرامش خاصی پیدا کردم و تصمیم گرفتم مسلمان شوم، بدون اینکه اطلاعی داشته باشم. فردای آن روز تصمیم گرفتم در اولین اقدام پوشش اسلامی را تهیه کنم. از همان روز از همسرم خواستم به من نماز خواندن را یاد بدهد. امروز خدا را شکر می‌کنم که آن شب در فاطمیه، خدا مرا خواند. من خدا را شاکرم که در فاطمیه کامل شدم. در این مدتی که مسلمان شده‌ام، به یقین رسیدم که اسلام، انسان را کامل می‌کند. دیگر

دنبال گمشده‌ام نیستم؛ زیرا خدا را دارم و محتاج هیچ چیزی نیستم. یکی از چهره‌های نابی که به عنوان انسان کامل برای من شناخته شده، حضرت زهرا علیها السلام است. این شخصیت ارزنده به من کمک کرد تا شناخت کاملی نسبت به اسلام پیدا کنم. به نظر من یکی از وجوه شخصیتی حضرت زهرا علیها السلام که برای من بسیار جذاب است، حجاب فاطمی است. من پیش از مسلمان شدن تصور می‌کردم، حجاب مثل زندان است که زن را محدود می‌کند و حتی حقوق اولیه او را از بین می‌برد. این تفکری است که در غرب برای حجاب رایج است و من هم مانند آن‌ها فکر می‌کردم، اما روزی که تصمیم گرفتم مسلمان شوم و خواستم با مانتو و روسری از خانه خارج شوم؛ همین که در را باز کردم، سرم را بلند کردم و لبخندی بر لبانم نشست و راه افتادم. حس می‌کردم با حجاب از زندان آزاد شده‌ام، احساس آزادی به من دست داده بود. خیلی احساس شادی به من دست داد. برخلاف آنچه تصور می‌کردم، حجاب نه تنها مرا محدود نکرد؛ بلکه علاوه بر آزادی، احترام را نیز در پی داشت.^۱

۷. حضرت زهرا علیها السلام، اسطوره گمنامی و بی‌نشانی

حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام در توصیف مردمی که با فتنه‌جویان جهاد می‌کنند، می‌فرماید: «فی الارض مجهُوُلُون و فی السَّماءِ معزُوفُونَ»^۲ آنان در روی زمین گمنام و بی‌مقدار و در آسمان شناخته و پدیدارند». رزمندگان دفاع مقدس نیز خود را از قید نام و نشان‌های زمینی رها کردند تا به شهرت آسمانی متصف شدند. شهید عبدالحسین برونسی به عشق مادر خواست گمنام بماند و بعد از سال‌ها در روز شهادت مادرش رجعت کرد. او بازگشت تا باز هم ارادت خود را اثبات کند. آری، او در مهر مادر خلاصه شده بود. ذره ذره وجود او نام «مادر» را صدا می‌کرد. او برای صدها جوان مشتاق، حقیقتاً چراغ راه شد.

این وادی پر است از ستاره‌هایی که راه را نشان می‌دهند. جنگ برای ما صدها هزار چراغ راه نمایان کرد. یکی دیگر از این ره‌یافتگان، شهید ابراهیم هادی است که گمنامی را به دلیل شباهت به ماجرای مادر انتخاب کرد. او که در مجالس حضرت صدیقه علیها السلام، حضور حضرت را حس می‌کرد، در مداحی‌ها از مادرش می‌خواند. شنیده بود که شهدای گمنام میهمان حضرت زهرا علیها السلام

۱. خیرگزاری جهان‌نیوز، «داستان خواندنی زن اروپایی که با روضه حضرت زهرا علیها السلام متحول شد»، ۱۳۹۶/۱۱/۱۱، کد خبر: ۵۸۷۴۷۷.

<https://www.jahannews.com/news/587477>

۲. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، ص ۱۴۸، خطبه ۱۰۲.

در برزخ هستند، برای همین از خداوند خواسته بود گمنام بماند. خدا هم دعایش را مستجاب کرد. او سال‌هاست در فکه گمنام مانده است.

فهرست منابع

کتاب

۱. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه البعثه، ۱۴۱۵ق.
۲. _____، غایة المرام و حجة الخصام في تعيين الامام، بیروت: مؤسسة التاريخ العربي، ۱۴۲۲ق.
۳. خامه یار، محمد، ستارگان خاکی، قم: ستاد بزرگداشت یادواره فرماندهان شهید لشکر ۱۷ علی علیه السلام، ۱۳۷۵ش.
۴. خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین علیه السلام، قم: انوار الهدی، ۱۴۲۳ق.
۵. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۶. صدوق، محمد بن علی، الامالی، چاپ ششم، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۷. _____، معانی الاخبار، تصحیح علی‌اکبر غفاری، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
۸. طبری آملی، محمد بن جریر، دلائل الامامة، قم: دار الذخائر، بی تا.
۹. عاکف، سعید، خاک‌های نرم کوشک، نشر کاتبان، چاپ سوم، مشهد، ۱۳۸۴ش.
۱۰. گروه فرهنگی ابراهیم هادی، مهر مادر، چاپ هفتم، قم: نشر امینان، ۱۳۹۲ش.
۱۱. محمدزاده، فهیمه، بحر بی ساحل، قم: نشر ستاره‌ها، ۱۳۸۶ش.

سایت‌ها

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای.
۲. خبرگزاری ایسنا، «مروری بر چند عملیات متبرک به نام حضرت زهرا علیها السلام»، ۱۳۹۶/۱۲/۱۶، کد خبر: ۷۱۴۵۱.
۳. خبرگزاری بسیج، «گریه برای فراموشی غیرت و عفت»، ۱۳۹۷/۱۱/۳۰، کد خبر: ۹۲۱۹۶۲۴.
۴. خبرگزاری جهان‌نیوز، «داستان خواندنی زن اروپایی که با روضه حضرت زهرا علیها السلام متحول شد»، ۱۳۹۶/۱۱/۱۱، کد خبر: ۵۸۷۴۷۷.

۵. خبرگزاری دفاع مقدس، «شهادت سه تکاور برای جسد یک ناموس ایرانی»، ۱۴۰۱/۰۶/۲۸،
کد خبر: ۵۴۵۸۱۳.
۶. خبرگزاری رسمی حوزه، «فاطمه علیها السلام و فاطمیه در کلام و سیره مراجع تقلید»، ۱۳۹۵/۱۱/۲۳،
کد خبر: ۴۰۳۸۷۹.

مراسم فاطمیه و شیوه‌های خنثی‌سازی فتنه‌های دشمنان

حجت‌الاسلام والمسلمین احمد فلاح‌زاده*

مقدمه

مراسم فرهنگی - آیینی فاطمیه، به منظور الگوسازی از آن حضرت به عنوان زن نمونه مسلمان برگزار می‌شود. از نظر پیروان اهل بیت علیهم‌السلام، جنبه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی حضرت فاطمه علیها‌السلام در ایام فاطمیه مورد تأکید قرار می‌گیرد تا سخنرانان و مداحان با توجه به ابعاد زیستی ایشان بتوانند، نماد زن چند بُعدی مسلمان را به جامعه مسلمان معرفی کنند. در برابر این هدف از برگزاری فاطمیه، دشمنان اسلام می‌کوشند با توان رسانه‌ای، هزینه‌های گسترده مالی، ابزارهای تبلیغاتی و نیروهای نفوذی خود در جوامع اسلامی تصویری دگرگون شده از این مراسم به نمایش بگذارند و آن را زمینه جدایی اسلامی میان مذاهب قرار دهند. این در حالی است که از نظر شیعیان این مراسم فقط یادکردی از دختر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عنوان نمونه زن موفق مسلمان است. از سوی دیگر پیوند برادری میان شیعیان و اهل سنت هم ریشه در دینداری و اعتقاد به امت واحده اسلامی دارد و این پیوند در مناطق مشترک شیعی و سنی، معمولاً با پیوند خویشاوندی میان شیعه و اهل سنت نیز گره خورده است و دشمن از یکپارچه شدن امت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ناخرسند است.

سابقه برگزاری مراسم فاطمیه

تاریخچه برگزاری فاطمیه به سده‌های نخستین اسلامی باز می‌گردد؛ چنانکه بنا بر نوشته حسین بن حمدان خصیبی (۳۳۴ق) که در عصر دولت شیعه آل بویه می‌زیست، این مراسم از زمان

* دکتری تاریخ اسلام.

امام صادق علیه السلام به بعد، در میان شیعیان رسم بود.^۱ این نکته شایسته توجه است که دولت‌های اموی و عباسی، اجازه برگزاری چنین مراسمی را به شیعیان نمی‌دادند تا آنکه در قرن چهارم، همزمان سه دولت شیعی در سراسر جهان اسلام شکل گرفت. دولت آل بویه در ایران و عراق، دولت حمدانیان در سوریه و دولت فاطمیان در مصر و شمال آفریقا. از این زمان به بعد عزاداری برای حضرت زهرا علیها السلام در مساجد شهرهای مختلف گزارش شده است. بنا بر نقل قاضی عبدالجبار معتزلی (۴۱۵ق) در عصر فاطمیان عده‌ای از شیعیان در مناطقی از جمله مصر، دمشق، بغداد، رمله، عکا، صور، عسقلان و ... این مراسم را گرامی می‌داشتند.^۲ از اسناد تاریخی قرن چهارم بر می‌آید که یادکرد از حضرت زهرا علیها السلام در این دوره، از تقدس بسیار زیادی برخوردار بود. در این باره، آمده است شخصی به نام خالع نقل می‌کرد، که در بغداد با پدرم، در سال ۳۴۶ قمری در مسجد لبودی نشسته بودیم. در این حال مردی که جامه‌ای وصله‌دار بر تن و انبان و دلو کوچکی در دست و عصایی در پنجه داشت بیامد. گرد راه بر سر و صورتش نمایان بود. با صدای بلند بر جماعت سلام کرد و گفت: من فرستاده فاطمه زهرا علیها السلام هستم. گفتند: خوش آمدی، در آی. گفت: «احمد مزوق» نوحه سرا کدام یک از شماست، گفتند: همان است که آنجا نشسته. گفت: بانویمان را در خواب دیدم که مرا گفت: به بغداد رو و او را بیاب و بگو شعر «ناشی» را که در مرثیه فرزندم سروده بخواند. شعری که در مطلع آن می‌گوید:

بَنِي أَحْمَدَ قَلْبِي لَكُمْ يَنْقَطِعُ
بِمِثْلِ مُصَابِي فَيُكْمُ لَيْسَ يُسْمَعُ
عَجِبْتُ لَكُمْ تَفَنُونَ قَتْلًا بِسَيْفِكُمْ
وَيَسْطُو عَلَيَكُمْ مَن لَكُمْ كَانَ يَخْضَعُ

«ناشی» حاضر بود وقتی این سخن را شنید، بر سر و صورت زد. مزوق نیز چنان کرد و مردم هم بر سر و صورت زدند و به آن قصیده تمام آن نیمروز، نوحه و زاری کردند تا هنگام نماز ظهر رسید و مجلس بگسست.^۳

افزون بر ایشان، قاضی تنوخی (۳۲۷-۳۸۴ق)، نویسنده «نشوار المحاضرة» که کتابش را طی ۲۰ سال یعنی از ۳۶۰ تا ۳۸۰ هجری نوشته است، از زبان مردی به نام «ابن اصدق» به شعری

۱. حسین بن حمدان خصیبی، الهدایة الکبری، ص ۴۰۷.

۲. قاضی عبدالجبار، تثبیت دلائل النبوة، ج ۲، ص ۵۹۵.

۳. یاقوت حموی، معجم الادباء، ج ۴، صص، ۱۷۸۸-۱۷۸۹.

اشاره می‌کند که حضرت زهرا سرود تا مداحان بدان مرثیه سرایی کنند.

لَمْ أَمْرُضْهُ قَتِيلًا
لَا وَلَا كَانَ مَرِيضًا
أَيُّهَا الْعَيْنَانِ فَيْضًا
وَاسْتَهْلَا لَا تَغِيضًا^۱

عزاداری ایام فاطمیه دوم در ایران، از عصر قاجار رواج داشت. در دوره معاصر نیز در برخی شهرها مانند قم مسجدی به نام فاطمیه که زمینش متعلق به پسر ناصرالدین شاه به نام اعتضاد الدوله (۱۲۶۸ش) ساخته شده بود، محل برگزاری مراسم فاطمیه بود.^۲ این مسجد همان مکانی است که بعدها به مسجد آیت‌الله بهجت معروف شد. پس از تشکیل حوزه علمیه و زعامت حاج شیخ عبدالکریم حائری، عزاداری این روز مراسم احیا و در دوره پهلوی دوم (محمدرضاشاه) مراسم فاطمیه به فرصتی برای مبارزه با دستگاه طاغوت تبدیل شد. برای مثال در مراسم فاطمیه سال ۱۳۴۲ که در مسجد فیل (محل عیدگاه) مشهد منعقد شده بود، شهید هاشمی‌نژاد منبر رفت و در بیانات خود اشاراتی به وقایع خونین ۱۵ خرداد و فاجعه مدرسه فیضیه قم کرد.^۳ در سال ۱۳۷۹ش بر اساس تصویب دولت جمهوری اسلامی، روز سوم جمادی‌الثانی به مناسبت شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام تعطیل رسمی اعلام شد. البته شیعیان کشورهای عربی بنا بر روایت شهادت حضرت زهرا علیها السلام چهل روز پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، روز «هشتم ربیع‌الثانی» نیز برای حضرت فاطمه علیها السلام عزاداری می‌کنند.

هدف برگزاری مراسم فاطمیه

۱. تکریم مقام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

امام باقر علیه السلام فرموده است: «رَجِمَ اللَّهُ عَيْدًا أَحْيَا أُمَّرْنَا؛ خداوند رحمت کند آن بنده‌ای را که امر (یاد و راه) ما را زنده کند». با توجه به شرایط جنگ فرهنگی میان جهان اسلام و دنیای غرب، برپایی مجالسی که در آن ذکر خدا و نام اهل بیت علیهم السلام زنده شود و به بیان مسائل اسلامی پرداخته شود، احیای فرهنگ اسلامی به شمار می‌رود. حضرت زهرا علیها السلام به عنوان دختر پیامبر صلی الله علیه و آله که تحت تعالیم ایشان بوده سزاوار است تا در موقعیت‌ها و مناسبت‌های مرتبط با

۱. تنوخی أبوعلی، نشوار المحاضرة و أخبار المذاكرة، ج ۲، صص ۲۳۱-۲۳۰.

۲. محمدحسین ناصرالشریعه، تاریخ قم، ص ۴۱۶.

۳. رمضانعلی شاکری، انقلاب اسلامی مردم مشهد از آغاز تا استقرار جمهوری اسلامی، ص ۱۲.

۴. عده‌ای از علما، الأصول الستة عشر، ص ۲۴۷.

شخصیت ایشان، از وی به عنوان الگویی برای تمام زنان جهان و به‌ویژه زنان مسلمان یاد شود. تأکید ویژه بر جایگاه الگوسازی از شخصیت ایشان، سبب می‌شود که مقاطع حساس و خاص زندگی ایشان برای مسلمان برجسته و پر رنگ شود. اولین مقطع، ولادت ایشان است. ولادت حضرت زهرا علیها السلام در جایگاه مادر اهل بیت علیهم السلام و تربیت یافته پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان «روز زن» و «روز مادر» شناخته می‌شود. بنابراین ولادت ایشان مبنای یک مناسبت ملی و جهانی، یعنی روز مادر قرار گرفته است. مقطع تاریخی مهم دیگر در زندگی ایشان، تاریخ ازدواج ایشان به عنوان الگوی ازدواج در اسلام با حضرت علی علیه السلام است که در تقویم کشور ایران به عنوان «روز ملی ازدواج و خانواده» نامگذاری شده است. بخش پایانی زندگانی ایشان، فرصت خوبی برای بیان فضائل و سیره آن حضرت در همه ابعاد زندگی است. بنا بر ماهیت مراسم فاطمیه، در بزرگداشت دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله که مصداق آیه ۲۳ سوره مبارکه شوری است: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى؛ بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم [= اهل بیتم]»، دستداران آن حضرت در قالب مجالس ذکر در مساجد، حسینیه‌ها و تکایا گرد هم می‌آیند و پس از بیان گوشه‌های عبرت‌آموز از سخنان و سیره آن بانوی بزرگ، به ترویج سبک زندگی فاطمی در جامعه اسلامی می‌پردازند؛ زیرا مادر، یکی از عناصر اصلی فرهنگ است و نیکی به مادر، از سنت‌های پیامبران بوده است. قرآن کریم درباره حضرت عیسی علیه السلام در آیه ۳۲ سوره مریم می‌فرماید: «أَوْصَانِي ... وَ بَرًّا بِوَالِدَتِي؛ خداوند مرا نسبت به مادرم به نیکوکاری سفارش کرده است».

رهبر انقلاب در این باره در پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۲ و در شرایطی که روز شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام (فاطمیه اول) مصادف با پنجم فروردین شده بود، در ابتدای بیانات‌شان افزون بر ذکر صلوات خاصه حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: «به هم‌میهنان عزیزمان عرض می‌کنم توجه داشته باشند که ایام فاطمیه در اواسط روزهای عید است و تکریم و احترام این ایام برای همه ما لازم است». ^۱ تأکید رهبر انقلاب همواره بر این امر بود که زنده داشتن یاد و نام حضرت فاطمه علیها السلام، به معنای نشر فضایل اسلامی در جامعه است.

حضرت مادری تو ای بانو
ما تمامی به مهر تو فرزند

۱. پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۲.

لحظه‌های تو، قدر لیلہ قدر
تالی کوثری به هر لبخند
ما عرفک... به جز نبی و علی
جز خدا ای حبیبه داور
از مدیح شما چه گویم من
جز شما کیست بر پدر مادر...^۱

۲. معرفی حضرت فاطمه علیها السلام به عنوان الگوی وحدت اسلامی

بررسی زندگانی حضرت زهرا علیها السلام نشان می‌دهد تمام تلاش ایشان بر اساس وحدت اسلامی شکل یافته بود و از نظر ایشان «ولایت و امامت»، عامل وحدت‌بخش بود؛ از همین رو کوشیدند با تمسک به این ریسمان الهی زمینه وحدت سیاسی میان مسلمانان را فراهم کنند. آن حضرت در این باره فرموده است: «فَقَرَضَ اللَّهُ ... طَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ وَ الْإِمَامَةَ لَنَا مِنَ الْقُرْقُةِ؛^۲ آخدای متعال فرمانبرداری از ما را برای نظام ملت و امامت ما را برای جلوگیری از پراکندگی خلق قرار داد». دقت در مجالسی که مقام معظم رهبری در ایام فاطمیه اقامه می‌کنند، نشان می‌دهد در همه این سال‌ها در هیچ موردی وحدت جامعه اسلامی خدشه‌دار نشده و آسیبی به این اتحاد وارد نشده است. در عین حال که در این مراسم موضوع الگوسازی از حضرت زهرا علیها السلام به خوبی بیان می‌گردد، به دلیل جایگاه حضرت زهرا علیها السلام در میان مسلمانان، این مراسم به زمانی برای دعا و شرح معارف اسلامی تبدیل شده است.

روش‌های فتنه‌گری دشمنان در ایام فاطمیه

۱. معرفی مراسم فاطمیه به عنوان تقابل تاریخی شیعه و سنی

دشمنان اسلام می‌کوشند از مذاهب شیعه و سنی دو چهره کاملاً مخالف یکدیگر ترسیم کنند. بنابراین با استفاده از مثلث «پژوهش و اطلاعات»، «رسانه و فناوری» و «سیاست و مدیریت جامعه» سعی در برجسته‌سازی تمایزهای این دو مذهب دارند؛ به این گونه که در گام نخست با پژوهش و گردآوری اطلاعات از جامعه شیعه و سنی در راستای شناسایی نقاط تفاوت میان دو مذهب، می‌کوشند به صورت علمی به فهم نقاط تمایز مذاهب بپردازند. در گام بعدی از رسانه‌های خود برای برجسته‌سازی این دستاوردهای پژوهشی و اطلاعاتی خود استفاده کنند و با برنامه‌سازی می‌کوشند برنامه‌های خود را به مسائل تاریخی استناد دهند. در جبهه سیاسی نیز سیاستمداران‌شان با دو طیف کردن جهان اسلام به شیعی و سنی، تلاش می‌کنند با ذکر نقاط

۱. شعر از حلما.

۲. محمد بن علی صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۸.

اختلاف، با نقشه‌های خود مسلمانان را در برابر یکدیگر قرار دهند. البته این امر سابقه دیرینی دارد؛ چنانکه نقل شده است:

در تهران کنار سفارت عثمانی (سفارت ترکیه) مسجدی از مساجد شیعیان بود که مأمورین سفارت که سنی مذهب بودند، صبح‌ها در آن مسجد نماز می‌خواندند. شیخی در این مسجد هر روز صبح روضه حضرت زهرا علیها السلام را می‌خواند و مطالبی را به خلیفه دوم نسبت می‌داد. یکی از اهل محل که شخص دقیقی بود، نقل می‌کند: من گفتم اینکه این شیخ هر روز این روضه را در اینجا می‌خواند، باید پشت سر این ماجرا حتماً چیزی نهفته باشد. به او گفتم: شیخنا، شما روضه دیگری بلد نیستید بخوانید؟ هر روز صبح این روضه را می‌خوانید؟! گفت: بلدم. گفتم: پس چرا هر روز این روضه را می‌خوانی؟ گفت: من یک بانی (صاحب ندی) دارم که روزی پنج ریال به من می‌دهد و می‌گوید این روضه را در این مسجد بخوان و من هم می‌خوانم! گفتم: می‌شود این بانی را به من معرفی کنی؟ گفت: بله، یک دکاندار در همین خیابان است. آن شخص می‌رود با آن صاحب مغازه طرح رفاقت می‌ریزد، پس از مدتی می‌گوید شما چطور شده که می‌گویید هر روز در این مسجد روضه حضرت زهرا علیها السلام بخوانند؟ می‌گوید: یک کسی روزی دو تومان به من می‌دهد که در این مسجد روضه حضرت زهرا علیها السلام خوانده شود، من پانزده ریال آن را برمی‌دارم و پنج ریال را می‌دهم به این شیخ روضه بخواند. بعد تعقیب می‌کند ببیند که بانی این روضه چه کسی است! معلوم می‌شود روزی بیست و پنج تومان از سفارت انگلیس می‌دهند که بین چند نفر دست به دست می‌شود تا صبح‌ها روضه‌ای از حضرت زهرا علیها السلام در این مسجد که در کنار سفارت عثمانی است، بخوانند تا اهل سنت را تحریک کنند و بین کشور ایران و عثمانی (ترکیه) اختلاف بیاندازند.^۱

البته باید توجه داشت که اصل توسل به حضرت زهرا علیها السلام و خواندن روضه آن حضرت از اعمال نیک و سیره اهل بیت علیهم السلام به شمار می‌رود.

۲. ترویج افراط گرایی در میان فرقه‌های اسلامی

دشمنان اسلام از سال‌ها پیش در تلاشند با پرداخت هزینه مدارس افراطی، رسانه‌های تندرو و شبکه‌های اجتماعی اختلاف‌افکن در خارج از ایران و عمدتاً در انگلیس و آمریکا، آن‌ها را نسبت

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار (داستان و راستان)، ج ۱، ص ۱۴۴.

به بی‌حرمتی به مقدسات اهل سنت تشویق کنند. این جماعت از يك سو به «دشنام‌گویی علنی به مقدسات اهل سنت» مشغولند و از سوی دیگر به ترویج «قمه‌زنی» و «آداب خرافی جدید» اهتمام دارند و این کارهای زشت را به عنوان «شعائر تشیع» قلمداد کنند؛ در حالی که شیعه هرگز چنین چیزی را تأیید نمی‌کند و این امر را افراط در مذهب می‌داند.^۱ از آن سو با نشر این نوع از تبلیغ‌ها در میان گروه‌های تندرو سنی مانند داعش سعی می‌کنند آنان را به کشتن شیعیان ترغیب نمایند، فتاوی‌ای تکفیر را از آنان بگیرند و منتشر نمایند.

۳. ایجاد جنگ شناختی و استفاده گسترده از رسانه

جنگ شناختی، یکی از انواع عملیات روانی است که در آن دشمن به دنبال ایجاد اخلال در قوه شناخت مردم با استفاده از خطاهای شناختی مغز انسان است. رفتار توده‌ای به عنوان مهم‌ترین خطای شناختی مورد استفاده قرار می‌گیرد و با شدت عملیات روانی تلاش می‌کنند تا مخاطبان را به فهم اشتباه از واقعیت وادار کنند.^۲ جنگ شناختی (Cognitive warfare) یعنی اطلاعات غلط برای فرسودگی روانشناختی گیرنده‌های اطلاعات به طور گسترده در یک جامعه از طریق رسانه‌های اجتماعی، شبکه اینترنت و شبکه‌های ارتباطی پخش شود تا با از بین بردن اعتماد جامعه نسبت به حاکمیت، به نابودی نیروهای اجتماعی و سرمایه‌های کاری کشور بینجامد. در این جنگ نخبگان جامعه، اعتقادات و نگرش‌های مثبت و در یک کلام، واقع ادراک جامعه مورد هدف قرار می‌گیرد تا ماجرا را آن طوری که دشمن می‌خواهد تفسیر کنند و بفهمند. «نفوذ راهبردی» که با محوریت جنگ شناختی - ادراکی صورت می‌گیرد، همه ابعاد بینشی - معرفتی، نگرشی - انگیزشی و کنشی - منشی نظام دینی را در سطوح ساختاری، حاکمان، نخبگان و توده مردم هدف قرار می‌دهد.^۳ با همین مقدمه، دشمنان اسلام با صرف هزینه‌های بسیار برای فیلم‌سازی، در تلاشند از هنر هفتم برای ایجاد چالش مذهبی بهره ببرند. برای نمونه انگلیس و

۱. پایگاه خبری ماسال‌نیوز، «هشدار در باره رواج روضه‌های جعلی در فاطمیه»، ۱۳۹۳/۱۲/۰۱، کد خبر: ۷۸۶۸.
<http://masalnews.ir/7868>

۲. کیارش حسینی و حسین حسن‌پور، «تأثیر جنگ شناختی بر بازار ارز با استفاده از شاخص رفتار توده‌ای»، فصلنامه اقتصاد دفاع، ص ۷۳.

۳. مهدی گرجی ازندریانی و مریم حاجی عبدالباقی، «ابعاد و شیوه‌های نفوذ راهبردی دشمن در سامانه «نگرشی» نظام دینی از منظر آموزه‌های قرآنی - روایی»، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ص ۵۱۵.

آمریکا به صورت مشترک فیلم‌هایی را ساخته‌اند و در آن همین سیاست را دنبال می‌کنند.^۱ آن‌ها در جنگ شناختی تلاش می‌کنند به مخاطب بیاوراند که مراسم فاطمیه یک تضاد مذهبی است؛ در حالی که واقعیت این است که این مراسم برای ایجاد فضای معنوی در جامعه آن هم در این شرایط جنگ فرهنگی غرب علیه اسلام و یادکرد از اهل بیت علیهم‌السلام شکل گرفته است.

راه‌های مقابله با فتنه‌ها

۱. ایجاد رویکرد اخلاقی - تربیتی در مراسم فاطمیه

بررسی‌ها نشان می‌دهد عمده مشکل جامعه امروز ما، دوری جامعه از مسائل اخلاقی و معرفتی نامناسب الگوهای دینی برای مردم و به‌ویژه نسل جوان است که اصلاح این امر می‌تواند خطیبان را در شرایطی قرار دهد تا از فضای معنوی مراسم فاطمیه برای ایجاد شرایط تربیت اخلاقی بهره ببرند. منظور از رویکرد تربیتی آن است که در مجالس فاطمی، فضایی از حضرت فاطمه علیها‌السلام نقل می‌شود که قابل الگوبرداری و سرمشق گرفتن در راستای تربیت جامعه و فرد است. مسائلی چون تربیت عبادی، اخلاق کریمانه، ادب در خانواده، امید به آینده، فعالیت صحیح اجتماعی - سیاسی، عقل‌گرایی در عین پابندی به شرع، تلاش برای ایجاد مدینه فاضله، تربیت انسان نمونه و ... از مواردی هستند که می‌توان در خلال این مراسم آموزش داد.

البته باید دقت کرد به دلیل حرام بودن انتساب مطالب دروغ به اهل بیت علیهم‌السلام در روضه‌خوانی، حتماً روضه‌های مستند خوانده شوند و در این باره به سخنان و روضه‌های بزرگان دینی مراجعه شود. برای نمونه در فاطمیه می‌توان روضه‌های استاد مطهری رحمته‌الله یا روضه‌های رهبر فرزانه انقلاب را مد نظر قرار داد. از این رو، بهترین راهکار طبق سفارش اهل بیت علیهم‌السلام، آموزش تعالیم حضرت زهرا علیها‌السلام است؛ زیرا این تعالیم حاوی مسائل اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عمیقی هستند.

۲. تشویق مسلمانان به دوستی اهل بیت علیهم‌السلام

دقت در روش زندگانی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و آیات قرآن کریم نشان می‌دهد رسول خدا و برخی آیات به

۱. خبرگزاری رسمی حوزه، «بازنشر نظر مراجع عظام تقلید درباره فیلم سینمایی بانوی بهشت + سند»، ۱۳۳/۱۱/۰۸، کد خبر: ۹۳۵۳۸۰.

<https://www.hawzahnews.com/news/935380>

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۶، ص ۵۷ و ۵۸ و ۹۴ و ۹۵ و ج ۲۴، ص ۲۸۷ - ۲۷۶.

روشنی مسلمانان را به دوستی اهل بیت علیهم‌السلام فرمان داده‌اند. این خانواده نمونه و بی‌نظیر - مرد خانه علی علیه‌السلام، زن خانه فاطمه زهرا علیها‌السلام، فرزندان خانه امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام با آن خصوصیتی که از این‌ها می‌شناسیم - آن خانواده‌ای است که قرآن به پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید که «قُلْ لِأَسْتَأْذِنُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى». مودت یعنی همبستگی، همدلی، همراهی و همکاری، این معنای مودت است.^۱ بدون شك پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، فاطمه علیها‌السلام را بسیار دوست می‌داشت و می‌فرمود: «فاطمه، پاره‌تن من است. بیازارد مرا، هرچه او را بیازارد» و نیز علی علیه‌السلام و حسنین علیهما‌السلام را دوست می‌داشت؛ هم‌چنانکه روایات بسیار و متواتر در این باب رسیده است. پس دوستی آنان بر همه امت واجب است؛ زیرا قرآن می‌فرماید: محبت پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نسبت به آنان جنبه شخصی ندارد؛ یعنی تنها بدین جهت نیست که مثلاً فرزند یا فرزندزاده او هستند و اگر کسی دیگر هم به جای آن‌ها می‌بود، پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آن‌ها را دوست می‌داشت. پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از آن جهت آن‌ها را دوست می‌داشت که آن‌ها فرد نمونه بودند و خدا آن‌ها را دوست می‌داشت، والا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرزندان دیگری هم داشت که نه او با آن‌ها به این شکل محبت داشت و نه امت چنین وظیفه‌ای داشتند.

قرآن کریم درباره تبعیت از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «وَ اتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»^۲ پیرو او (پیامبر) شوید، باشد که هدایت یابید». همچنین می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ رسول خدا الگویی نیکویی برای شماست». این موارد دلالت می‌کند که دوستی آل محمد - که علی علیه‌السلام و فاطمه علیها‌السلام و حسنین علیهما‌السلام هستند - بر همه مسلمین واجب است.^۳ چنانکه احمد بن حنبل از امام سجاد علیه‌السلام نقل کرده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم أَخَذَ بِيَدِ حَسَنِ وَحُسَيْنٍ فَقَالَ: مَنْ أَحَبَّنِي وَأَحَبَّ هَدَيْنِ، وَأَبَاهُمَا وَأُمَّهُمَا كَانَ مَعِي فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دست حسنین را گرفته بود و می‌فرمود هر کسی این دو پدر و مادرشان را دوست بدارد، در قیامت در کنار من است».

۱. بیانات در ارتباط تصویری با مداحان، ۱۳۹۹/۱۱/۱۵.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47254>

۲. اعراف: ۱۵۸.

۳. مرتضی مطهری، مجموعه آثار (جاذبه و دافعه علی علیه‌السلام)، ج ۱۶، ص ۲۸۰ و ۲۸۱.

۴. احمد ابن حنبل، مسند ابن حنبل، ج ۲، ص ۱۸.

۳. تقویت قدرت تحلیل مخاطبان

یکی دیگر از روش‌های خنثی‌سازی فتنه‌ها، ایجاد توان تحلیل در مخاطب آن‌هم در یک جنگ بزرگ شناختی است که دشمن آن را آغاز کرده است. در این رابطه باید اهالی تبلیغ نخست خودشان مسلح به فهم تحلیلی رویدادهای تاریخی و جنگ شناختی امروز شوند و در وهله بعد این دانش را برای ارتقای قدرت تحلیل مخاطب به کار گیرند؛ زیرا در مراسم فاطمیه هر گونه تحلیل نادرست از مقصود اصلی برگزاری مراسم فاطمیه که احیای مقام این الگو برای جامعه است، روا نیست؛ چرا که امروزه جامعه اسلامی در شرایط جنگ روانی (نبرد شناختی) قرار دارد. جنگ شناختی را نخستین بار شیطان علیه انسان طراحی و چنان قوی عمل کرد که قدرت تشخیص انسان را دستکاری کرد و او را منحرف ساخت به گونه‌ای که پذیرفت سخن او حقیقت محض است. خدای متعال این جنگ شناختی را در قرآن بارها مورد اشاره و تأکید قرار داده است. در این باره در ماجرای جنگ بدر می‌فرماید: «إِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ؛ شیطان به شکل یکی از بزرگان قریش در آمده، به مشرکان مکه که در تصمیم به جنگ با مسلمانان چندان جدی نبودند، گفت [با مسلمانان بجنگید که] شما امروز پیروزید و من یاور شما هستم».^۱ مشرکان نیز جنگ را آغاز کردند و ۱۴۰ کشته و زخمی دادند.

بنابراین شایسته است صاحبان منابر موعظه، فعالان رسانه و کنشگران اجتماعی در ایام فاطمیه، با ایجاد هیجان مذهبی به تحریک یک مذهب علیه دیگری نپردازند؛ بلکه با مطالعه دقیق تاریخ اسلام و به‌روز رسانی مطالعات خود در راستای حل مسائل جهان اسلام، به بیان تحلیل رویدادهای تاریخ اسلام بپردازند و سعی نمایند قدرت تحلیل درست را به مخاطب ارائه بدهند. بایسته درنگ است که پس از گذر قرن‌ها از رخداد‌های پس از رحلت پیامبر ﷺ، امروز لازم است متناسب با نیاز زمان که «وحدت اسلامی»، «روشنگری سیاسی - اجتماعی» و «ایجاد قدرت تحلیل» است، الگو برداری از شخصیت حضرت فاطمه عليها السلام را تبیین نمایند.

نتیجه‌گیری

ایام فاطمیه، یکی از شرایط تبلیغ دین اسلام است که انگیزه رسمی کردن آن در جمهوری اسلامی ایران فقط حفظ یاد و نام اهل بیت عليهم السلام و ایجاد شرایطی برای تبلیغ سراسری دین از

دریچه یک مراسم است. شایسته است مبلغان گرامی با شناخت روش‌های دشمنان در ایجاد نزاع مذهبی از هر گونه بیان مطالبی که اتحاد اسلامی را خدشه‌دار کند، پرهیزند و ضمن معرفی نقشه‌های دشمنان، از فضای معنوی ایام فاطمیه برای بیان فضایل، تبیین شخصیت، الگوسازی از حضرت زهرا علیها السلام استفاده نمایند. ترویج اخلاق اسلامی، تشویق به عبادت، ترویج حیا، رشد فرهنگ سیاسی زنان از دیگر مسائلی است که می‌توان از دل همین مراسم به نشر و اشاعه آن‌ها به عنوان امور اسلامی پرداخت.

فهرست منابع

کتاب

۱. ابن حنبل، احمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، تحقیق عامر غضبان، چاپ اول، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۶ق.
۲. التتوخی أبو علی، نشوار المحاضرة و أخبار المذاكرة، بیروت: [بی‌نا]، ۱۳۹۱ق.
۳. حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم الادباء، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۴۱۴ق.
۴. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة الكبرى، بیروت: البلاغ، ۱۴۱۹ق.
۵. شاکری، رمضانعلی، انقلاب اسلامی مردم مشهد از آغاز تا استقرار جمهوری اسلامی، مشهد: [بی‌نا]، ۱۳۵۹.
۶. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۷. عده‌ای از علما، الأصول الستة عشر، تحقیق ضیاء‌الدین محمودی، نعمت‌الله جلیلی و مهدی غلامعلی، قم: مؤسسة دار الحدیث الثقافية، ۱۴۲۳ق.
۸. قاضی عبدالجبار، تثبیت دلائل النبوة، قاهرة: دار المصطفی، ۱۴۲۷ق.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹ق.
۱۰. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار (جاذبه و دافعه امام علی علیه السلام)، چاپ هشتم، قم: صدرا، ۱۳۷۲ش.
۱۱. _____، مجموعه آثار (داستان راستان)، قم: صدرا، چاپ هشتم، ۱۳۷۲ش.
۱۲. ناصر الشریعه، محمدحسین، تاریخ قم، تهران: رهنمون، ۱۳۸۳ش.

مقالات و سایت‌ها

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی حسینی

خامنه‌ای.

۲. پایگاه خبری ماسال نیوز، «هشدار در باره رواج روضه‌های جعلی در فاطمیه»، ۱۳۹۳/۱۲/۰۱، کد خبر: ۷۸۶۸.

۳. حسینی، کیارش و حسین حسن پور، «تأثیر جنگ شناختی بر بازار ارز با استفاده از شاخص رفتار توده‌ای»، فصلنامه اقتصاد دفاع، دوره ۵، ش ۱۷، آذر ۱۳۹۹، ص ۱۰۴-۷۳.

۴. خبرگزاری رسمی حوزه، «بازنشر نظر مراجع عظام تقلید درباره فیلم سینمایی بانوی بهشت + سند»، ۱۳۳/۱۱/۰۸، کد خبر: ۹۳۵۳۸۰.

۵. گرجی ازندریانی، مهدی و مریم حاجی عبدالباقی، «ابعاد و شیوه‌های نفوذ راهبردی دشمن در سامانه «نگرشی» نظام دینی از منظر آموزه‌های قرآنی - روایی»، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال ۲۵، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰، ص ۵۱۵-۵۴۰.